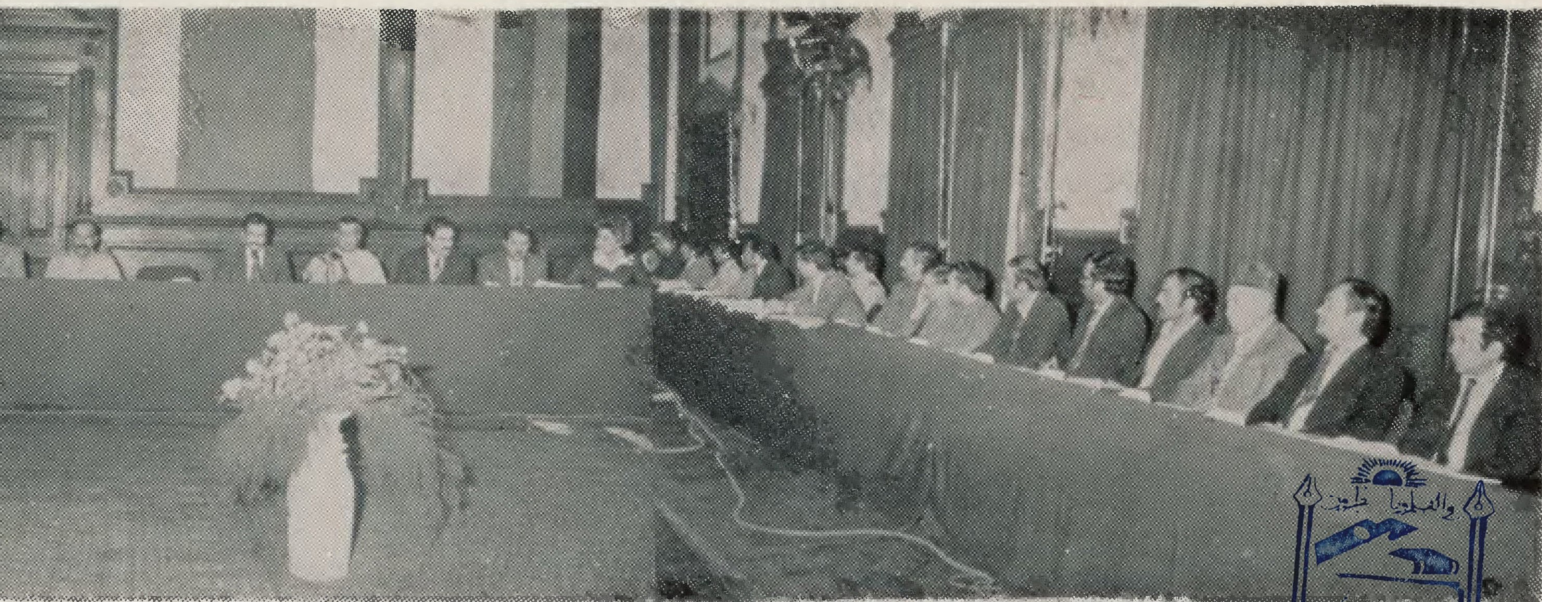
ژوندون

اطلاعات او کلتور









نمایی از نخستین

اختصار وقایع مهم

دافغا نستان دخلك‌دموکراتیك گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی‌اودافغا نستان ددموکراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس ببرك کارمل سنبلی په ۲۵ نیته مازیگر د افغانستان دخلك دمو کراتیك گوند دمر کزی کمیتی داقتصادی خانگی دگوندی مسئولینو ددوهم سیمیناربرخه‌وال دانقلابی شورا دمقر گلخانی په مانی کی ومنل له هغوی‌سره‌یی‌په یوه‌پوره دمو کراتیکه فضا کی خبری وکړی •

* * *

دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی کمیتی دعمومی منشی اود افغا نستان د دمو-کراتیك جمهوریت‌دانقلابی شورا درئیسه‌هیات دصدر ببرك کارمل‌په مشری دسنبلی‌په۳۰نیته له غرمی وروسته دافغا نستان د دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیسه هیا ت د انقلابی شورا په مقر کی غونډه وکړه •

* * *

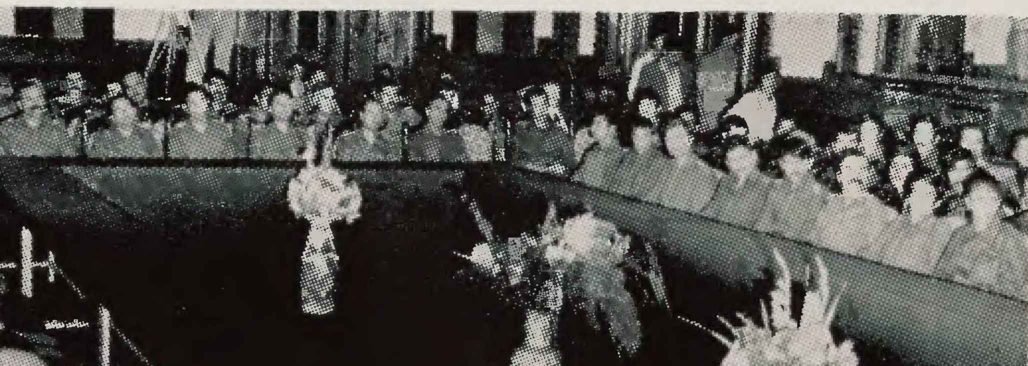
دافغا نستان دخلك‌دموکراتیك‌گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی او دافغا نستان د دمو - کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس‌ببرك کارمل دسنبلی په۲۳نیته‌مازیگر دخارندوی‌هغه قهرمان افسران، ساتنمنان او سر تیری پداسی حال کی چی دکورنیو چارو وزیر سید محمد گلاب زوی‌اودکورنیو چارو دوزارت دسیاسی چارو لوی رئیس ډاکتر فاروق حاضر وو ددلکشا په مانی کی ومنل چی دثور انقلاب دارزښتونو ددفاع اوپه هیوادکی دامنیت‌دتامین په‌لاره کی په سر ښند نی سره جنگیدلی دی او دهغوی په سینوباندی یی دویاړنښانونه اومدالونه وځړول .

* * *

تحت ریاست ببرك‌کارمل‌منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك



دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی‌کمیتی عمومی منشی او دانقلابی ش
ببرك‌کارمل دخارندوی دیوتن ساتنمن په سینه‌دویاړ مدال ځړوی .







جمهوری دموکراتیک افغانستان .

افغا نستان دوره اول اجلاس عادی سال۱۳٦۰ شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغا - نستان ساعت چهار بعداز ظهر ۳۱ سنبله در قصر دلکشا مقر شورای انقلابی دایـــر گردید .

* * *

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغا - نستان عصر ۲۳ سنبله هیات رهبری اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی رادر مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند .

* * *

دافغا نستان دخلك دمو کراتیك گونـــد دمرکزی کمیتی دعمومی منشی اود افغا نستان د دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا د



ستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی‌کمیتی عمومی منشی او دانقلابی شورا رئیس‌ببرك کارمل کله چه دانقلابی شوراپه مقر د
په ماڼی کی دگوند دمرکـــزی کمیتـی‌داقتصادی خانگی دگوندی مسؤولینو ددوهـــم‌سیمینار دگډونکو له خوایی تودهرکلی کیږی .

رئیس ببرك کارمل‌له‌خواد مالی دآزادی
دکالیزی له امله دمالی دخلکو د دمو
اتحادیی دسر منشی او دمالی دجمه
جمهور رئیس جنرال موسی تروری
ته کوته دمبارکی تیلگرام مخابره ش

* * *

دافغا نستان‌دخلك‌دمو کراتیك گو
کمیتی دعمومی منشی اود افغا نستان
کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا
ببرك کارمل له خوا د مکسیکو دملی
له امله دهغه‌هیواد دجمهوررئیس خو
پور تیلو په نامه مکسیکو سیتی ته
تیلگرام مخابره شویدی .
په دغه تیلگرام کی ببرك کارمل
دخلکو دزیاتی نیکمرغی لپاره خپلی
خرگندی کړیدی .

* * *

دافغانستان دخلك د مو کراتیك
مرکزی کمیتی دسیاسی بیرو غړی
اودپلار وطنی ملی جبهی دملی کمیټ
ډاکتر صالح محمد زیری دسنبلی په
غرمی دمخه دلیکوالو او شاعرانو دات
یو شمیر غړ یو سره دگوند د مرکز
په مقر کی وکتل .

* * *

داکتر اناهیتا راتبزادعضو بیروی
کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق
نستان و رئیس سازمان دمو کراتی
افغانستان قبل ازظهر روزاول میزان
کثیری از زنان کارگر فابریکه های
شهر کابل در سالون سازمان دمو
زنان افغا نستان ملاقات نمود .

* * *

دافغا نستان دخلك‌دموکراتیك‌گوند
بیرو غړی او دمر کزی کمیتی منشی
نستان د دمو کراتیك جمهوریت دانق
مرستیال نور احمدنور دمیزان په ۲
پراگ نه هیواد ته راغی .

* * *



پیک ثور لوک

«آنانیکه فکر می‌کنند که پیروزی درمبارزه بخاطر آینده شگوفان‌خود بخود بدون کار وپیکار قهرمانانـه‌ده‌ها وصدها هزار وطنپرست‌بدست می‌آید سخت دراشتباه هستند.»

ببرك کارمل

شنبه ٤ میزان ١٣٦٠ ـ ٢٦سپتامبر١٩٨١

دشمنان‌ما محکوم به‌زوال اند

ر یکه انقلاب ملی و دمو کراتیك‌ثور
باسی را به زحمتکشان افغا نستان
ه وآنها را حاکم بر سر نوشت‌شان
سربات محکم ومرگباری را بر پیکر
فیودالیزم و امپریالیزم وارد کرده‌به
حکـومات بی حد وحصر استبدادی
ی که ازقرنهابدینسو بر ملت‌ستمدیدهٔ
گردیده بود خاتمه داد وافق هٔی
تابناکی رادر برابر مردم رنجدیدهٔ
.

هٔوپروگرام های اقتصادی ـ اجتماعی
رات انقلابی ماکه در جهت رفاه و
توده های میلیونی زحمتکشان ماو
مین‌عدالت‌اجتماعی‌واعمار یك‌افغانستان
شرفته وشگوفان طرح گردیدو گام
وسودمندی که در جهت تطبیق این
ها بخاطر بهروزی وسعادت خلقهای
ماو عمران و آبادانی ، ترقی وتعالی
ز کشیدهٔ ما برداشته شد وپیروزی
درین زمینه نصیب دولت انقلابی ما
مذاق دشمنان انقلاب یعنی عناصر
بسته به‌فیودالان داخلی و امپریالیزم
م خوش نخورده وآتش بجان عمهٔآنان
آنها منافع آزمندانه و استثمار گرانهٔ
اثر انقلاب ثور از دست دادند و
ردم زحمتکش‌ماازچنگال‌کثیف وآغشته
ن گرگان آدمخوار نجات یافت وبرای
ینهٔ تغذیه آنان ازخون وگوشت توده
ر ومظلوم ما برداشته شد بناء همین
بب شده تا دشمنان انقلاب وطـــن

تجهیز وتسلیح گردیده و جهت تخریب‌ـترور و آدمکشی وغیره اعمال ننگین و ضدانسانی از خارج بر حریم کشور ما فرستاده میشوند تا بتوانند با انجام اعمال جنایت کارانه وشرم‌ـآور شان فضای‌زندگی وامنیت کشور مارامختل نموده وبه این ترتیب سدراه انقلاب گردند مگر از آنجایی که مردم شریف وآزادهٔ‌مابدرك این واقعیت که انقلاب ثور ودست آوردهای‌آن متضمن یك‌زندگی آبرومند وسعادتبار برای‌آنان است ودیگر نمی خواهند که باردیگر تحت مناسبات اسارت آور قرون وسطی وشیوه‌های استثماری‌آن زندگی نمایند، همواره ازانقلاب و دست آورد های آن دفاع نموده ودر پهلوی قوای مسلح قهرمان ـ خارندوی ودیگرنیروه ی امنیتی کشور هر گونه مداخلات وتجاوزات دشمنان میهن شانرا عقب زده وپلان هاواهداف شوم آنهارا نقش برآب نموده‌اند همین‌پایمردی و حمایت وپشتیبانی زحمتکشان ماست که انقلاب ثور در مقابل این همه توطئه ودسایس ومداخلات بیشرمانهٔ دشمنان وطن همچون‌صخرهٔ استوار وپابرجاست .

از آنجایی که ارتجاع و امپریالیزم اکنون بصورت علنی و آشکار مداخـلات خود را در امور داخلی ماشدت بخشیده‌ونیرنگ های تازه یی را علیه انقلاب ـ میهن و مردم ما بکار می‌بندد وباند های اجیر و مزدور رابا اسلحهٔ نیرومند تجهیز وجهت انجام اعمال تخریبـــی ترور و آدمکشی‌و جنایات ضد انسانی برحریم کشو رما می‌فرستند تا زندگی آرام مردم مارا برهم زده وفضای‌کارصلح آمیز و فعالیت های

وامپریالیزم و محوو طرد کامل اشرار ازدامان پاك وطن ،صادر گردید که مورد استقبال‌گرم مردم زحمتکش ما قرار گرفت چنانچه مادرعمل دیدیم که بلا فاصله بعداز نشر مصوبهٔ مذکور صدها هزار از هموطنان شریف ماکه واجد شرایط جلب و احضار بودند باشور وعشق وطنپرستی به این خواست حزب ودولت‌انقلابی شان لبیك گفته‌و به صفوف قوای مسلح و خارندوی کشورآگاهانه وداوطلبانه پیوستند .

مصوبهٔ شورای وزیران ج‌د‌ا علاوه ازآنکه مزایای زیادی داشته وتسهیلات‌لازم رابرای هموطنان ما فراهم آورده و مشکلات شخصی‌و فامیلی آنها رادر نظر گرفته است همچنان خط فاصلی رامیان دوستان‌وحامیان انقلاب‌ازیکطرف ودشمنان وضد انقلاب از جانب دیگر کشیده و موضعگیری آنعـده کسا نـی را کـه در برابرانقلاب موقف‌روشنی‌نداشته ودرشك وتردید بسر میبردند مشخص وروشن ساخته است خوشبختانه خلاف توقع دشمنان و ضد انقلاب ما عملاء دیدیم‌که اکثریت‌توده ها وزحمتکشان میهن عزیز ما در سنگر دفاع از انقلاب‌ودولت انقلابی شان قرار گرفته و آدماگی شانرابخاطر هرنوع ایثار وفداکاری جهت حفاظت از ناموس وطن با احساس وطنپرستی ابراز کردند .

تطبیق مصوبه واستقبال شعوری وآگانهٔ‌مردم شریف و زحمتکش مایکبار دیگر چشم‌دشمنان وطن را کور ساخته و بانیرومند شدن قوای مسلح قهرمان ما روحیهٔ دشمنان انقلاب تضعیف وضد انقلاب درهرگوشه وکنار وطن به‌شکست افتضاح آمیز و رسوایی و نابودی سوق داده

دراین شما



تبصره

تطبیق اصلاحات دمو کراتیك ارضی یکی
... اهداف بزرگ انقلاب شکوهمند ثور است

...مو کراتیك ثور که به‌اراده ... انسان ز حمتکش‌واستثمار ... ب ما در تحت رهبری حزب ... افغانستان « پیش آهنگ ... م ز حمتکشان کشور» بـــه ... تغییرات عمیق و بنیادی‌ای ... ه ما به ســود کارگــران ، ... پیشه وران و زحمتکشان ... ارا وارد مر حله نوینی از ... ید .

...ك خلق افغانستان ودولت ... تیك افغانستـــان بعـد از ... ر و تحقق حا کمیت واقعی ... ور به منظور ر فاه‌وآسایش ... ن عذاب دیـدهٔ جـامعه مـ' ... دی تمام بقا یای مناسبات ... الی طی فرمان شماره‌هشتم ... ضوع ا صلاحات د مـو- ... منحیث یك ضرورت‌تاریخی ... ر اعلام نمود . هدف عمده ... بودکه‌دهقانان بی‌زمین‌کشور ... ، شیوه های تـــولیـــد ... د و سر انجام سطح‌حیات

اجتماعی واقتصادی انقلاب ثور نیز تنها از طریق تطبیق مر حله بمر حله کامل‌اصلاحات دمو کراتیك ار ضی امکان پذیر است این اهداف عبارتند از : توزیع عادلانه و مو ثـر آب و زمین و تغییر عمیق شیوه ها و طرق تولید ز راعتی به کمك دو لت بالنتیجـــه انکشاف اجتماعی ، اقتصادی و فر هنگـــی دهقانان و زحمتکشان مشغول زراعت و اعتلای وطن ما . استحکام هر چه بیشتر ا تحـــاد کارگران و د هقانان بخاطر د فاع و تکا مل همه جانبهٔ انقلاب . »

آری ! با تطبیق همین فر مان شو ر ا ی انقلابی جمهوری دمو کراتیك ا فغا نستان‌بود که در مر حلهٔ او ل اصلاحات دمو کرا تیك ار ضی در حدود سه صد هزار خانواده بی بضاعت د هقانی کشور صاحب زمین شدند ودر مزارع دست یافتهٔ خویش‌بکار وحرکت پرثمر و سودمند آ غاز نمودند . اما آ نچه در این مورد قابل یاد آوری می باشد ایـــن است که دسایس و تو طئه های ار تجاع و امپریالیزم و مقاو مت های نا بخر دا نـــه ودشمنانهٔ د شمنان اصلاحات د مو کرا تیك ار ضی در کشور توأم باپارهٔ از اشتبا هات

وزیران جمهوری دمو کراتیك افغانستان به تاریخ (۳۰) جوزای سال جاری ادامهٔ تطبیـــق عادلانه و دمو کراتیك اصلاحات ار ضی‌رابه تصویب ر سانید و کمیسیون کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك ا فغا نستان برای ادامهٔ تطبیق عادلانـــه ودمو کراتیـــك اصلاحات ار ضی تاسیس گردید .

همچنان هیات ر ئیسه شورای ا نقـلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان اخیراضمیمه نمبر اول فرمان شماره هشتم شورای‌انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان در بارهٔزمین را به تصویب ر سانید .

در این فرمان ار زشمند وانقلابی به نکات مهمی بذل توجه صورت گرفته است که هر یك از آن ها با شرایط اجتماعی و فر هنگی جامعه ما مطابقت کا مل دارد ومورد پذیرش واستقبال پر شور ز حمتکشان میهن قـــرار گرفته اند .

بر اساس ضمیمه نمبـر اول فرمان شماره هشتم شورای انقلابی در مورد ز مین‌بمنظور احترام به علمای د ینی ، خطبا و ا ما ما ن مساجد قطعات ز مین ا ضافه جریبی دا خل

همچنان به منظور تقدیر از کار روا ئی های سران و مشران قبایل کشور که در امر مبارزه علیه د شمنان انقلاب ثور وحفظ سر- حدات وطن خد مات قابل قدری انجام داده‌اند قطعات اضافه جریبی داخل نصاب کـــه در تصرف آنها قرار دارند ملکیت قا نو نی‌آنها محسوب می شود .

بهمین ترتیب قطعات ز مین ا ضافه جریبی داخل‌نصاب که در تصرف آن عده افسرا نی که در صفوف قوای مسلح خدمت انجام می- دهند قرار دارد از نزد شان گرفته نشده در اختیار آنها قرار می داشته باشد .

اینها و بسا نکات عمدهٔ دیگری که‌درفرمان اخیر هیأت ر ئیسه شورای ا نقلابی‌جمهوری دمو کراتیك افغانستان (ضمیمه نمبر ا ول فرمان شماره هشتم شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان) بچشم می خو ر د

این حقیقت عمده و انکار ناپذیر رابه اثبات می رساند که حزب دمو کراتیك خلق افغا - نستان و دو لت جمهوری دمو کراتیك افغا - نستان در حالیکه سعی می نماید تاپایه های فرتوت نظام فیو دالی و مناسبات غیر عادلانه

گردید و راپور عمو م
مسوو لین مذکور به
کمیته مرکزی ساز ما
جوانا ن افغانستا ن
پذیرش واقع گردید .

بعد از ارا ئه راپو
غیا ئی عضو کمیته م
دموکرا تیك خلق افغا
او ل ساز ما ن دمو
جوانا ن افغانستا ن
نخستین سا لگرد سا
آهنگا ن و فعا لیت ها
در طو ل مد ت یك س
مرکزی ساز ما ن دم
جوانا ن افغانستا ن ر
نمود که مورد استقبا
شور حا ضرین قرار

بعد از قرائت پیا م
پیشس آ هنگا ن به ت
از سا یر ین به تپه ش
یـاد بود شهدا ی را
شکو همند ثور بر مز
اکلیل گل گذ اشتند
بعدا پیشس آ هنگا

پیشس آهنگان برمزار شهـدای راه انقلاب ثور اکلیل گل میگذارند

سا لروز تشکیل س.پ.ا، تحت شعار زیر تجلیل شد

می آموزیم و کار میک
برای آبادانی اب و



روز جمعه سوم سنبله نخستین سالگرد ساز ما ن پیشس آ هنگا ن افغانستا ن با مراسم خا صــــں و شکو همند ی تجلیل گردید ، ایـــن مراسم در میدا ن سپورت انستیتوت پولی تخنیك کا بل بر گزار شد ه بود که در آن هزار ها نفـــر ا ز پیشس آ هنگا ن مربوط شهـــر و ولسوا لی ها ی ولایت کا بـــــل

وترانه های میهنی خو
ترانه های میهنی خوا

طبق راپور یك منب
دموکرا تیك جوانا ن
این مراسم در حدو د
از پیشس آهنگا ن مر
ولسوا لی های ولایت
ورزید ه بودند که از
هزارو دو صد تن اشت

رتبا ط بدین روز تا ریخی
های یك سالهٔ ساز ما ن
هنگا ن افغانستا ن را پورتر
محتر مه ، پر یسا عضو
مرکز ی ساز ما ن پیشس
افغانستا ن مصا حبه ا ی
آو رد ه است که ذیلا ا ز
می گذرد :

ف به پاسخ این سوا ل
از تاسیس ساز مان پیش
افغانستا ن چه بوده و
هنگا ن در این ساز مان‌برای
ر تحت تر بیه گر فته می
چنین اظهار داشت :

تمان جا معهٔ نوین در کشور
آن است که کود کا ن و
ن کشور که مردان وزنا ن
یهن ما هستند از همین‌حالا
ه ساز ندگا ن جا معهٔ
سگو فا ن در میهن ماطور ی
تر بیت یابند که رو حیهٔ
میهن ما افغانستا ن‌واعتقاد
دیر نسبت به آینده
ن آن علاقه توا م‌بااحساس
ت نسبت به کار در امر
ن جا معهٔ نوین در کشو ر
عمیق به حز ب دموکرا تیت
فغا نستان « پیش آهنگ
گر و تما م ز حمتکشا ن
و رو حیه مبارز ه در را ه
مان ها ی آن به بهتر ین
فرد فرد آنا ن بو جو د
د نماید ، ساز مان پیشس
افغانستا ن تحت رهنمایی
موکرا تیك جوا نا ن
ن موظف به تعمیل این
باشد .

آ هنگا ن کشور تحت
گرا م ها کار می کنند و
شرایط فعلی علاو ه بر
تر بیت قرار دارند چه
خد مات اجتما عی‌ای را
دهند ؟

لو ی تطبیق پلان ها ی‌یك
شا مل بخشس ها ی
، آموز شی شو را ها
نگی ما کار های‌داوطلبانه
ب ، مسا جد ،مو سسا ت

همچنا ن اعضا ی ساز مان پیشس‌آهنگا ن افغانستا ن با خانواد ه‌های سربازا ن دلیر ی که جهت‌سرکو ب باند های ضد انقلاب در نقا ط دیگر کشور قرار دارند وازخانواد ه های خو یشس دور هستند روا بط نزدیك داشته به سر بازا ن مذکور از جانب خانواد ه های شان نا مه می نو یسند .

پیشس آ هنگا ن دو ست وفا دار قوای مسلح جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن بود ه شو را ها ی پیشس آهنگی و قتا فو قتاازقطعا ت عسکر ی دید ن نمود ه با رفقا ی قهر ما ن قوا ی مسلح ملا قا ت هایی را ساز ما ن می دهند . و همچنا ن بر نا مه ها ی دیگر ی‌مثل عیا د ت از مریضا ن شفا خا نه ی چهار صد بستر و شفا خانه اطفال جهت گرا می داشت خاطر ه شهدای قهر مان حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن گذ اشتن گل و ادا ی احترا م د ر تپه شهدا، ملاقا ت ها با کا در ها ی حز ب باز دید از فابریکا ت جهت ملاقا ت وصحبت با کار گرا ن ، تماشا ی فلم های مختلف تر بیتی نما یشس کنسر ت ها و غیره .

ــدر طی مد ت یك سا لی که از تاسیس ساز ما ن پیشس آهنگا ن کشور می گذرد چه فعا لیت ها ی عمد ه ای را در امر ساز مان دهی پیشس آهنگا ن کشور انجا م داد ه اید ؟

ــدر طی سالیکه گذ شت‌سازما ن پیشس آ هنگا ن افغانستا ن دست آورد های بز رگی در امر تر بیت وپرورش اطفا ل و نو جوانان‌داشته است ، مانند تاسیس کا خ‌مرکزی پیشس آ هنگا ن به مثا به مرکز فعالیت های آموز شی ، تر بیتی ، هنری و تخنیکی پیشس آ هنگا ن، گشایشس اردو گا ه ها ی پیشس ـ آهنگی در نقا ط مختلف کشور جهت تفریح و استرا حت بیشس از یك

بقیه در صفحه ۵۲









در دو رخ پدر سا لار ی
سالار ی ، و ی را از ابتد
حقو ق انسا نی محرو م
حق‌هر گو نه دخالت در
سرنو شت را از او میگر
که کم ماند ه بود ز ن
ما به کالا ی اقتصاد ی
وار زش اجتما عی اش با
سا ن گردد ، تا اینکه ار
هم ریز شد ، شرایط و
استثمار گرا نه مسلط در
عقب نگهدا شته شد ه
خودرا به شرایط متر قی
هم توانست مو جود یت خ
دهد ، فریاد در گلو خفه
را آزاد سازد و بهر آنچه
سده ها او را در بند زن
گونه گو ن اسار ت بسته
نفرین فرستد .

شرایط تاز ه کشور ،
دموکرا تیك و انقلا بی ،
در هم ریز ی همه ارزش
کنند ه و شرایط جایگز
مناسبا ت تو لید ی انسا
ضوابط قرو ن و سطا یی
جا معه ما این فر صت را
نوساز ی کشور ، در تعیی
نوشت ملی ،در حفظ و نگ
آزا دی و در دفا ع از
دوش به دوش مرد بر زم
رابه سو ی آیند ه بهتر
وخالی از استثمار فرد از
گذارد وازسو یی نیز برای
همه کمدا شت های فرسا
برای جوابگو یی به همه
ها و تو هین های نا شا
طول زما ن که احساس را
میسا خت ، سنگر مبارز
دو جهت دهد ، جهتی بر
اندا ختن بقایا ی نکبت با
منحط که به عنوا ن میراثی
هنوز هم ر گه هایی از آ
جا معه ما چشمگیر است
نیز برا ی از میا ن بر دا
عـوا مـل جلـو گیـری
عنوا ن نیمه فعا ل جا مع
اجتما عی و سیاسی ، ف
اقتصا دی .

نگاه‌شتابنده‌به‌نشریه‌های تازه‌کشور

دیگر فریادزن‌در گلو گاه تاریخ خفه نمیگردد

ی موثر تر در خد مات اطلاعاتی
ط جمعی میدا شتند که
ه این خواست بر آو رد ه‌شد
مجله «زنا ن افغانستا ن »
ن ساز مان شورای مر کز ی
ا ن دموکرا تیك ز نا ن افغا ـ
ن این دشوا ر را به عهده
.
ستین شما ر ه مجله « زنان ،
ستان»که در قطع منا سب در
و دو صفحه و باتن های‌رنگی
ی ز یبا و محتو ی آگا هی
از چا پ بر آمده است به
گو یا ی این واقعیت است که
ر یه میتواند باز تا بی باشد
ست ها ، نیاز ها و آرما ن
نجا معه ما و آئینه تما م
از رزمند گی ز ن ، دلیر ی
یستاد گی ز ن و تسلیم
ی زن در رو ند انقلاب .
ما ن دموکرا تیك ز نا ن
ا ن بانشر این مجله و با
نشرا تی خاصی که
ت مطبو عا تی مجله را به
یك‌رسانه گروهی مینما یددر
یما ی واقعی ز ن کشور ما
ایشس میگذ ارد ، احسا س
ه اجتما عی او را به‌شناخت
د و از قهر مانی ها و حماسه
ها یشس سخن میگو ید تا به
تیب ار زش گذ ار ی های
در خط انقلاب ملی و دمو ـ
رو شن گردد و خوانند ه
ل را بیابد که با دیدی
ی مو قف ز ن را در شرایط
ز انقلاب و بعد از آ ن خودبه
یرد و از سو ی نیز ز ن‌از
خود فر یاد کشد ، سخن
ـ یژ گی های مبارز ه اش را
کند .
کار مل منشی عمو می‌کمیته
حزب دموکرا تیك خلق
ا ن و رئیس شو را ی
جمهور ی دمو کرا تیك
ن به منا سبت نشر اولین
جله زنا ن افغانستا ن‌پیامی
ه اند که ا همیت نشر مجله
لیت خطیر گردانند گا ن

نجیب و زحمتکشس جا معه ما ، د ر
برابر جنبشس اجتما عی ز نا ن‌کشور
ودر برابر گردا ن پیشس آ هنگ
زنا ن ساز ما ن دموکرا تیك زنا ن
افغانستا ن ایجاد شد ه است .
انتشار مجله « زنا ن افغانستا ن
مقد م بر همه گا م مهمی در جهت
آشنا سا ختن همه ز نا ن کشو ربه
موقعیت اجتما عی آنا ن ودور نما ی
رو شنی که انقلا ب ثور وبخصوص
مر حله نوین تکا ملی آن‌دربرا بر
سر نوشت آنان گشوده است»
تلقی میگردد ، این مجله باید به
عنوا ن مشعل ر هنما ی ز نا ن
پاك نهاد ا فغا نستان ا نقلابی
صفو ف ز نا ن پیکار جو ی کشو ر
را تحت در فشس آر مان های حز ب
دموکرا تیك خلق افغا نستا ن ،حزب
طبقه کار گر و همه ز حمتکشان
افغانستا ن ، فشرد ه تر سازد و زن
جا معه ما را تنویر نمود ه و درکار
وپیکا ر انقلا بی آنا ن را یا ر ی
نماید .
مجله زنا ن افغانستا ن با ید
انعکا س دهند ه منافع ، خواست‌ها
وآر مان های ز نا ن کشور ما باشد
ونقشس خودرا در زمینه تحکیم و
تعمیق پیو ند میا ن مبارز ه بر ا ی
آزاد ی و برابر ی واقعی زنا ن با
مبارز ه عمو می ز حمتکشا ن‌به
خاطر دفا ع از دست آو رد ها ی
انقلا بی و امر ایجاد جا معه نوین
در کشور ایفاء نمود ه و زمینه های
افزایشس شر کت ز نا ن رادرمجموعه
زندگی سیاسی ، اقتصا د ی ،
اجتما عی و فر هنگی گستر شس
دهد .
این مجله باید ز نا ن افغا ن را
با اهدا ف والا ی انقلاب وآر ما ن
های حزب دموکرا تیك خلق افغا ـ
نستا ن آشنا سازد و به امربسیج
آنا ن در دفا ع از دست آورد های
انقلاب و در مبارز ه علیه مدا خلات
بیشر مانه ارتجا ع و امپریا لیز م
وهژ مونیز م در امور دا خلی
جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن
مسا عد ت نمود ه و آنا ن را به
سو ی اشترا ك فعا ل در امـ

مبارز ه با خطر جنگ و ضرور ت
ایجاد شرایطی که ابر های تیر ه
جنگ بر زندگی کود کا ن ما سایه
نیندازد ، آشنا شد ه و درمبارز ه
عمو می به خاطر صلح و همبستگی
بین المللی ز نا ن سهم خود را ادا
نماید .
وظیفه مجله ز نان افغانستا ن
است که بطور منظم به پخشس ونشر
اطلاعا ت سود مند در زمینه جنبشس
بین المللی ز نا ن و نقشس ز نا ن
افغا نی در پیو ند با مبارز ه جهانی
زنا ن بخا طر آزاد ی بپر دازد .
کار تبلیغی ، ترو یجی میا ن
زنا ن بنابر محکو میت و اسا ر ت
چندین سده یی زنان ، امر یست
دشوار و انبا شته‌از پیچید گی های
فراوا ن ، باید مجله « زنا ن
افغانستا ن » بتواند بر این دشواری
ها فایق آید وواقعا نقشس روشن ـ
گرا نه و بسیج کنند ه را در میا ن
زنا ن‌ایفا نماید ... »
همچنین در بخشی از پیا م
دکتور انا هیتا را تب زاد رئیسس
وبنیا ن گذار ساز ما ن دموکرا تیك
زنان افغانستا ن که به منا سبت
نشر اولین شمار ه مجله ز نا ن
افغانستا ن به نشر یه ارسا ل شده
ودر صفحا ت بعد از پیا م ببر ك
کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی
حزب دموکرا تیك خلق افغا نستا ن
به نشر سپرد ه شد ه آمده است :
«... مجله ز نا ن افغا نستا ن
بمثا به ار گا ن نشرا تی ساز ما ن
دموکرا تیك ز نا ن افغا نستا ن‌در
ارتقا ی سطح دانشس تود ه‌ای و
سیاسی ز نا ن نقشس پر بها یی را
دارا است و بازتا ب صا د ق
خواست ها و گرایشس ز نان کشور
بخا طر صلح ، دیتانت ، تر قی ،
برضد جنگ ، توسعه طلبی ،
اپار تاید ، تبعیض نژاد ی و جنسی
میباشد ، و وسیله نیرو مند رد
جعلیا ت و درو غ پراگنی ها ی
دشمن در مورد انقلاب وواقعیت ها ی
زندگی مرد م خواهد بود ، همچنا ن
ارگا ن مرکز ی ساز مان دموکراتیك
زنا ن افغانستا ن ...

مجله ز نا ن افغانستا ن
وما درا ن کمك میوسا ند ت
ما این در ختا ن بار ور ف
مارا با رو حیه و طن پرستی
گذار ی و احترا م به مردم
به میهن ، احترا م و رعایت
پسندید ه مرد م ما ، وفا
دو ستی برا درا نه همه ملیـ
ساکن افغانستا ن محبو ب
دهند .
... مجله و ظیفه دارد مبار
را در راه اعما ر جا معه نو
وسیعا انعکا س دهد و پیشـ
تولید و نمو نه ها ی‌کار خـ
قدر دانی ، تحسین و معر فی
وتجر به مثبت و نوین را دری
ها ترویج و تعمیم دهد .
یکی از وظایف پر ا همیـ
را شر کت وسیع و نشر
آموز ند ه در پرو سه همگا
مبارز ه با بیسوا دی تشکیـ
دهد ، با تبلیغ و ترو یج سو
مواد آموز شی برای سواد آمـ
وجلب زنا ن به پرو سه سوا د
مجله نقشس عظیمی را در مـ
بیسوا دی دارا میباشد .
...ار گا ن نشرا تی سا ز
دموکرا تیك زنا ن افغانستا
باز تا ب رو حیه همبستگی
جو یا نه ز نا ن کشور ما بـ
زنانیکه در راه استقلال ملی،
کراسی ، تر قی اجتما عی و
میرز مند باشد ، همچنا ن
عا مل موثر پیو ند بین زنـ
افغانستا ن و زنا ن کشور
جهان بو یژه فدرا سیو ن دمـ
تیك بین المللی ز نا ن و ظا
بزرگ و پر اهمیتی را دارا اسـ
باید با ار گا ن نشرا تی فدرا
دموکرا تیك بین المللی ز نا ن
نزدیك داشته باشد ... »
بررسی فشرده یی از محتو
مقالات نخستین شمار ه مجله
میرساند که ساز ما ن‌دمو کر
زنا ن افغانستا ن و هیا ت تـ
وگر دانند گا ن نشر یه را بـ
گیر ی اساسا ت عمده یی کـ

سیاهش رابه چشم بیننده میکشید
می داد :

- حتی د ختر ، میفا می حتی د
هزار به بابیش دادیم وحالی پنجا
خرج داره ، پنجاه هزار ، پنجاه

صحبت توی و عروسی ، جوان
چوکی عقب تر از پیر مرد نشسته
هایش را می شنید به رویاکشیده
خیلی آهسته بانفر پهلویی اش نج

- ازه مو روز اول که دید مش
شدیم ، اما او مغرور است ، مره
میرانه ، تاویز گرفتیم، فایده نکد
نشنید ، وحالی میریم به‌هرات، به
به‌همه هزارا میرم ، دعا میکنم ، ش
بسوزه ، شاید او لیا کمکم کنه ،

زن ومردی که ظاهرا زن وشوهر
چشمی خصمانه همدیگر را میدید
پایان اختلافی بود که روی تقسیـ
ها میانشان به و جود آ مده بود،
خواستند بخش بهتر و بیشتر چیز
شده را به اقوام خود هدیه د هند

ودر این میان او با سکوت همه
را می شنید ، نگا هش به دور دس
دشت های هموار بی حاصل خیره
اندیشه های دور و دراز هر لحظه
فرو می برد .

باخود می اندیشید :

« راستی این درست است که ز
چیز اقتصاد است ، این نگرانی ها،
ها ، این مناز عات و همه این آرز
به یاس میگراید به خاطر فقر است
تحمیل شده بود وزاده غارت و
مفت خوار بداندیش بود،امابه‌آن‌شرا
این بی عدالتـی هـا چرا بایـد د
چرا ...؟ »

موتر از یك گردنه خطر ناك ف
چشم اندازی نو پیش نگاه مسافر



وشته : شمع

خون من فدایت باد، وطن من!

وتر همچنان راه را می بلعید ، مثل‌یك‌غول
ش و دونده سرك را که در آ غوش دشت
، در پیچ و تاب خود خفته بود، به‌کام

واغواگرانه اش ، آنانرا مسحور میکرد ، بخود
می‌کشید تاآنگاه که باتکانی شدید رشته‌افکار

مردی رو ستایی که چای پای زمان بشکل
شیار های نا هموار روی چهره اش به یادگار

شد، دشتی و سیع بود که‌با کوهپا
شده‌بود ، از و سط آن گروهی از

یر می نمودند ، کار مداوم در
زان همه را وا مانده سا خته
ی زود رس انداخته بود .
اندیشه اش را دنبال کرد :
که فاضله نام داشت و هنوز
ی زندگی اش را به پایان‌نیاورده
ودو ناداری،خانواده‌اودرروستایی
ر خرود ننگر هار زیست‌داشت
ی زمین بود که روی زمین‌ارباب
کاری کشنده و طاقت فر سا،
هیچ آرا مش نداشت و طـلوع
را همیشه در حین انجام کـــار
میدید ، خانواده‌اش را نمی ـ
انان خشك سیر نگـــهدارد ،
حاصل بر داشته میشدوخرمن
در اندیشه اش حساب قرض
فت که‌باید پر داخت گردد و
ی که‌به زن و کو دکانش داده

که پدرش شبانگاه باشانه های
خمیده به منزل مـی آمد ،
یش را می خورد و بعدبازنش
نشست :
ه ارباب کـه انصـاف ندارد ،
شناسد زحمـــت از ماست و
فقط همانقدر به مارسید کـــه
ن خشك سیر باشیم وششماه
ر ها دیوانه‌ام سا خـتـند ،
رمن وعده دادیم ، سر خرمن،
گریه می افتاد :
ست که به فاضله وعده خرید
مختار پیسه می خواهد و زن
وز طلب آرد خوده می‌خواهد...
اری میداد :
یم است .
از تو حرکت واز مه بر کت،
ر می کنیم ، همه ما، همه ما
اما راستی ار باب ظالم است،
ت و چرا به سزای اعمال خود

خود میزد و مینالید :
ق دل شکسته مه واطفــــال
ق آه نیم شب همه مظلو مان
ه از شر ای ظالم هابر هان.

* * *

ح سالگی باپدرش وخانواده‌اش
مین ار باب پر داخت ، خشك
بیداد میکرد و زمین هارا می‌ـ

ـ راستی این ارباب کیست و چه حقی‌دارد که و قتی گندم های ما خرمن گردید، می آید وهمه را می برد ، چه و قت طلب او تمـــام میشود ، چه و قت وبرای این پرسش جوابی نمی یافت ، در دل آرزو میکرد ، کاش پدرم هم ارباب میبود به این تر تیب فاضله تا سن نه سالگی صبح تاشام مانند پدرش در زمین ارباب کار کرد تااینکه به اصرار برا د رش که در کابل محصل بود و در هر نامه خودتاکید می‌کرد که‌او را به مکتب گذراند ، شا مل صنف اول مکتب شد و آ مو ختن رابه آ غازگرفت.

مختار پسر بزرگ این خانواده و بـــرادر فاضله درکابل درس می خواند ، شامل‌پوهنخی مخابره حربی پوهنتون شده بودوبه درس خود ادامه میداد ، و قتی به مرکز آمدهزاران‌پرسش ذهن اورا پر سا خته بودند ، او که سالهاشاهد رنج روز افزون د هقا نان و ظلم و بیداد و چپاولگری مالکان بزرگ و ار بابان بود، می ـ خواست بداند چرا پایه های نظامی چنین‌غارتگر از هم نمی پاشد ، چرا ملیون ها ر نجبر و



زحمتکش مظلوم در سراسر کشور قیام نمی‌ـ کنند و به پا نمی خیزند تا این ضوابط غـیر انسانی و روابط تولیدی غیر انسانی را ازمیان بردارند و به جای آن نظامی دادگر و عادل را جایگزین سازند ؟ این مسایل را گاه‌بادوستان

به مطالعه روی آورد ، تا بالاخره دانست که چرا فقر در کشور او بیداد میکند ، چرا خان سالاری همه ریشه هـــای انسان سالاری را خشکانده است وچرا زمین به جای آنکه مال کسی باشد که روی آن کار میکند به‌عده‌یی‌مفت خورچپاولگر تعلق‌داردکه‌ازخون‌دهقان‌مایه‌میگیرند. اینك‌راه اوتعیین شده بود، اواین راه راپیمود، بی‌ترس و هراس پیمود بی آنکه خسته شود و یـــا نگـــر ا نـــی د ر ا و ر خنه کـند پیمودوهمین مبارزه او وهزاران تن دیگر چون او بود که بساط استثمار فرد از فرد رابر چید، ظلم و ظالم را به نیستی کشانید ، انقلاب را به پیروزی رسانید و هو رای شاد باش را در ده و شهر پراگند .

اما این شادی دیر دوام نیاورد ، به زودی ورق برگشت . انقلاب به بیراهه بـرده شد . تخم و حشت و ترس در دلها کاشته شدوصد ها و هزار ها جوان در زندانها روی‌هم‌انباشته شدند ، یکی از آنها مختار بود که دیگـــر خانواده‌اش از او هیچ خبری نداشت نه از مرده‌اش ونه از زنده اش

ضربه هولناکی بود که براین خانواده فرود آمد . ضدانقلاب باسر سختی می جنگید، همه جا در ده ودر شهـر آشوب بـزرگـی براه افتاده‌بود ، مالکان نمی خواستند ا متیا زا ت

پایان ماجرا نبود ، حادثه دیگری در زندگـ
این خانواده به کمین نشسته بود . حادثـ
هولناکی که یکباره فاضله را درزندگی تنه
گذاشت و همه چیزش را از او گرفت .
آن شب همه دور هم نشسته بودند ودرباره
سرنوشت مختار صحبت می کردند ، نگرانی
در همه نگاه ها خفته بود و پر سش بر همه
زبانها جریان داشت .
راستی چرا مختار را گرفتند ، او اکنـون
درکجاست ، چه و قت آزاد می گر د د ، او
که گنا هی نداشت ، مبا دا که او را نیز ....
وزبانها یاری نمیداد تا آنچه را که بر دل
داشتند به بیان آورند .
در این گفتگو بودند که در واژه کو بیـد
شد ، نخست آرام و بعد باشدت ، پدر ازجای
برخواست نگرانی د ختر و مادر عمیق‌ترگردید،
احساس شان گواهی بدی میداد .
پدر رفت و باز نگشت ، صدای دو فیرپیهم
فاضله و مادرش را از جای پراند ، شیون‌کنان
به حویلی دویدند ، جسد پدر و شو هر آ غشته
بخون بود وافتاده در روی ز مین آ خرین نفس
هارا میکشید .
چند مرد جوان که همه اسلحه دا شتندوارد
خانه شدند ، زن شیون کرد و آنان را به باد



صوفیا لیندی داکتر طب



پروفیسر ایکاتر ینا سیمارنوف
جراح



ولادیمیر ونو گرادوف
جراح



اوگینز بارووان اکامیسن در
علوم طبی اتحاد شورو

از منابع خار جی

تر جمه : ر.ی

مساله محو تهدید و نابودی حیات در روی زمیر

بحیث یك وظیفه مبرم نسل کنونی

نظریا ت چها ر اکا د میسن ، پرو فیسر و جرا ح مشهور اتحا دشورو ی راجع به خطرا ت جنگ ذروی

مرد ما ن باید حقیقت عوا قــب تباهکنی راکه سلاح ذروی میتوانــد برای بشر یت بار آو ردبدانند . ما پیشنهاد میکنیم تا یك کمیته با کفا یت بین المللی به منظور جلــب تو جه جهانیا ن به ضرو ر ت حیاتی عصر کنو نی که عبار ت از جلـــو گیر ی از فا جعه ذرو ی در رو ی زمین است تا سیس گردد . ایــن کمیته میتواند شا مل دانشمندا ن ممتا ز از کشور ها ی جهان باشد همه جهانیا ن باید از نتا یج کا ر کمیته مطلع سا خته شو ند .

(از اظها را ت لیو نید بریژنیف منشی عمو می کمیته مرکزی وصدر هیا ت رئیسه شورا ی عا لی اتحاد شورو ی در بیست و ششمیـــــن کنگره حزب کمو نست آن کشو ر در مسکو).

پیشنهاد صلح متکی بر بشــــر
وستی که طی جلسا ت کنگــر ه
بست و ششم حز ب کمو نیســـت

اتحاد شورو ی بعمل آمد ، انعکاس
خواسته های ملیو ن ها انسا ن صلح
خوا ه و بشر دو ست است که در

عین حا ل علاقمند ی خا صـــــــ
کمپ سو سیا لیستی و کشو رهای
دارند ه رژیم های متر قی را د ر امر
تحکیم صلح و جلو گیر ی از جنگ
نشان میدهد . از این پیشنها ددر
سراسر جها ن صلح خواه استقبال
گرم صورت گر فت و ابتکا رمذکور
بیشس از پیشس به حما یت و سیع
نیرو ها ی متر قی و صلحدو ست
جها ن موا جه شد . این پیشنهاد
با حمایت جد ی مرد م شورو ی نیز
موا جه گردید . بطور ی که یــــك
گروپ از دانشمندا ن بر جسته اتحاد
شورو ی در سا حه علو م مکتو بی
عنوا نی دانشمندا ن جها ن به چا پ
رسانیدند که طی آ ن تقا ضا شد تا
دانشمندا ن جها ن بیشس از پیشس
فکر و انرژی شا ن را در امــــــر
داعیه تحکیم صلح در رو ی ز مین
وقف نمایند .

طولانی را می گیرد و یا
معرو ض اخلال ها اس
معاهدا ت امضا شد ه در
تطبیق نمی شود و هم م
نافذ شده و توا فقا ت
محدود نمود ن فعالیت
دست خو ش موانع و تح
موافقا ت از لحا ظ بین ال
می گردد .

هر گا ه او ضا ع بر
دوا م کند خطر جنگ ک
ها ی ۱۹۷۰ بحا ل بر
است ، بسر عت بیشتر
را در جها ن تحت الشعا
گرفت .

ما از همه دانشمندا ن
علو م تقا ضا داریم تا
ممکنه رابرا ی بر گر دا
جنگ ذرو ی و مصوو ن
ملل از آن بعمل آور ند



گنثر بارووان اکادمیسن علوم طبی اتحاد شوروی:

شورو ی طور متوا تـــر بین المللی خا تمه فور ی سلیحا تی و تو قــــف انوا ع جدید اسلحه‌تباهکن سلاح عا م و تـــا م و ششس های بین المللی ن خوا ست‌همه مرد م با کشور های گو نه گو ن این پیشنها دا ت مثمــر کرده اند . من فکر می دانا ن میتوانند یــــك ی را در مبارز ه بخا طر ایفا کنند . آن ها بیشس به قو ت و اندا ز ه‌قدرت سلحه ذرو ی مطلع اند . توران که بهتر ازدیگران خطر نا ك انفجا ر ذرو ی م بشر ی وا قف انددر ا ل سلاح ذرو ی نگرا ن

کار تر رئیسس جمهو ر ا راجع به براه انداختن محدو د) ذرو ی چیـــز مغشو ش سا ختــــن جها ن راجع به نتایج جنگ ذرو ی نیست . که لیو نیدبریژ نیـــف رد در کنگر ه (بیست و کمونست اتحادشوروی

د ذرو ی طور ی کـــه بیان گفته می شود: ر اروپا» معنی آ غـــاز ن ارو پا یی‌را خوا هد هم مانند هم مسلکــم پرو فیسر پو هنځی شتا ین معتقد م کـــه عا جل از طـــر ف طور امحا ی جنگـــك معا هدا ت بین امریکا منظور کا هشـــــو سترا تیژ یکی اتمی

جنگ علیه فا شیز م جنگید یــــك مخالف غیر قابل سازش‌با تمایلا ت جنگ طلبا نه بود ه است ، من در این جنگ به حیث جرا ح ایفـــا ی وظیفه کرده ام .

درین جنگ ، مبـــارز ه را د ر شفا خانه ها، مراکز صحی و میز ها ی عملیا ت علیه مر گ‌ونابود ی انجا م داد ه ام .

گر چه از جنگ دو م جها نـــی اکنون سی‌و ششس سا ل مـــی گذرد اما اثرا ت شو م و جراحا ت وارد ه ما دی و معنو ی‌از نا حیـــه این فا جعه تا حا ل نسل بشر را رنج‌میدهد .

در پر تو این امر ما باید همـــه دانشس و نیرو ی جسمی خویشس را علیه جنگ بکار اندا ز یم چـــه ما دکتورا ن باید حقیقت را درمورد امرا ض نا شی از استعمــــا ل اسلحه ذرو ی بمرد م بگو ییم . ما باید با در نظر داشت تراژ ید ی پرتا ب بم بر هیرو شیما وناگاسا- کی جاپا ن عوا قب استفا د ه از سلاح ذرو ی رابیا ن کنیم . درپرتو همین امر است که ابتکا ربریژنیف در مورد تا سیسس یك کمیتـــــه کنترو ل بین المللی سلاح ذ رو ی از اهمیت خا صی بر خور داراست

نظر پروفیسر ایکا تر ینا سیما- رانوف جراح:

بیشس از (بیست) سا ل من‌علیه امرا ض خطرنا ك مبارز ه کردم . طی همه این سا ل ها ز ند گی‌من متکی بر خو شی های نا شی ا ز پیروز ی حتی پیروز ی قسمی علیه

های کشور های امپریا لیستی و انکشا ف وسایل جدید تخر ادا مه دارد و آن ها انواع جد اسلحه کشند ه را در سا حه نظ آزمایشس می کنند .

کشور های جنگ طلب امپر لیستی هنگا می این سلاح ها مورد آزما یشس قرار مید هند اتحاد شوروی ، کشور های ج سو سیا لیستی و افکا ر عا م متر قی جها ن خوا ها ن تو قـ تولید و انکشا ف انوا ع اسلـ تبا هکن ذرو ی میباشند .

مرد م سیار ه ما باید حقیقـ را در مورد عوا قب خطر نا ك جنگ ذرو ی بدانند و جدا علیه برز مند آن ها بایـد طر ح ها



جوانان درعصر کنونی بیش‌ازهر وقت دیگر خواهان تحکیم صلح،دیتانت وخلع‌سلاح‌بوده ومخالف مسابقه تسلیحاتی می‌با شند که ازطـــرف‌محافل امپریالیستی و جنگ طلبان‌ناتو تسریع یافته است.

در صور ت برو ز جنگ ذ رو ی‌ما دکتورا ن قا در نخوا هیم بود تـــا جرا حا ت وارد ه از نا حیه

امراض وبیماری هابود. باید اعترا ف کرد که علی الر غم

جنا یی سترا تیژ یست های نا تو را که کشید گی ها را در جها ن



یوه معیوب ماشوم دورزش دتمرین په‌حال کی لیدل کیږی

مخنیوی :

دغه متل چی وا یی (مخنیوی تر علاج نه ښه دی) هغو مره چی په نا- روغیو تطبیق مومی په معیو بیت او ناتوانیو هم تطبیق‌مومی‌په‌پر مختیایی هیواد ونو کی د بی سوادی فقر خرافات خو ښو لی او د رو غتیا د کافی وسا یلو د نه شته وا لی‌له‌امله دمعیوب کیدو د مخنیوی‌حال دقناعت وړ نه دی .

سره له دی هم د مخنیوی ډیر اقدامات ساده او په آسانه سره د عملی کیدو دی . میندو ته د مغذی خوړ و تهیه کول له دی سره مرسته کوی چی د تی په شید وسره تغذ یه زیات رواج پیدا کړی او د اولاد کیدو ښه تر تیب نیول دزیږ یدنی له رحمی نه مخنیو ی کو لی شی .

د پو لیو د نا روغی مخه د معافیت دوا سره نیو له‌کید لی شی د ړو ندیا مخنیو ی په هغو خوړ و سره کیدلی شی چی ویتا مین ای پکی ی زیات وی یاد همد غه ویتامین په تزریق سرهد

تصادماتو تر زیا تی اندازی
مور او پلار له خوا په ښو
نیو له کید لی شی . هم
نورو پیښو مخنیوی لکه‌او
یاد لویدلو نه دزخم د پید
مخنیو ی تر زیا تی اندازی
غسی تر بیی سره‌کید لی ش
او پلرو نو او ما شو ما
په سر کو باندی د بی تص
راتگ په باب ښود نی و

کشف :

میندو او پلرونوته باید
نورمال طرح ور زده کړه ش
دوی وکو لی شی‌هرهغه غی
حال کشف کړی چی په ما
راولاړیږی لکه له خپل وخ
وروسته کښینا ستل او پ
او یا په خپل وخت کی پ
را تلل او یا بیلو بیلو غږو
نه کول یاد کړو وړو او
نور مال طرح نه تعقیبول
حال کی میندی او پلرونه
دسلا او مشوری په غرض
ولاړ شی . د روغتیا په ک
وخت په‌وخت‌دماشوم معاین
دی سره ښه مرسته وک
معیو بیت د وخته معلوم
ښه ډول تر تداوی او معا
ونیول شی .

ځنګه کولای‌شو چه‌معیوب کسان دجامعې ګټور غړی وګرزوو؟

کال ۱۹۸۱ د ملګرو ملتو د عمومی اسامبلی له خوا د معیو بو کسانو دپاره د بین المللی کال په حیث‌اعلام شوی او له هغه سره د (ګډون او برابری) مو ضوع ضم شوی ده.ددغه کال هدف‌د ټو لی نړی په سرد ٤٠٠ میلیونو انسانا نو د بیر ته په حال کولو تشویقول دی چی په یو یا بل راز فزیکی او دما غی اختلال اختــه دی .

داسی اټکل کیږی چی په یوه‌هواد



...كونه !

... معيوب ما شوم زيږيدنه
... ټولي كور نى كى شديد
...ل پيدا كړى موز او پلار
...ه معيوبيت په باب د گناه
...ت ممكن‌دوي‌دى ته تشويق
...سوول وبو لـــى .دغسى
... ممـكن دى ته تشويـق
... ما شوم له حد نه زيات
...ردى حده چى دغه كار به‌تر
...ت د اتكا سبب شى چى‌هغه
...وم ننوتل په‌جا معى كـــى
...

... ما شوم د مور او پـــلار
...جه او وخت ته اړه لرى‌او
... ته د يوه پيټى په سترگه
... ممكن دى د ما لى پيټى
... وگڼل شى . نور ماشومان
... وكړى او د خپل معيوب
...ور په مقا بل كى منفى‌رويه
... . دا ټول ممكن په كورنى
...د تل د پاره گډوډى گا نى
...او لى.

... مور ته ښا يى خپل‌معيوب
... پراخه تندى ومنى اوهغه
...ر نى كى له نورو ما شو-
...غه‌له يا د هغه له نـــورو
...ره پرتله نه‌كړى . دوى
... شوم نه د هغه تر توان
...ع ونه‌لرى . ماشوم بايد
... كى چى په كور كى عملى
...پل توان په اندازه گډون
...يو ب ما شو م بايد خپل
...ى پرو گرام لكه ځـــان
...لى اغوستل خوړل كه‌څه
...ځت تير شى اجرا كړى .

...پلار ته نه ښا يى د خپل
... د باندى حلقى ته خپل
...كړى دوى بايد هر چيرى
...ل معيوب ماشوم له ځان
...يرى تللى شى بوزى لكه‌د
... ته دملگرو كو رونوتـــه
... . او هغه ته ددى مو قع
...له‌نورو خلكو سره ووينى
...رى چى څنگه له هغو سره

كى‌په اجتماعى لحاظ ننو تل معيوب ماشوم د كار د پاره هڅوى. هغسى كسبى‌زده كړى چى د هغه د معيو بى دپاره مناسبه وى اساسى اهميـت لرى . د حيرا نى ځاى دى چى‌حتى معيوب ما شومان ډير كسبو نه زده كو لى‌شى . وړانده كسان ما هـر كاسبان كيد لى شـــى او بى لاسو ماشومان د خپلو پښو په گوتو سره ليكل او نقا شى كول زده كـــولى شى .

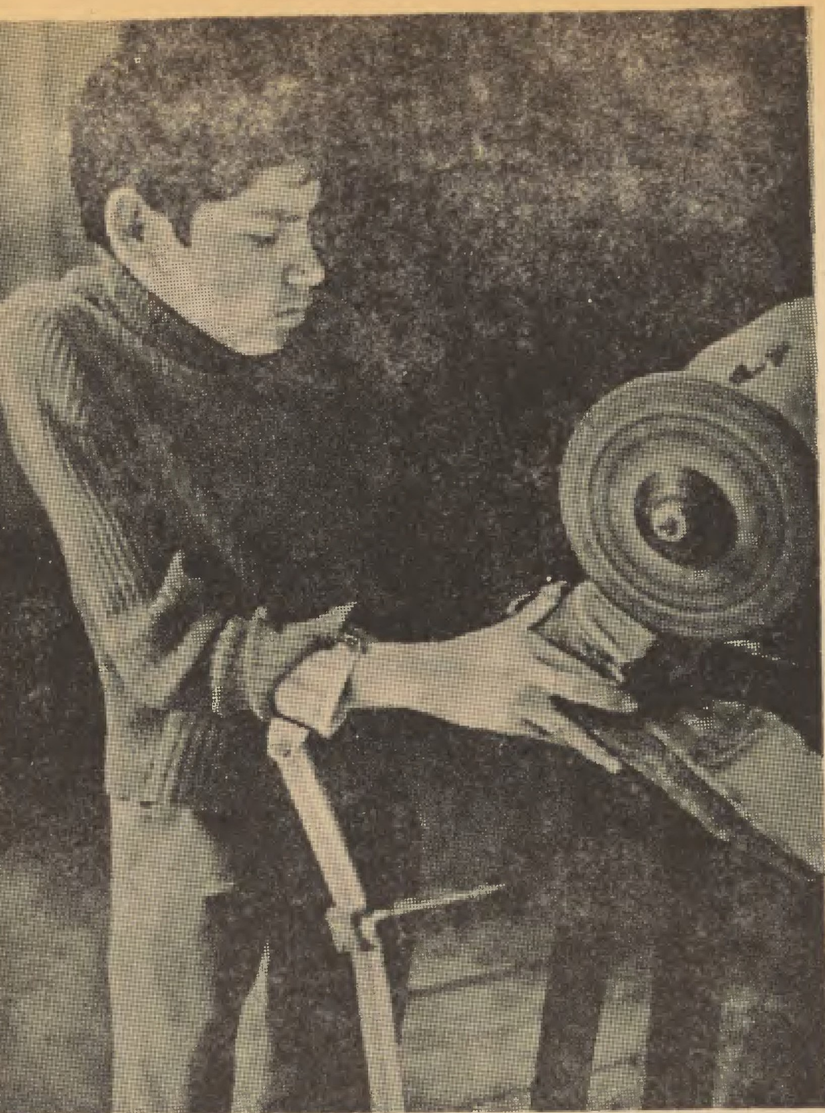
په ښوونځى كى :

چير ته چى كيد لى شى بايد ډيره پا ملرنه په ښوونځى او نورو حوفوى او تعليمى سرو يسو نو كى دماشوم داخليدلو او ننوتلو ته وشى . دغه كار د يته اړه لرى چى د ښوو نځيو مقامات او ښوو نكى ډيره پو هه‌او محر كات ولرى .

وړانده او كانه ما شو مان او همد-غسى‌نور معيوب ما شومان ځينوعادى محلى ښوونځيو ته تللى شى . داله دى سره مرسته كوى چى دوى‌دهغى ټولنى غړى شى په كوم كى چى‌دوى دوى وده كوى او لو ييږى . ډيـــر معيوب ماشومان له معيوبيت سره-سره په هغومضامينوكى چى زده‌كوى يى په‌اعلى درجه‌بر ى مومى .

متخصصان اوس د دى درك كوى چى پلرو نه او ميند ى د معيو بـــو ماشو ما نو په بيرته په حال راوستلو كى څومره مرسته كو لـــى شى . پلرونه او ميند ى بايد تشويق شى او په دى كى وروڅل شنى چى د خپلو ماشو ما نو د انكشاف څارنه وكړى په همدى ډول دوى ته بايد وښودله شى چى د دوى ما شو مان څنگه له نورو ماشو ما نو سره اړيكى پيدا كړى او په لو بو كو لو كى ابتكار وښى . د فزيكى او د ما غى معيو بانو دبيرته په حال را وستلو د پاره ډيرى لارى چارى او تلن لارى د كورنيواو نورو له خوا تطبيق كيد لى شى .

دا ډيره لږه گرانه تما ميږى چى



معيوب ماشوم دنورو انسانانـوغوندى ددى مستحق‌دى چى دجام... پووظيفه ادا كوونكى غړى اوسى.



نو شته ی : رابك

انقلاب، مردم، وطن

و

جبهه ملی پدر وطن

اگر به تاریخ انقلا با ت جهانی نظر اندازیم واضحا می بینیم که انقلا با ت اجتما عی همه از یک گونه نیستند . اگر دراثر پیروزی انقلا با ت بورژوا دمو کرا تیک تیپ کهن سلطه سر ما یدارا ن مستقر می گردید ، (در حالیکه نیرو ی محر که این انقلا با ت نیز عمانا طبقا ت پایینی جا معه و دهقانا ن بودند)و اگردر اثر پیروزی انقلابات سوسیا لیستی حا کمیت طبقه کار گر (دولت دیکتاتو ر ی پرولتاریا) و دولت کار گر ی سو سیا لیستی بمیا ن می آید ،در اثر پیروز ی انقلا با ت دموکرا تیك تیپ جدید (انقلا با ت دموکرا تیك ملی) حا کمیت تما م طبقا ت واقشار ملی و دموکرا تیك بمیا ن می آید . این نو ع انقلا با ت دارا ی دوجهت سیاسی ، اقتصا دی اند ، یکی ملی بود ن این انقلا با ت ودیگر ی دموکرا تیك بود ن آنها ست . این نوع انقلابا ت مخصو ص جها ن عقب نگهدا شته شد ه ، مستعمره ونیمه مستعمر ه سه قار ه (آسیا، افریقا و امریکا ی لاتین) اند. چرا؟ وچرا دارا ی این دو جهت ؟

بابو جود آمد ن استعمار و بعدا امپریالیز م جها ن کشا یی نیز آغاز یدن و شدت گرفت. تولید

توانست این کا لا را در خود حل کند واز جانبی هم آن سودخالص و« ار زش اضا فی مطلق» ایرا که در جها ن عقب ماند ه ، انحصا ر گرا ن میتوا نستند در یابند ، د ر کشور « خودی » ممکن نبو د ،پس سر مایدار ی به دست انداز ی به کشور های بیگا نه و مستعمر ه ساختن کشور ها پر د ا خت که صدو ر کا لا (از نقطه نظر اقتصاد ی) یکی از مشخصا ت این شکل سر مایداری (سر مایداری رقابت آزاد)بود . در مرا حل رشد بعد ی سر مایدا ر ی این پروسه شد ت بیشتر و ار زش کلی تر ی کسب می کند . منتها این بار مستعمر ه گشا یی نیز مثل همه امور دیگر خصلت انحصار ی را دارد .

بخا طر کسب سود هر چه بیشتر علاو ه بر صدور کا لا، صدور سر مایه (سر مایه گذا ر ی ها ی انحصارا ت بین المللی در سکتو ر های زرا عتی ، صنعتی ، ترانسپور- تیشن و ...) نیز رایج گردید ه وبه بزرگترین منبع سود کشی انحصارا ت بین المللی تبد یل گشت . بهر تقد یر بنابر خصلت نظا م سر مایدار ی یعنی سودکشی وبو جود آو رد ن ار زش اضا فی

حفظ وابستگی اقتصا د ی کشو ر های در حا ل رشد ، کو ششس دارد تا درین کشورها وابستگی«تخنیکی» رابوجود آرد . به همین لحا ظ امپر یالیزم د ر عین ز ما نیکه به خاطر جلو گیر ی از انقلاب ها ی دموکراتیك کو ششس دارد این کشور ها را براه رشد سرما یداری سوق دهد ، هرگز اجاز ه نمی‌دهد که این کشور ها از لحا ظ اقتصا دی وتخنیکی به پا ی خود ایستا د ه شوند . مثلا اگر یك نگاه اجمالی به صنایع کشور های در حا ل رشد دارا ی سمت گیر ی سر مایدار ی بیندازیم به خو بی وا ضح میشود که درین کشور ها از همه دست آورد های تکنالو جی پیشر فته یی معا صر صر ف صنایع مونتا ژ و پرو سسنگ نفت مرو ج است که این خود بیرحمانه تر ین و سبعا نه- ترین شکل استعما ر جدید است .

از آنچه در بالا گفتیم چنین نتیجه بدست می آید که کشور های درحال انکشا ف ووابسته سه قار ه بیشس ازهرچیز د یگر ی به ا ستقلال سیاسی و اقتصا دی نیاز دا رند . در مر حله او ل باید حا کمیت ملی خود را بدست گیر ند . هم چنا ن این کشور ها از نقطه نظر رشد اقتصا د ی در پله ها ی

کارگر هم هست نه
متمرکز ، متحد و نیرو م
به شکل جنینی و در حا
پسس معلو م است که
درین نو ع کشور ها ب
میرسد نمی تواند انقلا
لیستی باشد زیرا پایه
تخنیکی برا ی آن در جا
ندارد . همچنا ن این انق
ونمی شود که به سوی
برو ند ، زیرا از مدت
آن نو ع انقلا با ت گذ
شده اند . در شرایطی
نیرو مند سو سیا لیز
مدافع صدیق جنبشس
بخشس چه از نقطه نظر
چه‌ازنگاه اقتصادی وجو
به پیمود ن را ه رشد
نیست . از آنجا یيکه در
این انقلابا ت طبقه کار
به نمایند گی از آ ن ا
(نمایندگا ن کار گرا ن
زحمتکشا ن) و انقلا بی
این انقلابا ت به سو ی
ازاستثمارگام برمیدارند
وتاز ه انقلابا ت بورژ و
هم فقط در همین نکته
پسس معلو م است که
انقلابا ت با دو دشمن
اند و دو و ظیفه اسا
مبارز ه بخا طر کسب
سیاسی و راند ن کا مل
وبر هم زد ن کا مل من
فیو دالیته . لذا انقلابا
بخشس معا صر - ا
ملی و دمو کرا تیك ان
بخاطر ی که سلطه امپر
بدور می اندازند و دمو
بخاطر ی که حا کمیت
رابر هم میز نند . باو
درین انقلا با ت نیرو ی
کنند ه انقلاب طبقه کا
طبیعی آن دهقانا ن اند
های ضد امپر یا لیستی

ین مبارز ه مشتر ك نهفته
لذا طبقه کار گر وبه‌نمایندگی
حز ب طبقه کار گر و تمام
کشا ن مو ظف است تابخاطر
ی کا مل انقلاب ملی و دمو-
تمام نیرو ها ، طبقـــا ت
ر ضد فیو دا لی ، ضـــد
ور ی و ضد امپریا لیستی را
جبهه وسیع‌متحد سا زد .
روز ی نها یی در همین‌وفقط
ن امر نهفته است .
ه قابل یاد آور ی است کـه
جار ب عملی جنبش ها ی
بخش ملی سر اسر جها ن
صف بند ی طبقا تـــی و
سیا ت ملی هر جا معه نیرو
تشکیل کنند ه جبهه و طرز
آن‌فرق میکند.
ب ما نیز از همین گو نـــه
انقلاب ثور ، یك انقلاب ملی
یرا ریشه های استعمار راکه
قر ن چه به صور ت‌مستقیم
صور ت غیر مستقیـــــم
ما مسلط بود برکند وسر
غانستا ن را از تسلـــــط
دی.و سیا سی امپریا لیز م
، اکنو ن جا معه ما راه رشد
مایدار ی را در پیشـــــ

دموکرا تیك مالکیت ملا کا ن‌بزرگ بر زمین و سود سلم را از میـا ن بر داشت یا دریك کلام ما لکیـــت فیو دالی بر زمین را ملغا سا خت لذا بخا طر پیروز ی کا مل‌انقلا ب ملی و دموکرا تیك کشور بایـــد کوشید تا همه نیرو های ضـــد فیو دالی ، ضد کمپرا دو ر ی وضد امپریا لیستی را در یك صف واحد متمرکز و متحد سا خت و همـــه نیرو ی فعا ل انسا نی را درخدمت شگوفانی وطن گماشت.

حزب دموکرا تیك خلق افغانستان به مثا به پیشس آ هنگ طبقه کارگر وتمام ز حمتکشا ن کشور با اتکابه تیور ی انقلا بی وو فا دار ی کا مل از اصو لیت انقلا بی از بدو تاسیس در پرو گرا م انقلا بی خو یشس‌چنین طر حی را با خود برای جنبشـــ انقلا بی کشور به ار مغا ن آو رد . اگر به اسناد حز ب قبل از انقلاب مراجعه کنیم در پرو گرا م مصو به سا ل ١٣٤٤ حزب و اضحا تذ کار یافته که :

«پا یه و اساس حکو مت‌دمو - کرا تیك ملی افغانستا ن متشکـل خواهد بود از جبهه متحد ملی‌عموم قدر ت های تر قی خوا ه، دموکراتیك ووطن پرست یعنی کار گر ا ن ، دهقانا ن ، منورین متر قی، اهل حرفه خرد ه بورژواز ی، مالکیـــن خورد و متوسط وبورژ واز ی ملی، سر مایدار ملي که در راه‌استقلا ل ملی تعمیم دموکرا سی در حیا ت اجتما عی و به پایا ن رسا نید ن جنبش‌دموکرا تیك ضد امپریا - لیستی و ضد فیو دا لی مجا هد ه ملی ودموکرا تیك هم نمایند »

تیك یك ملت است . ر هبر کبیر زحمت کشان جهان می آموزد کـه: «حزب به تنها یی نمی تواندجا معه نوین بسازد . اعمار جا معه نوین کار ، عقل و ارا ده تود ه هـــا ی میلیو نی جا معه است . »

وبر حق این امریست کا مـل ودقیق ، زیرا، معلو م است که‌حزب در مقایسه باتود ه ها قطره یی در مقابل بحر ی بیشس نیست ، و از جانبی هم میدانیم که حزب متشکل از پیشتا ز ترین و آگاه تر یـــن نمایندگا ن طبقه یا طبقا ت معیـــن اجتما عی است نه کل طبقـــــه این امریست کلی برای همه‌انقلابات وباز در شرایط گستر ش انقـلا ب دموکرا تیك و آن هم دریك جا معه کا ملا عقب نگهدا شته شد ه کـــه طبقا ت و بالخصو ص‌اقشا ر مختلفی وجود دارند که د ر امر مبار ز ه‌بر ضد امپریا لیز م و فیو دالیـــز م صاد ق اند ، چطور میتوا ن به این همه نیرو ها پشت‌پ ازد .

همز ما ن باپیروز ی انقلاب ثو ر مسا له مبر م تشکیل جبهه باز هم مورد نظر حز ب بود و حتی پـلا ن مشخص عملی آنرا نیز پیشس‌کشیده بود بهمین خا طر این مسا لـــه (تشکیل جبهه ملی پدر وطن) د ر خطوط اسا سی و ظا یف انقــلا ب که به تاریخ (نزده) ثورســـا ل (١٣٥٧) تصو یب و انتشا ر یا فت مطر ح و منعکس گردید ه بود . ولی دیر ی نگذ شت که سا یه ی سیا ه باند جنایت کار وفا شیست امین برسرنو شت جا معه ما مسلط گشت . امین به حیث و فادار ترین نمایند ه سیا تا توانست جنبشـــــ متر قی و انقلا بی را ضر به ز د او هزارا ن هموطن شریف ، انسا ن

معا صر جنایت کارا نی چو ن
باندش ، پو ل پو ت و بانـ
مائو یستی اش را در کمپو چیا
کرد و بس . حکو مت تروروا
طراز فاشیستی امین دریچه‌ی
اشکا ل ز ندگی صلح آمیز
کرا تیك را در مد ت کو تـ
حکمروا یی اش ، در همه عر
ها بررو ی مرد م ز حمت کش
مابست . البته در زمینه تشکـ
جبهه ملی پدر وطن که طر ح
ومستد ل حز ب ازسا ل ها قـ
پیروز ی انقلاب بود و همز ما
اولین روز های پیروز ی انقـ
گا م ها ی عملی نیز در جهـ
تحقق آن بر دا شته شده بو
نیز خیانت واضح صور ت گر
این مسا له تحت نا م های
کارا نه ، بخا طر بدنا م سا
اید یو لو ژ ی انقلا بی‌و منحـ
سا ختن مسیر انقلاب به‌بیرا
ها ، کتما ن شد ه وبه تاق
گذ اشته شد . حکو مت امیـ
وامینی ها دیگر در میا ن مرد
نداشت و ناگز یر به سقو
وچنـــان هـــم شد. در شام
جدی نیرو های وطن پرست
ما و ار دوی رهایی بخشس ا
نستا ن تحت رهبر ی نیرو هـ
اصو لی حز ب بابراه اندا خت
قیا م‌نیرو مندی طلسم ظلم و
گری امینی ها را شکستا ند
برای همیشه بر تسلط جهنمـ
ایشا ن خا تمه دادند . بدین‌تـ
انقلاب ملی و دموکرا تیك ثو
بیرا هه نجا ت یافت وبر حز
مردم ما که می گو یند :« مر حلـ
انقلاب مر حله رهایی حزب ،
ووطن است . »

پا به پا ی پیروزی مر حله
انقلاب ، نیرو های سالم و اصـ
حزب با اتکا به اصو لیت ،ا
لوژ ی علمی و پرو گرا م علمـ
تنظیم شد ه حزب دمو کرا تیـ
خلق افغانستا ن و با درك د



نقد و معر فی کتا ب

ز ندگانی سیاسی میرعلی شیرنوائی

مولف : اکا د میسین و.وبارتولد
بر گر داننده به دری: پو هاند میر حسین شاه .
ناشر : ریاست کلتورو هنر.
یکصدو شش صفحه

میر علی شیر نوا یی بدو نتردید
ی از ستار گا ن قدر او لفرهنگ
سور ما ست . اکنو ن که بیش‌از
ج سد ه از روز گار زندگا نی او
می گذرد . نام او همچنا ن برای
گرا می است . اندیشهٔ تفکر ،
رش او بر مسایل پیرا مـــو ن

که در تاریخ شخصیت هایی ازین
گو نه یاو جود ندارد و یا اگر باشد
کم است اگر از شمار ه تالیفا ت،
آثار منظوم و منثور او به زبا نهای
دری و تر کی که به(سی‌و دو)
عنوا ن میرسد در گذ ریم که همه
درجای خود قابل اعتنا،توجه ویاد

آن پرداخته است ، که در مجمو ع
حس انسا ن دو ستی و مـــر د م
گرایی اورا می رساند در تاریـــخ
کمتر پیشینه دارد که دولت مردمی
به مسایل فر هنگی تا جا یـــــی
تو جه داشته باشد که میر علــــی
شیر نوایی. **دولـــت مردان ا گـــر**
گا هی صفحه ا ی راسیا ه کرده‌اند
شعری گفته اند ، تابلو ی پدیـــد
آورد ه و یاسیا ه مشق ها یی کرده
اند برای تفنن و سر گر می بو د ه
است نه نیاز مند ی و حســـــــس
مسوو لیت . میر علی شیر نوا یی
اگر شعر ی گفته ، تر جمه‌وپژوهشی
انجا م داد ه خطی نو شته و یـــا
تابلو ی نقا شی ای پدید آو رد ه

ویران می شو ند کا خه
های سلطنتی را باد و بـ
گذشت ز ما نخرا ب می
نقش فر هنگ است که
واستوار می ماند . بار
شیر نوا یی بیشتر ین‌و
صرف کار های تحقیقی ا
هنری می کرد ه است و از
او مو قعیت ویژه و شا
دارد . و قتی چهر ه اد ب
میر علی شیر نوا یی که
در خشند ه و چشمگیر
نظر می گذ رانیم به سیم
او می نگریم که همچنا ن
دارد . میر علی شیر نوا
سیاست گرا ن خشك ا
متعصب و تاریك بین نیس
اجتماعی را با تدبیر ، خر
وآگا هی به پیشس می برد
وزار ت او در در بار سلط
بایقرا به درد ها ، نیاز ه
های مرد م تو جه فراوا
است . برای هیچیك از
اجاز ه آ ن را نداد ه اس
را غمگین نماید و خاطر
ویابه بازا ر ی آزار ی بر
در زمینه ، آثار ، پژو
واشعا ر میر علی شیر
همان سیمای فر هنگی او
سازند پیشس از ین تحقی
فراوا ن به سا مان رسید
اتحاد شورو ی به پیمانا
در افغانستا ن ،تر کیه
و هندوستا ن متناسب با
اما در بار ه سیما ی دی
همان تدبیر . کشور دار
است کو ششس کمتر ی ا
است که انتشا ر کتا ب
دانشمند خا ور شنا س
شوروی بار تو لد **می توان**
باشد برای کو ششس
آیند ه درین بار ه و زمی
کتا ب « زندگانی سیاس
شیرنوا یی » در بار ه
نو یسد :

«هرو قت میخوا هیم
فر هنگ کشور خود وا
مجاور آن را در کتب د

مود و در دوازد ه اپریل
در همان پو هنتو ن به
آغا ز کرد در سال ۱۹۱۲
یت اکا د می روس شا مل
تا رو ز و فا ت(نزد ه)
۱۹۲ به آن عهده با قی

درادامه گفته های خود می

لد ـ از زبا ن های شرقی
. فارسی و تر کی کا ملا
و از کتبی که به این
نو شته شده بود به
ستفا د ه می کردو متو ن
شا ر میداد . معرو فترین
انشمند که میگو یند د ر
یسی فصل تاز ه ای کشوده
کستا ن اوست و لی
ش نیز از مقا له ورساله
که تعداد آن به سه صد
در موضو عا ت جغرافیایی
باستا ن شنا سی ، سکه
نژاد شنا سی ، متن
فقة اللغه مرد مان آسیای
وارا ضی دیگر اسلا می
د ه . همه عمیق و دارا ی
سیا ر از زند ه است .
ارتبا ط ار زش وا همیت
دگانی سیاسی میر علی
ی » یاد آور میشود .
ار تو لد در تالیف این
ما خذ اصلی نظر داشت
دقیق تاریخ نو یسی خود
یف نمود ه در ار زش این
ما گفتند که در بحر وسیع
بار ه آثار میر علی شیر
ن رساله یعنی« زندگا نی
میرعلی شیر نوایی «چون
ی می در خشد واین
بت تا حا ل هم ادا مه

ب ز ندگا نی سیا سی
شیر نوا یی پیشس از ین‌به
ر جم به در ی برگردانیده
ست و این بار به مناسبت
تحقیق بر آثار و احوا ل
شیر نوا یی » تجد ید

کلتور است در این اشار ه و ا ر
مختصر آمده است :
«شاد مانم که با آغا ز دهۀ
تحقیق در بار ه امیر علی شیر
نوا یی و عصر او رسالۀ که
خاور شنا سی نا مدار پرو فیسر
واسیلی بار تو لد در زمینه یکی ا ز
ابعاد شخصیت نوا یی نگا شته
است به چا پ میرسد این اثر بار-
تولد در اصل به زبا ن روسی بودو
در درازا ی سا ل‌ها ی ز یا دی‌تنها
کسا نی از آ ن بر خور دار می
شدند که زبان روسی میدانستند.»
دانشتند . »

استاد مینور سکی این اثر رابه
زبان انگلیسی بر گر داند و به این
وسیله زمینه آ ن فرا هم آمد که
کتا ب مورد استفا ده گرو ه‌کثیری
قرار گیرد و اینك چا پ دو م آ ن
به دری در دسترس علاقمندا ن قرار
دارد که در گزار ش آن دانشمند
معاصر پو هاند میر حسین شا ه
زحمت فراوا نی بر خود هموارداشته
وبدینسا ن است که زمینه‌استفا ده
از کتا ب برای جا معۀ در ی ز با ن
نیز فرا هم می آید . کتا ب‌درشش
فصل و یاعنوا ن بخشس بند ی می
شود با آنکه نا م کتا ب ز ندگی
سیاسی امیر علی شیر نوا یی نا م
یافته است به اوضا ع و احوا ل
فر هنگی ز ما ن او نیز اشار ه‌ها ی
درین کتا ب و جود دارد که محقق
وپژو هند ه را بی نیاز از مرا جعه
به متو ن فر هنگی که در بار ه‌میر
علی شیرنوا یی نگا شته آمد ه
است می سازد درین بخشس هانشان
داد ه میشود که در دور ه‌تیموریا ن
هرات به اوج از شکو همندی
فرهنگی رسیده است . هنر نگاره
گری دور ه تکا مل خود را می‌پیماید
وبه دست هنر مند نابغه ونگاره گر
بی همتا « بهزاد » به شهر تی
جهانی می رسد . شعر کهن در ی
آخرین نماینده ه بز رگ خو د
مولا نا جا می را به جهان می
شنا ساند . هنر خطا طی وموسیقی
هم رواج ورونق شگفتی پیدا می‌کند

بی پایا ن قرار می داد . در اثر
دخالت های مستقیم او در بار
سلطا ن حسین بایقرا به مجمع
بزرگی ا ز هنر مندا ن ، شاعرا ن،
نویسندگا ن مبد ل شده بود . تا
جایی که سخن چینان و حسو دان
در سلطا ن دمیدند که در اثربخشش
ها و سخاو ت مند ی های میر علی
شیر نوا یی خزا نه پادشا هی‌خا لی
شده است . این روا یت نشا ن
دهند ه آ ن است که میر علی
شیرنوا یی در راه گستر ش، رواج
وپخشس فر هنگ در ی‌و تر کی
نقشس شایسته ای داشته‌در کتا ب
زندگی سیاسی میرعلی شیرنوا یی
که یك کتا ب صر فا سیا سی باید
باشد به این بخشس یعنی پخشس
فر هنگ و گستر ش آن در دور ه
نیز تو جه شده است .

بار تو لد در نو شتن این کتا ب
زحمت بی شمار ی بر خود هموا ر
داشته است از ما خذ و منابع
دست او ل و قابل اعتما دی استفاده
کرده است . منابع این کتا ب د ر
آخر هر صفحه نشا ن داد ه میشود
که به خوانند ه پژو هند ه وعلاقمند
آثار میر علی شیر نوا یی جالب
است بار تو لد بسیار ی از متن‌ها
وتذکره ها و تاریخ ها یی را که در
بار ه آثار و احوا ل میر علی شیر
نوایی اشار ه های دارند موردتردید
قرار می دهدباآ گاهی‌یك محقق
واقعیت بین و دانشمند صحیح
ترین و مستند ترین قو ل را درباره
اومی پذیرد روایت های مجهول‌به
اثبا ت نرسید ه و غیر دقیق را در
باره میر علی شیر نوا یی نمی
پذیرد . بار تو لد در این کتا ب
بیشترین اتکا رابر متن ها یی دارد.
که در زما ن ز ندگی علی شیرنوایی
تدوین شد ه اند و یا از نظر
تاریخ نگارش به زمان نز د یك
شد ه به قو ل دو مورخ آگاه‌خواند
میرو میر خواند که در شمارمعاصران
میر علی شیر نوا یی اند بیشترین
اتکا را دارد . بار تو لد با سبك
عالما نه ای که در تحقیق و تا ریخ

وتدوین آن سا ل ها ز حمت‌ک
وحتی رنج سفر را بر خود هموا
داشته و به اقوا ل و افواه شفا
هم تو جه کرد ه است بر سرز
هرا ت ، موفقیت ، فر هنگ و
آمد ن آ ن تو جه شده است . د
بخشس بار تو لد نشا ن می دهد
در دور ه میر علی شیر نوا یی
اثر کار ، تلاش علاقمند ی و ت
او چگو نه شهر هرا ت عظمت
دست رفتۀ خود را باز می یابد
شرق مانند نگینه ا ی می در خ
در اساطیر هم نا م هرا ت گرا
داشته شد ه است و در دو ر
علی شیر نوا یی شکو همن
این شهر باز ساز ی و نا د
مردانی را در دا مان خود می پر
که شا یسته ترین افتخا را
شادباش ها را سزاوا ر اند . ف
سوم کتا ب به تبا ر و دور ه ج
علی شیر نوا یی اختصا ص یا
است در این بخشس کتا ب نش
داد ه میشود که چگو نه مر د
تبار ی نه چندا ن به شهرت رس
در اثر کار ز حمت و تلا ش‌همی
خویشس به چکا دی از دانشس ه
سیاست می رسد . که تو ج
جهانیا ن را به سو ی خود م
کشاند درین بخشس کتا ب خوا
در می یابد که اگر انسا ن ارا
کند می تواند چکاد های برین‌اف
را فتح نماید بر شکو همند
جلال تمد ن و فر هنگ بش
بیفزا ید وخو یشتن را به جاود
برساند .

جوانی علی شیر نوا یی ب
مطالعه ، تفکر ، پژو هشس هم
بوده است ، یار همیشگی اوک
ودانشمندا ن و اهل دل بوده
واو از روز های جوا نی خو
عظیم ترین استفا ده ها را کر
است .

شهرت ، لیا قت ، دانشس،آ
تدبیر و رفتا ر مرد م گرایا نه
علی شیر با عث آن گردید
گرو هی از حسو دا ن ، تنگ
نظرا ن ، و آنها یی که از خود



مارتین لوتر کینگ

جمة قاسم «سرمد»

قسمت دو م

من‌هم یك انسانم

* * *

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

ا عت پنج پنجاه و هفت بعد از
ت روز پنجشنبه داکتـــــر در

با درایور و دوستا نش که‌درمحل
بار کینگ موتل ایستا د ه بود ند

ایستاد ه شد و قصد داشت باتاق خود بر گردد .

ساعت ششش و یك دقیقه رانشان میداد و یلا رد نفس عمیقی کشید انگشت شها د ت دست راست او با آهستگی ماشه سرد تفنگ را به سوی خود کشید .

آنهاییکه سقو ط داکتر را برو ی بالکن ندید ه بودند چنین پنداشتند که انفجا ر پتا قی صورت گر فته باشد .

گوله به الا شه و گردن مقتو ل اصابت کرد ه بود . قاتل یقیـــــن حا صل کرده بود که فیر گلو له دو می لازم نبود . او اسلحه را در یك قطی مقوا یی گذ اشت‌وخریطه اش را نیز بر داشت واز اقا مت‌گاه خود خار جشد . ویلا رد اسلحه‌و خریطه را در کنار سر ك رها کردو ازنظر ها غایب شد .

همد ستا ن کنگ و باشند گا ن موتل به بالکن ، جاییکه داکتربخاك افتا ده بود شتا فتند . یکی ا ز دوستا ن و ی سر ش رادر آغو ش خود گر فته بود . یك سفیدپوست در حالیکه قطیفهٔ بدست داشت به کنگ نزدیك شد و آنرا برویزخم گذاشت . و خو ن همه جا را فرا گرفته بود.

یکی از دوستا ن نزد یك داکتر که امکا ن انتخا ب و ی به صفت جانشین کنگ در «کنفرانس‌رهبری عیسو یا ن جنوب » میر فت‌احساس میکرد که نجا ت داد ن کنگ بسیار ناو قت شد ه بود او به با لیـــــن دوستش نزدیك شد و بزانو افتاد اشك در چشم هایش حلقه زد ه‌بود وسه بار کلمه مار تین را بز با ن آورد .

وقتی امبو لا نس به محــــــل واقعه رسید آثار حیا ت به‌سر عت از کالبد داکتر زایل می شد مرد درحال احتضار ساعـــت (شش‌و شانزد ه) در اتا ق اضطرا ر ی شفا خانه سنت جوز ف برد ه‌شد یك تیم (دوازد ه) نفری داکتران

ساعت (هفت و پنج) دقی
رهبر حقو ق مدنی سیا هان
گردید .

بیست و پنج دقیقه پسا
یکی از اعضا ی دفتر . کنگ
که جشم هایش از گر یه
آما س کرد ه بود از شفا خا
وبه روز نا مه نگارا ن اظه
داشت « کنگ را کشتند » .
ازدوستان اوگفت کنگ هم
انتظا ر قتلش نبود و لی
وقوع آنرا انتظا ر نداشتند

در اتلانتا به (کور یتا
همسروی از ممفیس ذریعه
اطلاع داد ه شد که کنگ ز
شده است. شاروال اتلانتا
حادثه اطلاع یافته بود به
کنگ شتا فت تا (کور یتا
میدان هوا یی برساند .
در انتظا ر بود تا موصو فه
شو هرش برساند .

موتر شاروا ل از جا ده ه
آلود و بارا نی اتلا نتا جانب
هوا یی براه افتاد . در مید
پیش از آنکه همسر کنگ
طیار ه داخل شود یك نفر
را از مرگ قطعی مارتین اط
شاروا ل مو صو فه را د ر
میدان هوا یی متوقف وبو
بود که داکترا ن از نجا ت
عاجز آمده بودند . کوریتا
اش باز گشت تا شب را
طفلش سپری نماید .

پولیس ممفیس فورا
موتل مورین را محا صر ه
شاید، ن عینی اظهار میدا
قاتل بعد از رها کرد ن اس
کنار جا د ه ذریعه یك مو
رفتا ر سفید رنگ از محل
کرده بود ، راه ها ی عمد
شد و ادار ه تحقیقا ت فدر
تعداد نمایندگا ن خودرا بـ
جستجو ی قاتل به ممفیس
ولی قاتل از نظر ها غا یب
بود .

مرگ مارتین با عث آش

نهم سپتمبر یا روز سالگرد

انقلاب بلغاریا

هم سنبله سال ۱۳٦۰ یا نهـــم
۱۹۸۱ مصادف است به سی و
رد پیروزی انقلاب مردم‌بلغاریـــا
تاریخی بود که سی و هفت‌سال
(درسال۱۹٤٤)مردم‌قهرمان وانقلابی
ت بزرگی رانصیب‌دیدندوباسرنگون
مت دیکتاتوری فا شیستی انقلاب
را به پیروزی ر سانیدنـــد و
وریت سوسیالستی بلغاریاتوسط
یه‌تروف» فرزند قهر مان‌آنکشور
از این روست که‌مردم بلغا ریا
روز تاریخی کشور خـــویش را
رند و مقدم آن را گرامی میدارند.
ردم بلغاریا بر سلطهٔ فا شیـــزم
تعماری سر آ غاز سا ختمـــان
سو سیالیستی وانکشا فـــا ت
قتصادی واجتماعی در آن کشو ر
ید واین پیروزی ثمره مبا رزات
امدار ی بود که توسط‌مردم‌قهرمان
کشور بر ضد فاشیزم و استعمار
شده بود .
م جنگ دوم جهانی و ظایف‌خطیری
لت و مردم بلغاریا وجود داشت،
ملی آنکشور به سرعت ر شد
کانات زیست بهترمردم زن کشور
ردید .
اریا بعداز پیروزی انقلاب بـــه
زیادی درساحه های‌مختلف زندگی
و پیشرفت های صنعتیو زراعتی
که سیستم ا قتصادی آن کشور را

انکشاف می بخشد اکنون به‌مراحل عـــا لیو
پیشرفته‌ای رسیده است. محصولات صنعتی‌آن
کشور در سال ۱۹۷۵ به مقایسه سال ۱۹۵۰
هجده چند ازدیاد را نشان می دهد ، بلغاریا
امروز ازنگاه صنعت الکترونیك در جهـــان
مقام ششم را حایزمی باشد وتولیدات مطمئن
صنعتی آن‌توجه‌خاص جهانیان را بخود معطوف
داشته است .

مردم بلغاریا نه تنها ازنظر اقتصادی ایکه
در فروغ پیشرفت های انقلابی میسر گر دیده
اند متکی بخود اند بلکه بسا ازکشور هـــای
دیگری از جهان نیز از این تر قیات وپیشرفت
های مردم بلغاریا در ساحه های علمی،تخنیکی
وزراعتی مستفید گردیده اند . انواع مختلف
ماشین آ لات ومحصولات فابریکات این کشور
به ممالك دیگر جهان صادر می‌گرددومتخصصان
ودانشمندان کشور بلغاریا در ممالك مختلف
قاره های آسیا، افریقا وامریکای لا تین‌بسود
زحمتکشان ودر جهت ار تقای سطح حیـــات
اقتصادی واجتماعی آنکشور ها دوش بـــدوش
زحمتکشان آنهاکار می‌کنند. و حدت‌وهمبستگی
بلغاریا با سایری کشور های سو سیالیستی
بخصوص کشور بزرگ صلح جهان کشو ر
شورا ها در امر پیشرفتهای روز افـــزون و

چشمگیر اقتصادی آن کشور مساعدت خو بی
نموده است .

کشور سو سیالیستی بلغاریا منحیث یکی
از کشور های عضو جا معه همکاریهای متقابل
اروپا یعنی کو میکان نه تنها با کشور هـــای
برادر سو سیالیستی همبستگی و روا بـــط
حسنه بر قرار نموده است بلکه عندالموقع از
تمام نیرو های انقلابی و نهضت‌های آ زادی‌ـ
خواه جهان حمایت و پشتیبانی های بید ریغ
خودرا ابراز نموده است و همچنان ا بـــراز
خواهد نمود .

مردم افغانستان آزاد وانقلابی که با خلـــق
قهرمان واستعمار شکن بلغاریای جوان روابط
عنعنوی و کهنی را دا را می باشد نه تنهـــا
این روز تاریخی یعنی پیروزی انقلاب سو ـ
سیالستی را به خلق ز حمتکش آن کشور
تبریك می گویند بلکه مو فقیت های مزیـــد
ایشان را در راه تر قیات و پیشرفت های‌مزید
سیاسی ، اقتصادی واجتماعی آ رزو می برند.

گرچه روابط میان مردمان جمهوری دمو ـ
کراتیك افغانستان و کشور قهر مان وانقلابی
بلغاریا تاریخ قدیمی دارد و لی این روابـــط
بعد از پیـــروزی انقـــلاب شکـــوهمند ثـــور و
بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن که آخرین

حلقهٔ استبداد فاشیستی در کشور مادر هـ
شکست بطور محسوس و روز افزونی بمشا
می رسد . مردم قهر مان وانقلابی‌افغانس
که سالیان درازی را درزیر سلطه ر ژیم
مستبد وابسته به دودمان رسوا و تاریخ
یحیی بسربرده بودنـــد با پیروزی انقـــ
آزادی بخش ثور آ زادی واقعی خودرا نص
گردیدند و قدرت سیاسی را از یـــد جبـــ
وستمگران تصاحب نمودند و باپیروزی مر
نوین و تکاملی انقلاب ثور در تحـــت ره
حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و طـــ
مردم وانقلاب خویش را از توطئه سیاه‌ساز
جهنمی ایالات متحده امریکا «سیا» نجـــا
بخشیدند مسلما از حمایت و پشتیبانی
بیدریغ همه نیرو های صلحدوست و آ ز
پسند جهان در راس اتحاد جما هیر شو
سوسیالیستی در امر بزرگ د فاع از و
مردم وانقلاب خویش در برابر تجا و زا
مداخلات و جنگ اعلام‌ناشده ، ار تجاع
هژمونیستی وامپریالیستی بر خور دار ا
بلغاریای قهرمان وانقلابی یکـــی از کشور
دوست وبرادر مردم افغانستان بوده و ای
دوستی و برادری خلقهای هر دو کشور تا
درازی دارد .

ما آرزومندیم رشته نا گسستنی دو سـ
میان مردم ما و مر دمان صلح دوست، ت
خواه و آزادی پسند بلغاریای قهرمان بـــ
استحکام خود روز بروز به افزاید ونیر
ونیرو مندتر گردد .

: الیا سوچ کوف

کی : پو هنیار محمد هاشم‌بشریار

غلا شوی‌مغزونه

شمتند پرس خبری آژانس دغه متخصصین یا د پو هی خاوندان

چی آسیا یی او افریقا یی هیوادو نو
داستعمار یوغ مات کړه هغوی خپل
ځانونه د اقتصاد له مخی‌وروستـــه
پاتی او دودی په حال کی ولیدل.
هغوی وپوهانو ، تخنیك پوهانو،
ډاکترانو ، ښوونکو او داسی نورو
پرسونل او کار کوو نکو له مخی‌د
زیات کموالی او تنگسی سره لاس
او گریوان وو. ددی لپاره چی ملی
ژوند احیا اوپه‌هغه کی بریا لیتوبونه
ترلاسه شوی وای ، نو متخصصین
او ما هران باید ژر تر ژره روزل
شوی وای ، او له بلی خوا هغه‌تجربی
چی داقتصاد له مخی په پر مختللیو
هیوادو نو کی په‌لاس‌راغلی وی دودی

تجربی په عاریت اخیستلو سره د
خلاله منځه یوسی چی‌دوی‌په‌سای
او تکنا لوجی د پر مختللیو هیواد
څخه بیل او لری ساتی ، او له
خوا هغوی یوا ځی د خپلو تحقیقا
او څیړنو د ودی له مخی کولای
چی علمی او تکنا لوجیکی لوړی‌سو
ته ورسیږی .

ددغه وروستنی هدف په نظر
نیو لو سره ، ډیر و نو یو استق
او خپلوا کی ته رسید لیو هیواد
په گړندی تو گه سره د روز نـــ
پروگرامو نه پیل کړی دی . په
لړکی ډیر زیات ځوانان باندنیـــ
هیواد ونو ته او همدا رنگه شور

دختر فالیزوان

وشتهٔ :
سنگیر نایل

ر دست و سیع به نظر می رسید که‌شفق
ه است . ستاره هائیکه در دامن‌لاجوردین
ان چشمك می زدند ، کم‌کم از نورشان
ته میشد .
جوره) لحاف را از روی خود پس کرده
جای خود نشست ، پس از آنکه بادهای
س را شکستاند ، نیم خیز شداماکسالت
ستگی کار روز گذشته که از دم صبح
فتن مصروف نقل دادن غله از خرمن‌بخانه
، مانع شد . شعاع آ فتاب سحر گا هی
پس کوهها نورافشانی میکرد.یکباربیادش
که امروز همراه (بابه رشید) همسایهٔ
در (لاش) فالیز ، و عدهٔ کمك کـــرده
ت . واسکت خودرا که درزیر با لشت
ه بود ، پوشید واز بستره بر خاست و
با ساعت هفت ، هفت و نیم صبح بود
خانهٔ بابه ر شید که در دشت ، آنطرف‌تر
فالیز خود ((چپری))زده بود ، رفت.
جوره را تمام مردم قریه به عنوان‌یك‌آدم
سالی، بدگذاره ولی با غیرت و شجـــــاع
شنا ختند . جوره از دیر ز مان به‌اینطرف
شه) د ختر بابه رشید را دو ستداشت
و قت های خورد سالي که در مدرسه
سبق بودند ، یکدیگر را می شنا خـــتند
شه هم جوره را به نسبت گذشته هـــای
رش ، به نسبت صفای قلب و با غـــیرت
نش ، دوست داشت .
همان روز که جوره بخانهٔ بابه رشیدرفت،
ساس عجیبی می‌کرد .درذهنش اندیشه ها

هم با آمدن جوره پیراهن گلدار قشنگـــی
پوشیده بود و گاه گاه از زیر چادر گـــل
سیبی اش به جوره دزدیده نگاه میکرد .
ساعت چهار بعد از ظهر بود که بابه‌رشید
یك جوال را خر بوزه و تربوز پر کرده به
جوره داد که خانهٔ خود ببرد . یکروز کـــه
جوره باز هم بمقصداجرای کاری بخانهٔ بابه
رشید میرفت ، عایشه را در راه دید کـــه
کوزه را بشانه گرفته بود واز چشمه‌آب می ـ
آورد . جوره در حالیکه بدنش از خوشحالی
زایدالوصفی می لرزید ، خودرا به عا یشه
نزدیك کرد و گفت :
ـ ((عایشه ، امروز چطور تنها آ مدی ؟
بابه خانه بود ؟
عایشه دیوانه وار به او می نگریست ولی
بزبان حرفی گفته نمی توانست . چشمهایش
به جوره مانند یك آ هوی و حشی و ر ا م
نشدنی دو خته شده بود . یکبار با عـلامت
تردید سری تکان داد :
ـ((نی، خانه نبود .))
هیجان عجیبی به هر دو دست داده بود .
هر دوی شان د لبا ختگان ساده وبی آ لایشی
بودند که طرز ابراز احساسات عا شقا نـــهٔ
خودرا نمی فهمیدند . جوره ، بعد ازلحظات
زیاد همین قدر بخود جرئت داد که گفت :
ـ عایشه ، می فهمی ؟ خوشم می آ یی !
بیحد خو شم می آئی ! به خاطر همی بودکه
چند بار مادر خوده خانهٔ تان روان کدم تاتره
طلب گاری کنه !))
عایشه ، گیسوان سیاه و درازش را کـــه
پریشان شده‌بود ، می بافت واز زیر چشم
باشرم روئی به جوره می نگریست .
یکبار با خجالتی گفت :

بما چی آبرو می مانه ، ده بین همسایه ها
چطور سر بالا کنیم .مخصوصا ار باب قادر
که‌به خاطر بچهٔ خود به مه چشم دو خته !))
جوره تکاني خورد ، خشم و نفرت بر فکر
واندیشه و روان جوره نسبت به ار باب‌قادر
سایهٔ تیره و درد ناکی ا فگند و در حا لیکه
دندانهایش را بشدت می‌خائید به عایشه‌گفت:
ـ((تو برو عایشه ا ما مه باز هم‌به‌ارباب
قادر ثابت خات کدم .))
ماههای تابستان یکی پس دیگرمیگذشت.
یکروز ار باب قادر جوره را بخانهٔ خـــو د
خواست تا از زبان خودش در بارهٔ عا یشه
چیزی بشنود . ار باب قادر ازجوره‌پرسید:
ـ((کار های د هقانی خوده چطور کـدی
جوره ؟))
ـ((یك خر من مانده و بس .))
ـ((به نامزدی خود پول پیداکدی؟ ا گـه
به کمك احتیاج باشی مه حاضر استم .))
جوره مقصد ار باب را درك کرده با خشم
گفت :
ـ((مه به کمك آ دمهائی مثل تو احتیاج
ندارم ، مه همیشه از بازوی خود کـمـك
خواستم .))
ار باب با خشم غرید .
ـ گپ خوده برابر عقلت بزن . مره چی
شده ؟ ملك وزمین ندارم ، عزت وآبرو ندارم،
چی ندارم ؟
جوره ، بازهر خندی گفت :
ـ ملك و زمین ؟ شما همیشه به‌ای چیز
های خود می نازین .
ـ چرا نه نازیم ، ملك و زمین وپول هم
عقل اس و هم دانائی !
جوره سر خودرا پائین گرفت و چـــیزی

او دختره می خرم ، به خاطر تو
جوره در حالیکه بشدت می
عصبانیت داد زد :
ـ به خاطر مه ؟ خوب ، دیده
و با خشم از خانهٔ ار باب
ازان جوره دانست که دشمنی و
ارباب قادر هر روز بیشتر شده
درك کرد که معطل کردن در کار
مشکلات او می افزاید . لذا باقب
وتکالیف فراوان به جمع‌آوری حا
همت گماشت . ار باب قادر هم
تاریخ بیکار ننشست . یکروز
رشید رفت تا دختر او رابه پسر
خواستگاری کند . گرچه چند
غیر مستقیم هم بگوش بابهٔ مطلب
بود .
ـ بابه رشید ، تو می فهمی
مه بخانه تو نیامده ام ، ا ما حالا
کرده آمدیم ، باید که ننگ ما
واز خانهٔ خود خوش ر خصت ما
بابه رشید که قبلا از مخالفت
باجوره خبر داشت و ضمنا بخ
بدختر او چشم دو خته بود ،
بی خبری زده گفت :
ـ قدمهای تان بالای چشم ،
را نفهمیدم ار باب صاحب !
ـ مقصد مه روشن اس ، می
مره به فرزندی خود قبول کنی و
به او به زنی بتی .
بابه رشید ، لحظه‌ئی بسکوت
قطرات عرق از پیشانی اش بز
گرفت . ار باب گفت :
ـ گپ مره جواب نگفتی .

بچهٔ بیوه‌ره می گوئی؟ ده‌ای‌قریه
ولدار و ملك دار کم بودکه‌دختر
بچهٔ بی سروپا که بیك لقمه‌نان
می تی ؟
هست ، حالا به مادرش قـــول
ه چیس ار باب .
ر از شانهٔ بابه رشید گرفت وبا
ں :
بچهٔ مه بهتر آدم یافته نمی‌توانی،
یك مطلب است که ای کاره‌می۔
... تو باید ا صل گپه بفهمی،
یك لك افغانی پول نقد تو یانه
و دگر کمك هم از دستم رسید
نمی‌کنم ، فقط اینقدر کـــه تو
جا کو .
ستش را از شانه بابه رشیـــد
ز جا بلند شد که برود . بابـه
ماس دستی به ریش ار باب‌برده

بسیار سابق با او بچه و پدرش
م ، به او قول دادیم ، و عـــده
لور می توانیم بو عدهٔ خود و فـا

ادر با خشم غرید :
گپ مره قبول نکنی ، مه مجبور
ههای د یگری پیش بیایم. تـــو
وعزت خود بدانی ، و گـــرنـــه
نمی مانم که دختر خوده شـــوی
دا آ خرین فکر خوده بکو و بعد
ل بته خدا حا فظ !

باب از خانه بر آمد ، بابه‌رشید
امواج پر تلاطم ا ندیشه‌غرق‌دید.
مندی ار باب فکر میکرد ، صداقت
وره را پیش چشم خود مجسم‌می۔
نی گرفتن یك لك افغانی تو یانه
سوی خود می کشاند . چـــون
زن خود آمد تامو ضوع را با او
دارد ، گیج و متحیر بود ، نمی۔
م راه را انتخاب نماید . ما در

زمین خـــو ده بـــه همـی ا ر بـــــ اب گرو داده بود .پدر جوره که مرد و جـــوره بامادر و یك برادر خودده خانه ماندند ،درطی چند سال جوره توانست که پیسه گروی‌ره به ار باب بته و زمین خوده بگیره . اماارباب ده وقت تحویل زمین می گفت که زمینه‌ازپدرت خریده‌ام . تااینکه مردم ارباب قادره ملامت کردند و زمین به جوره تعلق گرفت و همی گپ بود که ار باب با او عقده گرفت . حالا که جوره به د ختر ما گپ مانده ار باب‌برضد جوره می خواهد که این مو ضوع ره خراب بسازه و عایشه ره به بچهٔ خود بگیره و....

مادر عایشه که بی تابانه ا نتظار شنیدن بقیه مطالب را می کشید ، جلو حرفها ی شوهرش را گرفت :

ـ ها ها ! مه هم تااندازه‌ئی از زبان‌بعضی ها شنیده ام که مخالفت ار باب با جوره از همی گپ ها پیدا شده ، ما خو به مادرجوره وعده کدیم که پس از جمع شدن حا صـلات موضوع ره یکطرفه می کنیم .

ـ گپ ماخوهمین طوربود، اما ارباب بسیار بسیار زشت بمن گفت و یاد آوری کد که یك لك افغانی تویانه بشما میتم بشرطی کـه از موضوع جوره بگذرین !

زن بابه رشید باشنیدن این حرفها بل‌بل به او نگریست و در دل زمزمه کرد : ((یك‌لك افغانی !)) و یکبار تغییر اندیشه داده‌باحالتی که د لسوزی اش را نشان میداد گفت .

ـ ما و شما زورای مردماره نداریم، ارباب راست میگه ، هر کار بکنن می تانن ما باید خوده باآنها ده بلا نیندازیم و هر قسم میشه ار باب قادره از خود خفه نسازیم ، خـــوب فکر خوده بگیر و آینده ره هم پیش نظر خود بیار .

بابه رشید آه دردنا کی کشید و در حالیکه به زن خود با خشم وبی اعتمادی می نگریست گفت :

ـ جوره در هر جا و به هر کس گفته کــه همو قسم که ار باب قادره در بابت زمین در بین مردم قریه مسخره وبی آبرو سا ختــم، ده موضوع عایشه هم بد نام وبی عزت خواهد سا ختم .

ـ ای گپ ها جائی ره نمی گیره ، هرکس میدانه که زور ، زوراس و کمزورهم کمزور، آب زور همیشه سر بالا میروه ! ما و شما باید کار خوده بکنیم .

بابه رشید در اثر اصرار زن خود ، چند

فراهم شده و حاضر است که دختر خود را به‌پسر او به زنی بد هد .

ار باب قادر باشنیدن این خبر که پیام آور پیروزی او به حریف بود ، مبلغ بیست هزار افغانی با مقداری از مواد خو را که و د یگر ضروریات بخانهٔ بابه رشید فرستاد ووعده کرد که بقیه را در شب عروسی می۔پردازد ، بشرط آ نکه مو ضوع را یکباره حل وفصل نماید .

جوره که در آن روز ها مصروف جمع آوری حاصلات خود بود و یك قطعه زمین خود راهم گروکرده‌بود ، از ارسال کردن مصارف‌تویانه وتصمیم بابه رشید اطلاع یافت . پیش از آنکـه تابوت آرزو هـای بـربـاد رفته اش را بگورستان هو س ها و ضابطه های اجتماعی ببرند ، بخانهٔ بابه رشید رفت تا حقیقت را از آنها جویا شود . جوره بخوبی ا حساس‌کرد که روحیه و پیش آمد بابه رشید و زن او طوریست که جوره توقع آنرا نداشت ، گفتار وحرکات آنها به نظرش تصنعی و نفرت‌انگیز آمد . بنابرین مایوس از خانهٔ بابه ر شید برآمد .

گره ها و عقده های دلش در برابرارباب و هر آنچه زور مندان و دوستان فریب کار وفرصت طلب بود ، رو یهم انباشته میشد. یکبار قاطعانه تصمیم گرفت که شب عروسی ویا هر و قت دیگر که فرصت د ست بد هد، ار باب را به جزای اعمالش برساند . لـذا به عشق آ تشین خود که سالها جوانه های آنرا در باغ رویایی دل خود پر ورانیده‌بود، می اندیشید . به فر دا فکر می کرد ، به فردا های دور که اگر خودش نباشد ، بـه استقبال برادر کوچکش می آید ، ســـلـول های زندان ، رنجها و آوار گیهای ما درش‌را پیش چشم خود مجسم میکرد . اما امیدوار بود که هنوز یك قطعه زمین دارد که مادر و برادرش می توانند بااستفاده ازان ز نـــده بمانند .

اسپ های داماد و عروس می خواندند ودی
سوار کاران و پیاده ها از د نبال آنها رو
بودند .

همان شب جوره در حالیکه بغض حس
گلویش را گرفته بود و چشم هایش ا
ریختاندن اشك حسرت مانند شعله آ ت
گشته بود ، کاردی را که در خانه دا شت
در زیر چپن خود گرفت و به محفل عروس
رفت .

شبی تاریك بود و در روشنـی کـمرن
اریکین ها و جنب و جوش مردم کسی خو
شناخته نمی شـد ، جـوره ، چهـره یـك آ
انتقام جو و حسود را بخود گرفته‌بود.بدن
بشدت می لرزید واعصابش با نهایت خ
خراب و بد بود .

جوره مو قع می پالید که ار باب یادا
را هدف خود قرار داده شکم شانرا با کار
بدرد .

مدعوین همچنان باشور و هلهله بس
خانهٔ ار باب در حرکت بودند ، تااینکه د
دروازهٔ قلعهٔ ار باب رسیده ایستاده شدند
عروس را هم از اسپ پائین کردند . یکی
خویشاوندان ار باب گوسفندی را از د ر
قلعه بیرون کشیده پیش روی ا سپ عرو
ذبح کرد . ار باب نیز از اسپ پیاده ش
در گوشه‌ئی ایستاده شد و با غرور و س
بلندی صداکرد :

ـ برین درون قلعه ، همونجه‌بیت بخوا
که زنها هم به بینن . ا مشب ، شب خو
وشادی اس ، هاهاهاها !!

جوره به نسبت ازدحام مردم خودرابه‌د
رسانیده نتوانست ا ما ار باب را در گوش
خلوت‌تر یافت و باسه ضرب کارد در تاری
شب‌شکمش را پاره کرد ! واز صحنه ف
نمود . درین و قت صدای هیبت ناکی بگو
مردم رسید !

ـ آخ...خ بگیرین که مره کشت !!

اطرافیانش با عجله بسوی آواز شتا ف
نعش ار باب مانند کوهی بزمین ا فتاده ب
او را از زمین بالاکرده بدرون قلعه بردن
ولی در نیمه های شب در گذشت.

ارباب در آ خرین د قایق عمرش که ب
سختی نفس می کشید ، و لبهایش خ
شده‌بود وبه گپ زدن پیش نمی آمد گفت

ـ جو ....ره... بود ! جوره ...

و فر دای آن جوره را به جرم قتل، ب
زندان بردند !   (پایان



به‌ارتباط سیمینار حقوق طفل

اطفال به‌حقوق اساسی شان نایل می‌شوند

... از آنجائیکه دولت جمهوری دموکراتیک
فغانستان بنابر ماهیت مترقی و مردمی اس
تامین همه حقوق انسانی رابرای هرفرد کشور
رزومند است در مورد تحقق وتامین حقوق
طفال نه تنها ابراز پشتیبانی صادقانه‌نموده



در کشور های مترقی همه وسایل‌برای اطفال آماده ومهیا

از رسیدن به حقوق‌اساسی شان دور می‌مانند ولی نظام های مترقی‌حتی در جوامع عقب مانده نیز نظر به توجه خاصی که‌به اطفال وآینده شان دارند زمینه‌تامین اهداف مذکور تاحد زیادی مساعد ساخته میشود . علاوتا درك واحساس آگاهانه و ضرورت موضوع به‌کشور های فقیر وعقب مانده نیز اجازه نمیدهدتامنبع و ظرفیت بزرگ انسانی را که اطفال سنین پائین تراز چهارده سالگی شان تشکیل‌میدهد نادیده بگیرند ، زیرا ممالك روبه انکشاف

بنابر خصوصیات دمو گرافیکی و اقتصادی واجتماعی که دارند دارای نفوس جوان بوده واطفال سنین پائینتر از چهارده سالگی‌آنها بین ٤٠ تا ٤٥ در صد مجموع نفوس شانرا تشکیل داده که بائیست مورد هر نوع توجه قرار گیرند ، گذشته از آن همین اطفال امروز اند که بعد از سپری شدن مدت زمانی‌نیروی کارو قوای بشری وتولید کنندگان نعم مادی کشور را تشکیل میدهند .

چون اطفال دارایی و سرمایه گرانقیمت بوده و جوانان و چشم‌امید آینده کشورمیباشد

مواظبت وپرورش آنها از جمل
مهم ما میباشد . به تاسی از
دمو کراتیك افغا نستان در
پس از انقلاب ثور خاصتا د
مرحله نوین وتکاملی آن تدابی
مختلفه قانونی واجرائیوی رادر
سطح زندگی اطفال و خانواده
ارتباط داشته تغذیه و پرو
رویدست گرفته که با تطبی
میرود این گروه عظیم انسانی
ضرورت لازمه زندگی نایل گ

احکام اصول اساسی جمهو
افغا نستان ، مندرجات رهنم
های پلان های انکشافی ، ف
ولوایح متعدد و متنوع در بخ
حیات‌اقتصادی واجتماعی به وض
و دلچسپی د و لت و مق
دولتی وحزبی رابه‌اطفال کشو
برخی ازاین‌قوانین ومقررات در
درمعرض تطبیق واز مایش قرا
ملاحظه آن ضروریات اطفال
اصلاحات وبهبودهائی درزمینه
شود .

ماده (٢٦) اصول‌اساسی جم
تیك افغانستان در زمینه اطفال
طفال کشور چنین حکم میکند
طفل تحت حمایت خاص دولت
علاوتا ماده (٢٩) اصول



مجانی ابتدائی وتحقق این ارمان‌رابرای
ال کشور تاکید می کند .
ن فرمان (۲۸) پالیسی دولت را
مجدله علیه بیسوادی و محو کامل
ی ذکور و اناث کشور منعکس میسازد
ن آن در در ازمدت بهبود واصلاحات
حظه ای رادر حیات اقتصادی واجتماعی
های این مرز وبوم تضمین میکند .
رای جلو گیری از کار اطفال ونشوو
رم شان وبه خاطر سوق دادن بیشتر
ه موسسات تعلیمی در لوایح وقوانین
به کارو کارگر کشور در موسسات و
رسمی تولیدی برای اطفال سنین
ز ۱۵ سال ودر فعالیت های خدماتی
طفال سنین پائنتر از ۱۸ ساله اجازه
ه نشده است .
ود یکه تاحال مجموعه پالیسی منسجم
ی اطفال کشورتهیه و تدوین نگردیده،
و مثال های ذکر شده بالا میرساندکه
عوامل طرح چنین پالیسی به صورت

شده اقتصادی و اجتماعی را می نماید. بعد از انقلاب ثور خاصتا پس از استقرار مرحله نوین وتکاملی‌آن سیاست واستراتیژی‌انکشاف اقتصادی و اجتماعی بر پایه های جهان بینی مترقی واصول و میتود های نوین استوار گردیده که در دراز مدت رفاه مادی ومعنوی مردم‌کشور را تضمین میکند .

برای رفع سریع عقب ماندگی های دیرینه اقتصادی واجتماعی این میراث رژیم های‌فرتوت گذشته وبه خاطر ترقی اجتماعی وارتقای‌سطح زندگی مردم رنجدیده کشور کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بادر نظر داشت شرایط وامکانات مالی ومادی در چوکات پلان های علمی تنظیم شده است . برمبنای اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و مطابق پالیسی های حزب ودولت قدامت هاو و اولیت ها ، پلان ها بر وفق موازین ومنافع‌ملی تشخیص شده وازمنابع‌مالی وقوای بشری داخلی و مساعدت های مالی و تخنیکی



در کشور های مترقی اطفال از همه مزایایی زندگی انسانی بهرمند اند .

ه در لابلای‌مواد قوانین و فرامین‌ولوایح
ت دولت موجود است که با استفاده
میتوان در طرح پالیسی وپروگرام های
ب اجتماعی اطفال مبادرت ورزید .

ه گذاری و تامین رشدو انکشاف همه

خارجی استفاده معقول و مطلوب بعمل می‌آید.

پلانگذاری در کشور ما به مثابه وسیله‌و اساس نیل به اهداف بزرگ جمهوری دمو - کراتیک افغا نستان به منظور محو کامل عقب ماندگی اقتصادی و تحقق تحولات ودگر گونی

از: رؤف راصح

به مناسبت بر گزا ر ی سیمینار طفل و قانو ن

فریاد کودک، فریاد خفه‌شده‌زمان‌ها

مسا له تعمیم حقو ق کو د ک ، به آنگو نه که این سازنـــد گا ن فر دای جوامع انسا نی ، ازمجموعه مزایا ی انسا نی بر خور دا رباشند ودر شرایطی نا هنجا ر از نظـــر صحی ، فر هنگی و اجتما عی با ر آیند و بز رگ شو ند ، مسا لـــهٔ بزرگ قر ن ماست ، مسا له یی که دشوار ی ها یی فراوا ن رادر روبرو دارد و این‌دشوار ی ها متو جـــه کشور ها یی است که در ردیـــف عقب نگهدا شته شده ها به شما ر ی آیند و شرایط و ضوابط ناهنجار ونا بسا ما ن اقتصا د ی وسیا سی‌و فر هنگی پسمانی های چشمگیر ی را در رو ند تکا ملی ز ندگی‌اجتماعی شا ن بار آو رد ه است .

کشور های عقب نگهدا شته شد ه های فراوانی چـــا ر چوپ تنـــگ و ا خـــتـــنـــا ق آ و ر ضوابط غیر انسا نی سالا ر منشی زیسته وبه این تر تیب با تسلط سیاست های : همه چیز در خد مت یـــك اقلیت‌وبر ضد تما می رنجبر ا ن و توده های میلیو نی ، از سو یـــی بیمار ی و بیکار ی و بیسوا د ی‌در میا ن شا ن ر خنه کرد ه و ازسوی دیگر تما م نیرو ها ی تو لیـــد کنند ه ز حمت کش در فقرو مرض در گیر شده اند ، طبیعی مینماید

بسیار و سیع در میا ن اطفا ل
داشته و این فا جعه بحد ی
یافته است که تو ما ر زندگی
کود ك از هر نه کود ك را بر
است.
از سو ی دیگر فقر و نا د
دریك پهنا ی گستر د ه ملی
مو جودیت یك رو ش در سـ
در تقسیم و تو زیع خد ما ت
وتربیه و مو جودیت سیستـ
انحصار ی فر هنگی مو جب گ
است که یا برا ی بیشتر ین
کود کا ن درسن مکتب ، شر
شمو ل به مدرسه مهیا نبا ش
خانوا ده به خاطر نیاز شد
اقتصا د ی و عد م توانا یی با
امور اقتصا د ی خانوا د ه ،
ناز ل ترین سطح ممکن آ ن،
گردد که کود کا ن را به پیشه
وآموزش یك حر فه تشویق
در سواد آموز ی برا ی اوتلا
داشته باشد که به این تر تیب
طفل با نابسا مانی های فر
به همرا ه گردید ه و هم همه
های نو ید بخشی برای آینده
بروی جامعه مسدود گردیده
تحمیل کار های دشوار و
از توا ن جسمی کود کا ن
امر ی است تاثر انگیز وزا
در شرایط نا هنجا ر ی از ای
به فراوا نی دید ه میشودوس

کنگره جهانی زنان
...ساوات آزادی ملی صلح

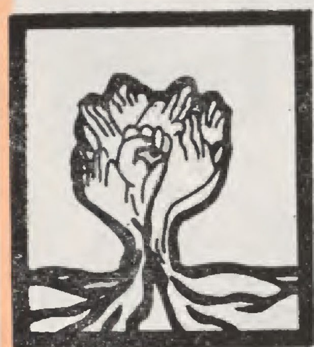


...ان مترقی سراسر جها ن برای
...ال ازیک رویداد بزرگ یعنی کنگرس
... زنان که از تاریخ ۸-۱۳ اکتوبر سال
... در پراگ مرکز چکوسلوا کیا کشایش
... یافت آمادگی میگیرد . این کنگرس به
... فدراسیون بین المللی زنان درجلسهٔ
... فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان
... ۹ الی ۱۱ اپریل سال ۱۹۸۰ در برلین
...ن یافته است . در جلسه تصمیم گرفته
...اکنگره تحت‌شعار (برابری) استقلال ملی

وموسسات اختصاصی آن .
در جریان کنگرس سخنرانی های در بارهٔ موفقیت های زنان در کشور های سوسیالیستی مبارزهٔ زنان در کشورهای سرمایه داری پروبلم های زنان‌کشور های درحال رشد وکشور های نو به استقلال رسیده وهمچنان سخنرانی هـای از جانب زنان کشور هاییکه علیه استعمار و بخاطر استقلال ملی میرزمند ایراد خواهندشد. توده های و سیع زنان در امر تدارک کنگرس سهم میگیرند . در عدهٔ از کشور ها کمیته‌های

سرمایه داری بخصوص نیمهٔ اول دههٔ زن در ارتباط بابحران اقتصادی دایر خواهد شد .
در کشور ماهم بخاطر آمادگی برای ایـن کنگرس کمیته ملی تاسیس یافته کـه بخش اطلاعات درمورد کنگرس ـ دایر نمودن سیمینار ها ـ لکچرها وملاقاتها در ارتباط با اهـداف ووظایف این کنگرس جهانی را بدوش خواهند داشت .
فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ا ز نخستین روز های موجودیت خود بخاطر حـل

واقداماتی رادر عملی نمودن آن ا...
است .
در نوامبر سال ۱۹٤٥ در کنگر...
زنان در پاریس ۸۵۰ نماینده ز...
در جریان جنگ دوم جهانی بر...
مبارزه مینمودند گردهم آمدند .
در سال ۱۹٤۸ دومین کنگرس...
مانیفست دفاع از صلح را تصوی...
بوداپست دایر گردید .
طرح قطعنامه های ملل متحد م...
محو تبعیض درمیان زنان در سـ...
قطعنامه که درسی وچارمین اجلاس...
متحد در سال ۱۹۷۹ در مورد مح...
بـه ابتکـار فـدراسیون به تصو...
همبستگی باخلقهای جهان که ب...
ملی میرزمند همیشه مقام ارزنده ی...
فدراسیون دارد . مانند کمپاین جـ...
جنگ امپریالیزم فرانسه در هندو ...



جاوید ان باد همبستگی همه خلقهای جهان

... تدویر یابد . هدف کنگره سر تاسری
...در (پیام به زنان جهان) در جلسهٔ بیروی
...یون تائید گردید در ین پیام گفته‌میشود
...دید فعالیت سازمانهای ملی زنان تحکیم
...ۀ نفوذ آنها وهمچنان توسعه همکـاری
... های‌که درراه حقوق زنان مبارزه مینماید
...ساعدت شود .
... کار کنگره یکهزار نماینده و مهمان ا ز
...کشور های جهان اشتراک خواهند کرد .

ملی تاسیس میشود که اساس فعالیت ایشان استوار بمرام فدراسیون میباشد .
درام در سال ۱۹۸۰ در کوپن هاگـن در کنفرانس سرتاسری در چوکات دهـه زنان به تصویب رسیده بود . کنگرس جهانی زنان به دموکراتیك ترین شیوه ای آماده میگردد. مواد تهیه شده برای کنگرس در اجلاسیه هـای گروپ کار که در ترکیب آنها نمایندگان اکثر سازمانهای بین المللی وملی اشتراك دارند .
...

پرابلم ها ی اجتماعی زنان ـ کـارگـران زن دهقانان زن ـ روشنفکران وکارمندان زن همه جانبه مبارزه نموده وآنانرا در مبارزه بخاطـر تامین حقوق مساوی در فامیل وزندگی سیاسی اجتماعی وکلتوری در جامعه در صفوف خـود فشرده تر ومتحد سازمان داده است . همیـن اکنون در سراسر جهان اشتراك زنان درساحات مختلف زندگی اجتماعی واقتصادی کشور هـا توسعه میابد .

برضد مداخله نظامی امپریالیزم امر...
اعزام هیئت ها از طرف فدراسیون ...
های آواره گان فلسطین و در مناط...
اسرائیل وگذاشتن اطلاعات حاصله ...
افکار عامه جهان وملل متحد .
ـ کمك مادی ومعنوی به زنان و...
مبارزات خلق ویتنام برضد تجاوز ای...
امریکا .

اعلام داشت که هدف آن جلب توجهٔ
نی حکومات وملل متحد درموردپروبلم
زنان در جهان معاصر بود .
ین سال (برابری - ترقی وصلـح)
ریان سال زن در سطح بین المللی
رگ صورت گرفت .
ی آن کنفرانس جهانی ملل متحد در
رماه های جون ودومی آن کنفـرانس
ارتباط با کنگرس بین المللی زنان
(۲-۲٤) اکتوبر بود .
یون دمو کراتیك بین المللی زنان‌در
۱ بخاطر خدمات شایان در مبــارزه
لح پایدار تشنج زدائی بین المللـی
مدال‌طلایی - صلـح بنام ژولی‌کیوری
دید .
۱۹۸۰ بمنظور ارزیابی نتایج تطبیق
پنج سال گذشته کنفرانس جهانی
- در کوپن هاگن بتاریخ ۱٤ -۳۰
یر گردید .
بر ۱۹۷۹ کنفرانس بین المللی دفاع
وآیندهٔ در خشان و خوشبخت برای
ل به افتخار سال جهانی طفل دایر
توجهٔ حکومات اکثر کشور هارا به
اطفال جلب نمود و مورد دلچسپی
هانی قرار گرفت .
د این در کشور های کپیتالیستی تا
یض در مورد زنان در کلیه ساحات
ماعی موجود است .
زرگ وتفاوت چشمگیر بین دستمزد
ان وجود دارد زنان اولین قـربانـی
بیکاری اند .

از جمله ۸۰۰ ملیون بیسواد در سراسر جهان ٦۰ فیصد آنرا زنان تشکیل میدهند .

اطفال نیز در اکثر کشور هادر فقرو خیمی قرار دارند - گرسنگی - فقر- مرض‌وفیات دوران طفولیت ملیون ها اطفال را تهدید مینماید .

در کشور های کپیتالیستی بیشتر از صد ملیون طفل بین سنین ٤- ۱۱سالگی به‌مکتب نمـی رونـد . به اساس ابتکـار فـدراسیون بشریت مترقی‌در سراسرجهان روز بین‌المللی دفاع از اطفال را تجلیل مینمایند .

بدینوسیله تصمیم خلل ناپذیر خودرادر مبارزه بخاطر بهتر ساختن شرایط زندگی اطفال در سراسر جهان بیان میدارند .

موضع گیری فعال فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان در مبارزه بخاطر حقوق زن‌و طفل موجب توسعه وگسترش اعتبارو محبوبیت فدراسیون گردیده وگروه های تازه ئی از جامعه مترقی زنان به صفوف آن می‌پیوندند .

فعلا فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان ۱۲۹سازمان از۱۱٤کشورهای‌سوسیالیستی وکپیتالیستی در حــال رشد را در صفــوف خویش متحد ساخته‌وبه‌این‌ترتیب بطور واقعی یك سازمان بین المللی محسوب میگردد .

کنگرس جهانی زنان در پراگ به بخش انفکاك ناپذیر جنبش بزرگ جهانی در دفاع از صلح و خلع سلاح مبدل خواهد گردید و کمك خواهد نمود تا زنان جهان متحدانه‌و فعالانه در مبارزه بر ضد جنگ بخاطر استقلال ملی و حقوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی زنان سازمان یابند .



آزادی زن
آزادی انسان است

دراین او اخر تصمیم اتخاذ شد که مسابقه ساختن مجسمه یادوبودزن آزادهٔ خاور شوروی در تا شکند مرکز از بکستان اتحاد جماهیر شوروی برپاگردد درین مسابقه پیکر تراشان ماهر تاشکندی اشتراك نمودند که درنتیجه لیونید ایا یتسف وولاد یمیر لونف برنده شناخته شدند،آنهاموفق شدند سیمای وهیکل دل انگیز زن ممتاز وشایسته ازبك راکه بهره منداز همه زیبایی ها، فهم وشعورعالی و احساس شایسته است ترسیم نماید که پیکر- تراش توانسته واقعا همان طوریکه لازم است تقدیم کننده سمبول یك چنین انسان شایسته وواقعی باشد .

بی مورد نخواهد بود تا در باره شخصیت انسانی زن در اتحاد جماهیر شوروی به وژه بعدز انقلاب کبیر اکتوبر گزارش مختصر غرض آگاهی خوانندگان صفحه زن ارائه‌گردد .

درسال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه به پیروزی رسید ، یکی از پراهمیت ترین دست آورد های قدرت‌شوراها تامین واقعی تساوی حقوق زن با مرداست.

قانــون اساســی شوروی در تمـام شئون زندگی ضامن برابری حقوق زنان بامردان است زنان درکسب تحصیل وانتخاب شغل از همان حقوقی مستفید اندکه مردان می‌توانند استفاده برند . آنها در بدل کار بامردان دستمزد مساوی میگرندواز امکانات یکسان‌ترفیع،تقاعدو غیره بر خوردار اند .

کار زن ودر قدم اول زحمت وی به حیث مادر توسط قوانین خاص حمایه میشود .

قانون اساسی تامین کننده مساوات کامل حقوق زن و مرد در انتخاب همسر و تشکیل خانواده است ، نیل زنان به تساوی واقعی حقوق شان با مردان ، در زندگی اجتماعی واستقلال اقتصادی زن از مــرد ، در نقش و موقعیت وی در خانواده‌اثر بسزایی واردنموده است .



مجسمه یادوبودزن آزاده خاورشوروی

عالی اخلاقی در نسل جوان عظیم و
گردید ،خانواده و مادر در اتحاد
پشتیبانی مادی و معنوی‌وهمکاری
دولت واجتماع انسانی برخوردار
زن شوروی هما نطوریکه درین
زیبا مشاهده می‌کنید در جدیت و
نسبت به امور اجتماعی ممتاز اس



рис. Никифорова В.

شاعری بزرگ از کشورشوراها

ستاد میرزا ترسون زاده

شاعر محبت و دوستی

مبارز بزرگ راه صلح و قهرمان

کارهای سوسیالستی

در سپتمبر سال جاری در شهرهای دوشنبه و ماسکو کنفر
بزرگی باین مناسبت دایر میگردد که در آن سخنسرایان و دانشم
نامداری از کشورهای جهان اشتراك میکنند و از آن شا
پرشور و حماسه آفرین یاد می نمایند .

مجله زیبای ژوندون که معروف ترین مجله جمهوری دمو کر
افغانستان دم اشت صفحاتی ا به مناسبت این ز
زاد روز استاد میرزا ترسون زاده شاعر مبارز خلق تاجیك
آورده است و اینك به پاسخدمات بزرگ فرهنگی و ادبی است
وعلاقه بزرگ و دوستی بی پایانی که شاعر به خلـ
افغانستان داشت صفاتی را به مناسبت این زا
تخصیص داده است و ما گلهای سرخی از گلستان جاودان
کار و ان خوانندگان ار جمند ژوندون بـا
وشگوفان آن شاعر توانا وگانار جمند ژوندون با ا
این شاعر انقلابی بیشتر آشنا گردند و لحظاتی را با افک
اشعار او که پر از محبت ، وطن پرستی و انسان دوستی م
بگذرانند . دکتور ابهر

شاعر

شاعرا ، از سوختن داری خبر،
پس مکن از آتش سوزان حذر ،
سوختن پولاد و آهن آفرد ،
از شراری تازه گلخن آورد .
پر حرارت گر نمیشد آفتاب ،
زندگی میگشت از سر ما خراب ،
بی حرارت سنگ بود و دل نبود ،
دلکشاو پر صفا منزل نبود .
بی حرارت نه دمیدن بود رسم ،
نه شگفتن، نه رسیدن بود رسم .
بی حرارت در لبان خنده نیست
خنده چون مشعل تابنده نیست
شاعرا ، از سوختن هر گز منال ،
سوختن را دوست میدارد وصال ،
تا نسوزی ساختن مشکل بود ،
دل بجانان باختن مشکل بود .
شعر هم باید زند فواره ای ،
از تگ دل مثل آتشپاره ای .
سر زند از دل بدل کاری کند ،
نرمتر سنگین دل یاری کند .
یار دارند که چه با شد سوختن ،
در وفاداری سبق آموختن .
شاعرا ، از سوختن داری خبر،
پس مکن از آتش سوزان حذر .

ترانه عشق

شاعر بی عشق مرغ بی پرست ،
بی حرارت ماه و بیجان پیکر است .
شاعران را عشق حاتم میکند ،
سربلند روی عالم میکند.
عشق شاعر را به جنبش آورد .
در سر میدان سنجش آورد .

ه ای که دلبر طنـــا زکرد ،
شاعران‌را بنده در شیرا ز کـــر د .
ل هندو ملك دلهــا ر اگرفت ،
هم سمـرقند و بخارا را گر فــت ،
که از شیرا ز یا ن کـــم نیستیم
درسخاو ت‌کمبعل هـــــم نیستیــم .
چه خواهد یار ا نعا مـش‌کنیم ،
جا ن ودل را صد قهٔ نا مشس کنیم .
ما ار زند ۀ دنیا شـــدست ،
بو د زیباباز هم زیبا شـــــد ست .
نظر کن مو ی بین ورو ی‌بین ،
گو ش‌کن معنی گفت و گو ی بیـن.
زنین گو یی اگر گـــل‌میکند ،
بو سه‌ده گو یـــی تحمل میکنـد .
تکلم در تبسم یـــــا راوست ،
د رمحبت حاکم مختا ر او ست .
کسی او را فرو شد ، نـه‌خرد ،
نــه‌بزو ر ی نه بز ر او رابرد .
ن فر آید از سر کـــو ه‌بلند
شا د ی‌واد ی نشین گردد دو چند .
ن فرا ید آیـد آو از ا در ه ،
عکســ‌خود رابین در آب شر شر ه.
متت گو ید که زیبا یـــی‌منم ،
چشـــم تو گوید که دانا یی منم .
ــر ت آزا د ی ز ن د رمنست
نور دانشس‌قدر ت فـــن در منست .
تیشس صبح شب تا ریك‌شد ،
داستا ن‌شا عـــر تا جیك شـــد .
ما و د لبر شیــــر ا زیان ،
فر ق آن‌از این – ز مین و آسمـا ن ،
م آ ن تر سد شعا ع‌بر ق‌را ،
رو ی‌این‌رو شـــن نماید شر ق ر ا .
یه آر م من به او دو قطعه‌را ،
قطعـه‌های آسیا ، افر یقـــه ر ا
سمشس دو قطعه مشهو ررا ،
قطعـه‌های سر کشس و مغـــرور را.
ه ها ییرا که خو نهــــاریخته ،
خا ك‌های دشمنـــا ن را بیخته .
ه ها ییرا که عصیـــا ن‌میکنند ،
ظلـــم‌را با خا ك یکسا ن میکنند .
ه ها ییرا که مشـــــل‌آفتاب ،
سربر آور دند از زیر سحا ب .
ر تا جیك ای امیـــدگل ،
تحفهٔما را نما لطفا قبـــو ل .

* * *

ترانهٔ رو د

رود کو هی تو سرا یی‌بهوا ی د ل مـــن ،
جور ساز ی نفست ر ا به‌صـــدا ی د ل من .
سور در سینه نها ن ،رقص‌کنـا ن می گذ ر ی ،

زمین و با غها ی پـــرصفا ی لاله زار مـــن ،
دها ت و شهر ها ی پرزشا ن و افتخا ر مـن
که سو یت میهما ن‌گردیده‌فر زند تو می آیـد .

* * *

هما ن طفلی که با صد نازونعمت پرو رید ه ی تو ،
همان طفلی که از بهـــرسعا دت آفر ید ه ی تو ،
همان طفلی که آ ن را د ربهای جا ن خرید ه ی تو،
هما ن طفلی که بود هــم‌آرزو و هم امید تـو ،
بزرگ و قهر ما ن گردیده فر زند تو می آیـد

* * *

دلاو رآن پسر روز ی کـه‌مردا نه به میدا ن ر فت،
بقصد دشمن غدار رفت برضد فا شیستان رفت
بمثل آتشس قهر و غضب‌از تا جکستا ن ر فت ،
چه فر زند و فا دا ر وطن‌با عهد و پیما ن ر فت ،
وطن را پا سبـــــا ن‌گردید ه فرزندتو می آید ،

* * *

پسر نگذ اشت که این‌ملك‌شا دی جا ی غم گر دد ،
بجا ی عد ل و انصا ف وکرم ، حا کم ستم گردد ،
پسر نگذ اشت که قد ربشر خا ك قد م گر دد ،
سر با لا ی خلق ما بــه‌نزد خصم خم گـــردد ،
اجل بر دشمنا ن گردید ه‌فر زند تو مـــی آید .

* * *

به استقبا ل آ ن گل مثـل‌پا ی اندا ز می آیـــد ،
مبار ك باد «– از پا میــرواز دروا ز می آیـــد .
دل از شا دی به مثـــل‌باز در پروا ز می آیـد .
بگو شم نغمهٔ «شهبا ز »از هر ساز می آیـد ،
سرو د شا عرا ن گردید ه‌فر زند تـــو می آید ،

بیا محبو ب!آمد یار توچون‌انتظا ر آ ن بو ســـ ،
از آ ن رخسا ر ها ی آشنای مرد میدا ن بو ســ ،
تو هم ای ما در خو شبخت،با مهر فراوا ن بوس ،
تما شا کن ر خشس را گر م‌وجو شا ن بو س ،ماجندان بوس ،
که فخر ما درا ن گردید ه‌فر زند تو می آیـــد

وطن

بهار آمد زعمرم باز یکسال دگربگذشت،
تما م زند گـی‌آهسته از پیشس نظربگذ شت.
بمثل گو شت و نا خن همیشه‌باوطن بودم ،
اگر چه‌نصف‌عمر بهتر ینم در سفربگذ شت

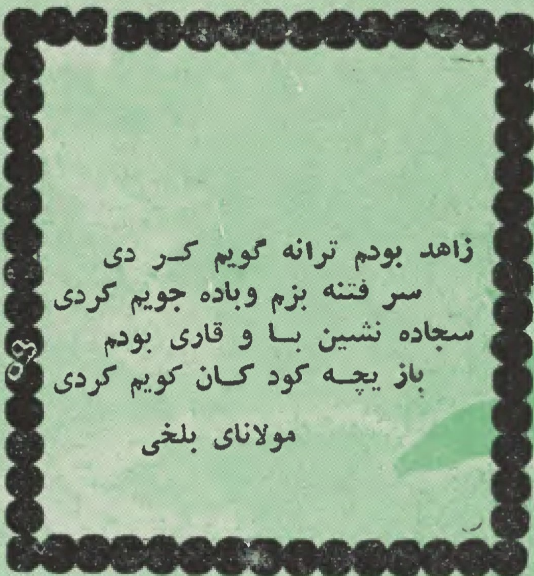
* * *

وطن ، در هر کجا آمد بسرفارم هوا ی تو ،
من از آنسو ی اوقیانو س بشنید م صدای تو
اگر چه بار ها افتادم‌ازیارودیارم‌دور ،
ولی آمد بگوش من صدا ی رود های تو
به و قت باز گشتن چون‌رسیدم بر حدو د ت من ،
زسرتاپا شد م‌مفتو ن و شیدا ی نمودت من
نشستم در زمین تو ، پرید م‌در هوای تو
به آوا زدرودت من به آهنگ‌سرورت من
اگر چه بر ها افتا دم از یارودیار م دور ،

می ناب

شب چو در بستم و مست ازمی نا بش کردم
ماه اگر حلقه بدر کو فت‌جوابش کردم
دید ی آ ن ترك ختا دشمن‌جان‌بودمرا
گر چه عمری بخطا دوست‌خطابش کردم
منزل مرد م بیگانه چو شدخانه چشم
آنقدر گر یه نمودم که‌خرابش‌کردم
شر ح حال دل پروا نه چـوگفتم باشمع
آ تشی در دلش افکند م و آبش کردم
غر ق خو ن بود و نمیمرد زحسرت فرها د
خواندم افسانه شیرین و بخوابش‌کردم
دل که خو نا به غم بود وجگرگو شه درد
بر سر آتش جور تو کبا بش‌کردم
زند گی کرد ن مـــن مردن تدریجی بود
آنچه جا ن کند تنم عمر حسابش کردم

فرخی یزدی



گنج بی‌رنج

نگه کن سر انجام خود را ببین
چوکاری بیابی بهی بر گزین
برنج اندر آری تنت را رواست
که خود رنج بردن بدانش سزاست
برنج اند را ست ای خرد مند گنج
نیابد کسی گنج نابرده رنج

فردوسی



دم آتشین

تنها نه دل ز دست تو ای نازنین‌پر است
ازداغ‌سینه وز سرشك آستین پراست
آ سودگی مجوی که در راه زندگـــی
صد تیردر کمـا ن قضا از کمین پر است
گیسوی خویش باز مگر شا نه‌کرده یار
کاینسان‌جبین آ ئینه ازجوش‌چین پر است
ای آفتا ب رو ی تـو از انجـــم‌سر شك
مانندچر خ دا منـم ای مه جبین پراست
دارد نشا ن ز فکر تو در عالـم‌آنچه هست
یعنی جهان زنا م تو همچون نگین پر است
اکنو ن نسو خت سینه حکیم ازجفای دهر
ایـــن‌کوره از ازل زدم آتشین پراست

عبدالحکیم «حکیم ضیائی»

* * *

مور

مینی او بنگلاوی
ویشل گیدای ...
نوما به پکی :
یوه مینه
او
یوه بنگلا

رباعیات

آثار خود را بگذار

...ی ومستوری

ره باشد میفشانم
را تا بوسه باشد میستانم
ا گل باشد درین باغ
سر چیزی نگوید با غبانم
از بخت همایون
سیمرغی فتد در آشیانم
آموختی در شهر ، ما را
ا تا شرح آن هم بر توخوانم
م از دست تودر دل
ی در حضورت بی زبانم
داند دشمن و دوست
من مستی و مستوری ندانم
، مرادخویش برداشت
اگر تو سنگدلی من مهربانم
سمین تن بر آنی
از پیشم برانی من برانم
سم خیالت میپرستم
گر رفتم سلامت میرسانم

سعدی شیرازی



رباعی

دیشب که بکوی یار میگردیدم
دانی که پی چه کار میگردیدم؟
قربان خلاف وعده اش میرفتم
گرد سر انتظار میگر دیدم

ابو سعید ابوالخیر

دردل

نه درد دلم رادوا میکنی
نه بر گفته خودو فامیکنی
نه یکشب بحالم نظر میکنی
نه فکر ی زروز جزا میکنی
نه کام دلم یکنفس میدهی
نه از قید جورم رها میکنی
چرا زخم بر دوستان میزنی ؟
چرا کام دشمن روا میکنی ؟
بخون غریبان کمر بسته ای
مکن جان مکن جان خطامیکنی
فغانی بر آریم زجور تومن
بگویم که با من چه ها میکنی
چوجان در هوایت دهم مردوار
جفا با من آخر چرا میکنی ؟
ترا در جهان نیست عیب جز این
که بیداد بر آشنا میکنی

امیر خسرو دهلوی

شعر : د «سنگر»

دبیلتون شپه

خوږین شو په گو گل کی زړه ځیگرز...
اوری دبیلتون کانی په سرزما
مارا ځور ځوی له هوا ځمکی نه
اور دمینی سو ځوی وزړزما
مٔور پسی ډیری منډی وکړلی
رانغله هیڅ ځای کی په نظر زما
خدایز ده چی په چرته پاته زړه گرځی...
ناځلی ناځلی ناځلی هیڅ خبر زما
څو پوری چی زه ورته رسیږم
وی بهپه دی لاره کی سفر زما
زه دبیلتون شپی زړه کی مزل وهم
رابه شی اخر دڅوند سحر زما
تیره به داشپه دبیلتون تیره شی
تودبه شی او تود اسوږمنگر زما



صددل

گر جایت ای جان در دل نمی بود
کار مــن و دل مشکل نمیبــود
همچون دل من ایکاش جا نا
در بند زلفت صددل نمی بــود
دل از خد نگت بسمل نمی شد
گر چشم مستت قا تـل نمی بود
گر تیر نازت بروی نمی خورد

شعر از امیرخاشاك

خرام

ره به ره جانانهٔ ماباز میکارد خرام
دلبر لیلاوش در واز میــکارد خرام
از گــل ونورو پرپروانه زیب اندوخته
گویی اندر عالم اعجاز میکارد خرام

د« راز» خوږ یانی ژباړه

د بیوزلو هیوادونو په باره کې واقعیتونه

تقریبا د ټولی نړی د ملتو نــــوا ستازی د ۱۹۸۱ کال د سپتمبر له لومړی نیټی څخه تر ۱٤ نیټی (د ۱۳٦۰کال د سنبلی له لسمی څخه‌تر درو یشتمی پوری په پاریس کــــی‌را ټول شوی او د ۳۱ ډیرو لږ‌ووده کو ونکو هیوادو نو په باره کی چی‌دنړی ډیر بیوز لی ملتو نه دی حالت او څرنگوا لی به تر څیړنی او کتنی‌لاندی ونیسی . لاندنی یاد ونی د دغو هیوادو نو په باره کی مهـــم‌واقعیتو نه په لنډه تو گه وړاندی‌او ځینی هغه مسالی‌چی د پاریس‌جرگه‌ورسره مخا مخ ده مطرح کو ی .

د بیو زلو هیواد و نو مشخصات:

ـهغه ۳۱ هیوادو نه‌چی د ملگرو ملتو نو له خو ا د ډیرو لـــږو وده کوو نکو او بیوزلو هیوادو نو پـــه حیث‌پیژند ل شویدی د افغا نستان له دمو کراتیك جمهور یت، بنگله‌ـ دیش ، بینن ، بهو تان، بو تسوانا، بورو ندوی ، کیپ‌و ردی،د مر کزی افریقا جمهوریت ،چاد کـــومـــوروز دمو کراتیك یمن ، ایتوپیا ، گامبیـــا گینړ ی ، گینی بیساو، ها یتی،دلاس دخلکو د مو کراتیك جمهور یـــت، لیسو تو ، ما لاوی ، ما لدیو ،مالی نیپال نایجر ، رواندا،ساموا سوما لیا سودان، یو گندا تانزا نیا ، لـــوړه ولتا اویمن څخه عبارت دی .

اوس په کال کی ۱۸۳ ډالرو تـــــه رسیږی . د لویا نو یوازی څلور مه برخه سواد لری او صنعتی تو لیدات پ ه سلو کی یوازی ۸ ملی محصولات په بر کی نیسی .

ـد نړی د زیا تو شتمنو او ډیرو بیوزلو هیوادو نو تر منځ تو پیریا خلا په چټکی سره پرا ختیامو می.

په صنعتی پر مختللیو هیواد ونو کی (چی اقتصادی بازار لری) دیو تن خالص دا خلی محصو لات چی په ۱۹٦۰ کال کی ی د بیوز لو هیوادو په نسبت ۲٦ څلی پراختیا موندلی ده په ۱۹۷۹ کال کی‌څلوز څلوریښت څلو ته زیات شویدی .

نفوس :

ـتقریبا۲۸٦ میلیو نه تنه (چی له چین نه پر ته) د نړی د ودی په‌حال کی ټولو هیوادو نو د نفوسو په‌سلو کی دولس نیم تشکیلوی په بیوزلو هیوادو نو کی ژوند کوی.

ـ په بیوز لو هیوادو نو کی د نفوس وده په منځنی اندازه په کال کی په سلو کی ۲،۷ده . د نــفوس سو په دغی ودی سره‌مجموعی نفوس په‌هرو ۲٦کلونوکی دو چنده کیږ ی او د دغی پیړی تر پایه به په بیوزلو هیوادو نو کی د پنځوسو میلیونو په شاوخوا کی خلك میشته شی.

ـهغه ښاری نفوس چی په‌سلوکی پنځوس یی همدا اوس په کنیفـــو ځایو نو کی چی اساسی خدمات نه لری او سیږی د نفوسو د مجمو عی ودی نه له دریو څخه‌تر څلوز څلو گړندی وده کوی .

ـپه بیوز لو هیوا دو نو کی پــه ۱۹۷۷ کال کی (داهغه وروستی‌کال دی چی په دغه باره کی احصا ئیوی معلومات په لاس کی دی) یوازی‌په سلو کی ۸٦ د ضرورت وړ کالوری په واك وه . ا ویا میلیو نه تنه یاددغو هیوادو نو د نفوسو له درو بر خو څخه یوه بر خه د کو چنیا نو له دزو بر خو څخه ددو بر خوپه شمول د کافی غذا له کمبود سره مخامخ دی.

ـد مو جود و شواید و له مخی، دهغو خلکو شمیر به چی په افریقا کی له لوږی‌اوسوء تغذی سره مخامخ دی تر ۱۹۸۵ کال پوری ښایی دوه څلی زیات شی .

ـپه بیوز لو هیواد و نو کی د مړینی اندازه (د یوکلنی عمر ته‌له رسید لو مخکی‌دما شو ما نو د مړینی شمیر) په زرو کی ۱٤۲ تنه دی په داسی حال کی چی د ودی په حال کی هیوادو نو کی په منځنی اندازه څلور نوی‌او په صنعتی هیوادونو کی په زرو کی دیرشو ما شومانو ته رسیږی .

ـ په بیوزلو هیوادو نو کـــی دعمـــر منځنـی انـــدازه پنځـــه

یی د مړینی عمده عامل
ناستی ناروغی بو لی .
ـ (له لیسو تو او
پر ته‌ټو ل بیوزلی ه
ملاریا سره مخا مخ دی
ملاریا له څلور می بر
ماشوما ن وژنی .

ـد پاریس د جر گی
منشی رپوټ خبر داری
بیوزلی هیواد و نه په
کی چی نفوس ، په تی
قوا، یی چی د زیات
گرزی پوره روغتیاو نه
خپلو سترو هد فو نو
رسو لی . په چاد کی
چی په یوه کال کی
وزځی کار صنا یع کیږ
کر نه .

ـپه بیوز لو هیوادو
نفوسو په سلو کی له
خومخ په انکشا فو هی
په سلو کی ۵۹ تنه‌دکر
له‌لاری ژوند کوی .
ـ په بیوز لو هیوادو
تنه د کر نی تولیدات م
او اوس د یوه کار گر
په انکشافو هیوادو له
لږ دی .

ـبیوز لی هیوادونه
موادو مهم وارد کوو
ټولو صادراتی عوایدو
۲۸ یی د غذایی موادو
لگیږی .

د اوسنیو ترندونو
صورت کی به د بیوز
هیوادو نو دغذایی مو
واز ا ز خــپڅ صژر کق ر
۱۹۹۰ کال پوری په ک
میلیو نو ټنو څخه‌زیاتو
ـپه زیاتر و بیوز ل
کی کر نه دوخوره پر
عنعنوی لارو متکی ده
هیواد و نو کی د کیم
استعمال په هر ایکر کر
کی‌په منځنی اندازه پنځ
او په ټولو مټ په انکش

چی دبیوز لو هیوادو حکو۔
په ورو ستیو کلو نو کی د
د بنی د بدلون یاد تولیدی
د کنترول په باره کی نسبتا
ات کړیدی .
زیاتره بیوز لو هیوادونو
ی د کر نی د تو لید اتو له
زیات په غاړه لری. زیاتره
سی کیږی چی د نا زینه ؤپه
ځی په کرو ندو کی زیات
خو په کر نه کی ښوو نه‌او
او پا نگه اچول په نارینه‌ؤ
لری .

ډیر و لږ وده کوو نکو یا
هیوادو نو صنعت په منځنی
ازی په سلو کی ۳ر۸ د
محصو لاتو مجموع په‌برکی
د کار قوا یوازی په سلوکی
غه هم په عمومی تو گه د
ر له پاره وی په صنا یعو
دام شویدی .
صنعتی فعا لیتونو دریو څخه
ی د کور نیو او مه‌موادوله
و سس څخه جوړ دی . په
ل کی داو مو مواد د خلق
لو ارزښتو نو له نیما یـی
ا یعو په واسطه د تمباکو
باتو د محصو لاتو پوری

ت
وز لو هیواد و کی د یو تن
و د پیرو دلو قدرت پـه
ل کی له ۳۳ ډالرو څخه په
ل کی ۲۱ ډالرو ته را ټیټ

و بیوز لو هیوادو نو د ټول
ه نیما یی زیات یوازی پـه
و پوری منحصر دی . لکه
ی ، تمبا کو ، پو مبه ،میوه
ی ، زنی ، غوړینی دانی،
نی .
بین المللی تجارت کی د
واد بر خه د پو مبی ،جوت
و په تجارت کی د ۱۹۷۰
سیزه کی زیاتوالی را غی
هیواد و د نورو مهمـــو

کی یا کمه شوه او یا ثابته پا تـی شوه .

ـ د بیوزلو هیواد ونو د پنځـو مهمو صادرا تی متاعو حقیقی قیمت چی له قهوی ، چای ، غو ښی، کیله او بوری څخه عبارت دی ښا یی په راتلو نکو پنځو کلونو کی کـــم شی .

ـد بیوزلو هیوادو په صادر و په صادراتو کی د صنعتی محصولا تو بر خه یوازی په سلو کی ۱۵ ده له دغو محصولاتو څخه زیات لکه قیمتی ډبری لږترلږه‌دپروسس او استخدام ایجاب کوی.

ـکه څه هم د بیوزلو هیوادو د صنعتی محصو لاتو د صادرا تـــو ارزښت چی د نړی شتمنو هیوادونو ته‌یی صادر وی په ۱۹۷۰ کال کـــی له۱۵ملیونه‌ډالروڅخه‌په ۱۹۷۹کال‌کی ۹۵۰ میلیو نو ډالرو ته زیات شو. خو دشتمنو هیوادو دصنعتی محصو۔ لاتو د ټو لو واردا تو په سلو کـــی ۱ر۰ په بر کی نیسی یوازی بنگله۔ دیش ، هایتی‌اونا یجر دری‌هیوادونو ددغو محصولاتوپه سلوکی ۷۵صادر کړیدی . دانکتاد دسنجشونو له‌مخی شتمنو هیواد و نو ته د بیوز لـــو هیوادو نو دصادرا تو دریمه برخـه د تعـرفه یی اوغـیـر تـعر فـه خنډو نو او محدو د یتـو نـــو سره مخامخ دی د خـــو متـــا عـو صـــا درا ت چـــی د بیـو زلـــو هیواد و نـو له نظره مهم دی‌دخـو ملیتی سترو شرکتو نو له خـــوا کنترو لیږی او دغه ستر شرکتونه دی چی عمدتا په تجارت او یا دمار۔ کیتونو په پراختیا کی ور ته کـــار اخلی .

هغه مطا لعی چی دانکتاد له خوا شویدی څرگند وی چی د مثال پـه

چـــی د بیـوز لـــو هیوادو نـــو دوهمه عمده صادرا تی متاع ده، د پنځلسو ستر و شرکتونو له خـوا کنترو لیږی .

وار دا ت

ـ د بیوزلو هیوادو نو د وارداتو لگښت پر ته له دی چی حجم یـــی زیات شی له ۵ر۸ بلیو نه ډا لـــرو څخه په ۱۹۷۷ کال ۱ر۱۳ بلیونـــه ډالرو ته په ۱۹۸۰ کال لوړ شو.

ـځینی بیوز لی هیوادو نه د خپلو اسعاری عواید وله دوونلثو څخـــه زیات د سون دموادو په وارداتـــو لگوی .

ـد دی مهم عامل چی بیو زلـــی هیوادو نه په دی بر یا لی شویدی چی د خپلو پلان شویو انکشا فی فعا لیتو نو په سلو کی شپیته تمویل کاندی ، عایدات مخ په لړوالی او قیمتو نو مخ په زیا توا لی دی .

مساعدت

ـکه څه هم د بیوزلو هیوادو سره دمرستو حجم په ۱۹۷۰ کال کی دیوه تن له ۱۳ ډالرو څخه په ۱۹۷۹ کال کی د یوه تن ۱۹ ډالرو ته لوړ شو خود دغو هیوادو نو د صادراتو د پیرودلو د قدرت لږوالی په همدی موده کی له هغی زیات ؤ.

ـله‌بیوزلوهیوادو سره‌داو،ای،سی.وی (دازاد بازاراقتصاد لرو نکی‌صنعتی هیوادونه) د غړو له خوا مر ستی په سلو کی ۷۶ـاو په سلو کی ۱۲ داو،پی ،ای ،سی له‌خوا اوپه سلوکی ۱۲ د ختیځی ارو پا د نورو سو ـ سیا لستی هیوادو نو او چین له‌خوا منځ ته را ځی .

ـ په ۱۹۷۹ کال کی په سلو کی ۲۸ څو اړخیزی مر ستی (د بین۔ المللی ساز ما نونو له خوا) او به سلو کی ۱۸ دوه اړخیزی (د یـــو هیواد نه بل هیواد ته) مرستی له بیوز لو هیوادو سره شویدی .ناروی ایتالیا، ډنمارك ، سویډن ، فنلنـد کاناډا او نیدر لند هیوادو نه په‌سلو کی ۲۵ خپلی‌مرستی‌بیوزلو هیوادونو

ته اختصا صوی .
ـکه څه هم ناروی د مثال‌په
دخپلو په سلو کی ۲۸ر۰ نا خ
ملی محصو لاتو سره د امریکی
متحدو ایالاتو نه څو ارلس م
زیا تی ورکوی.خوصنعتی هیواد
په‌منځنی توگه د خپلونا خالصو
محصو لاتو په سلو کی ٦۰ر۰ لـ
بیوزلو هیوادو نوسره مرسته ک

هدفونه

ـبیوز لی هیوادونه غواړی د
ودی آهنگ په را تلونکو پنځوک
کی دوه ځلی زیات کړی . که
هدف تر سره شی . اقتصادی
به‌دنفوسوله ودی زیا ته شی،بیو
هیوادونه به د لومړی ځل له پـ
لږتر لږه د یوی پیړی په څلور م
برخه کی د عاید له‌حقیقی زیا تو
څخه گټه وا خلی .
ـ پنځلس بیوز لو هیوادو نو
صنعتی وده په منځنی تو گه پا
کی تقریبا په سلو کی ۱۳ اټک
کړیدی . دغه هدف ته‌په رسید
سره ، په ۱۹۷۹ کال د یوه تن ت
نه ۱۵ ډالرو څخه په ۱۹۹۰ کال
ډالرو ته لوړ شی چی البته لاترا
هم د مخ په انکشا فو هیوادونو
پاره د اټکل شوی سطحی له‌پن
بر خی څخه لږ دی .
ـپه کر نه کی د پا نگی اچو
زیاتوالی په کال کی په سلو ک
څلور وپه اندازه چی په ۱۹۹۰
کی به تقریبا ۱۲ملیاردو ته ورسـ
دغذایی موادو واردات نیما یی ت
راکښته شی .

جواب به نامه های شما

سلام وصلوات ، میپر دازیم به‌پاسخ نامه ها :

وست عزیز عبدالقدوس نهضت‌فراهـی متعلم لیسه عمر شهید .
مکار ارجمند ما بعداز دعا وسلام‌مینگارد : «آقای جواب نویس ، درین
چیزی به نام فکاهی که نمیدانم‌هست یانه خدمت تان ارسال کرده‌ام
حدا کند قبول افتد . همچنان درباره شعری که در شماره ٤٨ ـ ٤٩
١٣٥٩ در صفحه ٣٠ مجلـــه‌ژوندون زیر نام «بهانه» به نشـــر
ه توضیح میخواهم که آیاایــن‌پارچه شعر ازمولانا جلال‌الدین‌بلخی
، یا از مولانا جامی . باید بگویم که سوال از آنجا در نزدم پیدا شد
در یکی از کنسرت های گـروه‌مشترك زیبا و گلشن ،«خرماشیرین
این شعرراز جلال الدین محمد بلخی معرفی نمود. حالااز شما جواب
ی خوا هشمند م تا بگویید کـه‌اشتباه از کیست ؟ از شما یا ازآن
نده ».
شتباه از ماست همکار عزیز ،که‌سهوا آن شعر بنام مولانا جامی قید
است در حالیکه آن شعـــر ازمولانا جلال الدین‌بلخی‌است بخوانید:

بدم نگارخودرا میگشت گردخانه　　بر داشته ربابی میزد یکی ترانــه
خمه‌چو آتش میزدترانه خوش　　مست وخواب دلکش ازباده‌شبانه
رده عراقی میزد بنام سا قــی　　مقصود باده‌بودش‌ساقی‌بدش‌بهانه
ی ماه‌رویی در دست اوسبویی　　ازگوشه در آمد بنهاد درمیانه
کرد جام‌اول زان‌باده چومشعل　　درآب هیچ دیدی کاتش‌زندزبانه
ب نهاده‌آنرا ازبهر عاشقانش　　آنگه بکرد سجده بوسید آستا نه
د نگار ازوی اندر کشیدآن‌می　　شدشعله هاازآن‌می‌برروی‌سرروانه
یدحسن خودرامیگفت‌نیك‌وبدرا　　نی‌بود ونی‌بیایدچون می‌درین‌زمانه
س‌الحق‌جهانم معشوق‌عاشقانم　　هردو بودبه پیشم‌جان وروان‌روانه

..و فکاهی ساخته و پر داخته«عشق در دفتر» شما ،نه نو شخند
ت و نه نیشخند ، لهذا از چاپ‌باز ماند . به امید موفقیت تان ،روز
وز گان تان خوش بگذرد .

وست عزیز ذکرالله (شریق) ازفاریاب :
ه برادر عزیز سلام میگویـــم وامید واریم که سلامت باشید . پارچه
(یاس تنهایی) را خواندیم ، اماگفتنی است که پارچه های ادبـــی
ا دان این رشته را بیشتـــــربخوا نید و بـــه زبان‌وکاربرد کلمات
ات توجه بیشتر نمایید . اینهم‌نوشته شما:
در یك شب مهتابی روی زمیـــن‌از تابش‌نور زرین‌جمال دختر آسمان
ك دیگری داشت. فضای لایتناهی‌در سکوت وخاموشی فرو رفته بود،
یم سحر گاهی دماغ آدمی را تازه‌ومزاجش را قوام می بخشید، برگ
ی درختان آهسته آهسته‌می لرزیدستار گان از فراز کهکشـــان و از

دوست عزیز محمد امان بینامتعلم‌لیسه عمر شهید :
با سلام عرض شود که پذیـــرای‌همـــکاری شما هستیم ،اما
نوشته تان چون کم و کاست بسیارداشت از نشر باز ماند ، م
را ببذیرید . بیشتر کوشش نمایید‌موضوع خوبی برای قصه پ
و آنگاه باز بیشتر کوشش نمایید‌که‌آنرا درست بیان نمایید ،
شما همکار عزیز را خواستاریم.

دوست عزیز صدیق زاده محصل‌پوهنځی زراعت :
سلام ما را نیز بپذیرید . حـــل‌جدول متقاطع را به متصدی
مسا بقات و سر گرمها حوالت کردم‌همکاری تانرا میخوا هیم .
حافـــظ .

دوست عزیز خالده عالمی وسیده‌عالمی متعلمان لیسه جهان
غزنی .
سلام دوستان .طرح جدول‌متقاطع‌شما را به متصدی صفحه
و سر گرمها سپردم تا برای نشـــرآماده گردانـــد . از همک
خویش دریغ نورزید ، سعاد تمندوکامگار باشید .

دوست عزیز بل بیرسنگ بهواه‌فارغ التحصیل لیسه استق
همکار عزیز مابعداز احوال پرسی‌مینگارد : « دو ستان عز
مجله شماره هفدهم را میخوا ندم درجریان مطالعه پیشنهادی د
خطور نمودکه اینك‌برای شمامینگارم‌من خواستار تشویق هر چ
داستان نویسان جوان می باشم ،بناخواهش مینمایم در هر سا
یا هشت داستان کوتاه از ارســال‌کنند گان مجله را به چاپ
هر داستا نیکه از جمله این داستانها‌مورد علاقه خوانند گان قرا
به آنها جایزه بدهید و نویسنده آن‌رانیز بشناسا نید.دریك
داستان برنده جایزه خواهد شد وبه‌همین اساس می توانید در
از این چهار داستان یکی آنرابهترین‌داستان سال مجله ژوندون
نمایید، پس دراینجاست که علاقـــه‌مندی داستان نویسان جوا
میگردد و باعث بروز استعداد هـــای‌عالی میگردد . کار کنان م
با پیشنهاد من موافق باشید ، پس‌نباید کار را برای فردا گ
بهتر خواهد بود که از همین حـــالاشروع نمود . من نه تنها
نظر مثبت شما هســـتم بلـــکه ازعلاقمندان مجله ژوندون ن
هش میکنم که نظریات خویش را دراین زمینه ابراز دارند ».
بانظر تازه و بکر تان موافقیـــم.اماهیچ آگاه اید که‌آنچه بن
به‌این اداره میر سد داستان نیست،گفتار و نوشته گنگ و م
است که نامش را سخاو تمندانه ،نویسنده آن داستان کوتا
است . ما نمیدانیم با کدام ارزش‌هامحك بزنیم که آنرا قص
بدانیم . قصه انشای درست نداردبگذریم. اگر مجالی دست

یشویم و به فال و قرعه‌جایزه یی هم تدارك خواهیم دید ،آن حل نزده جواب نویس .سخن‌شما را قبول داریم و کار امروز را نمی گذاریم ، همین حالاشروع می کنیم ، شروع می کنیم ، ی کنیم . هر چه شروع می‌کنیم گفتیم شروع نشد ، چـرا ؟ ربی از مبتدیان نیافتیم کـه‌حد اقل برای چاپ آراسته گردد . ر قصه های قصه نو یسان‌جوان ، تازه کار ، با استعـداد ، ماری می کنیم ، این گوی واین میدان. واین قصه مولانا جلال‌ را به شما همچون (بـرگ سبز) پیشکش می نمایم ، بخت‌قرین .

یبی خانه‌می‌جست از شتاب	دوستی بر دش سوی خانه خراب
این را اگر سقفی و بدی	پهلوی من مر ترا مسکن شـدی
تو بیا سودی اگـــر	در میانه داشتی حجـره دگـــر
ی میهمان روزی تـــرا	هـــم بیا سودی اگر بود یت جا
ی پهلوی یاران به است	لیك ای جان در اگر نتوان نشست

ت عزیز عبدا لقهار امان

سلام و احترام از تـــه دل‌تقدیم میدارم ، امید مورد پذیـــرش د محترما ، چندی میشود که‌برای مجله خود شعر نمی فرستم ، که تا هنوز همه وعده های‌که داده‌اید، اشعارم رابه چاپ‌نسپر‌ شاید به خاطر من که آزرده‌نشوم، حقیقت‌را اظهارنداشته‌اید... به خاطر آن نمی سرایم که‌نشر شود یا کسی آنرا بخواند و یا شعر از فلان کس است ...اینبار باز چند قطعه شعر برایتـــان یدارم ، امید است ...»

ی سه پارچه ، دو پارچه‌شعر تان در خور صفحه «از میان نوشته » است که اگر اجازه مـــی‌دادید به حیله طبع آراسته میگردید ه اید «فقط در صفحه شعـرالابه زباله دانی» ولی چنین عجولا نه بارانمی‌پذیریم وشماهم‌قبول‌کنید اینجا که در باب‌شعر تان سخن باله دانی نیست.

م کفرو مسلمان نپذیرم	انسانم وجزخصلت انسان نپذیرم
ه باطل‌وحق چنین‌قضاوت	بر خویشتنم لعنت وجدان نپذیرد

ت ازنظر دستور زبان‌به‌شعرتان نگاه می کنیم : آیا کفر ومسلمان هم درست میاید . بایستی‌هر دو اسم فا عل میبود ، یعنی‌کافر ن . و این چار مصراع بـابقیه شعر تان که دنبال خواهد آمد طقی و درست قایم نمی‌کندو چه بسا اگر همین چند نکته راز بش حذف میکرد ید ،هیچی‌کم نمیشد ، بلکه پخته تر هم میشد. تم کفرو مسلمان نپذ یرم)فهمیده نمی گردد که چه را نمـــی ذ یـر یـد و چـر ا نمی‌پذیـریـد « انسا نـــم و جزخصلت پذیرم» باور داریم که انسان‌هستید اما چه را نمی پذیرید ، باز موده نشده است که چـــه‌میخواهید بگویید . (در محکمه باطل نین قضاوت) کدام قضاوت‌تا خواننده شعر شما هم به حمایت خیزد ، کدام سو را بگیرد؟از کی دفاع کند و بر کی بشورد ؟ حکه چه گونه محکمه است؟و حاصل قضاوت این‌محکمه چیست؟ ستنم لعنت وجدان نپذیرم»چرا بر خود لعنت می فرستید ؟ چرا دانه خود را به دار میکشیدچرا ؟و هزار ها چرای دیگر ؟ وجدان

اید (من شعر به خاطر آن نمی‌سرایم‌که نشر شود یا کسی آنرا بخوا چرا؟ ازقدیم وندیم‌گفته اند که شعراز بهر مردمان گویند و اگر چنی نیست چرا بما فرستاده اید . مـــی‌گذاشتید که در کیسه ، و در خ تنهایی خویش زمزمه اش میکردید.

من ازدل دریای جبین دربکف‌آرم	همت بودم منت باران نپذ یـ
هنگام اجـــل گر بدهد آب حیاتم	نیم نفس‌از خضرهم احسان‌نپ
در کنج قناعت بدهم جان زکف‌اما	بار کرم خوان کریمان نپذیـ

شعر دیگرتان را بخوانیم :

زروی مکر هم گوشی ندادی‌بهرفریادم
به لبخندی درو غین هم نکردی اندکی‌شاد
بصد خو شبا وری خردم فریـب‌ساد گیهایت
چه دانستم‌که آخر مید هی ای رند بر با
بیك عالم تمنادام مهرت برگزیدم‌لیـــك
نه پرور دی‌به آب و دانه نی کـــردی آزاد
ترا با ناز پروردم بتا این اشتباه‌بنـــگر
که من بادست‌خود کندم‌سراسربیخ‌وبنیاد
صفای چهره ات ممکن رود ازخـــاطرم روزی
ولی بی‌مهری ات هرگز نخواهد رفت از یاد
بدانشگاه عبرت صد کتاب آمـوختم از تو
به درس زندگی حقا تو یی استـــاد استاد

اگر او استاد استاد شما باشد ،حال و روز شما چه خواهد شد مکررا میامو زید و لبخند مصلحتی‌ودروغین را بکار می بندید و دیگ را ساده لوحانه میفریبید و رندانـه‌بازی میدهید ؟ زیرا از استاد اس آموخته ایدو آنچه اوپسندد ، هنـراست .

اگر ازدیدگاه دیگری نظر اندازیم،استاد شما مکر و دسیسه را نـ پسندد و دروغ نمی گوید حتی بـــه‌اشاره لبخند . آدم بیچاره‌یی چـ شما را می فریبد و رندانه سر بـه‌نیست میکند که خدا نکند بـا تمنا دامنش گرفتی لیکن به‌دانه دلت‌شاد نساخت و با دست خود تـ در ریشه خود زدی‌وبی مهری اش‌رادانستی و صد کتاب آمو ختی کـ حقا استادت اوست، ولی نمیدانیم‌به چه دلیل ؟

به این دلیل که او بی مهر است؟به این دلیل که او زند گیت را کرده است . یا به این دلیل که بـــه‌اشتباه تان ننگر یست . و بالا بدانشگاه عبرت صد کتاب آموختیدولی نمی گویید که چه آمو ختی ما به کار بندیم و در سرا شییـــی‌عشق نلغزیم . فریاد شما چه بو او گوش نداد ، و بسیار سخنـــان‌دیگر ... بخوانیم شعر دیگر شم

میروی و مگر ایدوست دگربازنیایی
بـــاردیگر به سراغ من بیمار نیا یــ
فکر باز آمدن خویش بسویم نــه‌نمایی
هان‌اگرآمدی اینگو نــــه دل آزار نیا ی
دل نه باز یچه بود نیك پسند ش‌و اگر بار
با چنین‌شیوه نا خوا سته هشدار نیایـ
تا که واقف نشدی از دل پروانه‌و بلل



جوانان وخدمت مقدس زیر بیرق

وطن خانه مشترك ما است همانسانیکه همه
و شما حــق داریم ، از آب، خاك و هوای
استفاده بعمل آورده در زیر آسمان شفاف
یلگون آن امرار حیات نمائیم وظیفــه داریم
در راه عمران و اعتلای آن از هیچگونه‌سعی
عل پر ثمرو خستگی ناپذیردریغ نه نموده
مواقع ضرورت‌بر ضد دشمنان آن شجاعانه
هرمانانه بر زمیم واز خود شجاعت ودلیری
سان دهیم •

تاریخ درخشان جامعه ما گواهی می‌دهد
گامیکه استعمار بدنهاد انگلیس بر ضدوطن
دم وآزادی ماچشم طمع دوخت ، مردم ماچه
وچه زن چه پیرو چه جوان واز هر کجایی
وطن که بودند با وسایل دست داشته برای
ع از حاکمیت ملی، استقلال ملی شرف
ادی خویش جوان مردانه و قهرمانانه بپا
خاستند و باهمه نیرو و توانیکه داشتند از
ن و مردم خود دفاع نمودند وبه دشمن
ست های سنگینی وارد آوردند •

آری ! امروز که انقلاب نجات بخش نور
کشور پیروز گردیده وباتحول ٦ جدی

باشرف خود به ارث برده اند بادرك شرایط حساس و تاریخی‌جامعه‌ووطن خود به‌درخواست دولت انقلابی خود پاسخ مثبت داده بر اساس مصوبه اخیر شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان مورخ ۸سنبله ۱۳٦۰ جوقه‌جوقه وگروه گروه به مراجع مربوط حاضر می‌گردندو برای دفاع قهرمانانه از وطن ، مردم و انقلاب شکوهمند ثور ودست آورد های دوران ساز آن جهت سپری نمودن خدمت مقدس زیربیرق ثبت نام می نمایند .

جوانان ما امروز بااین عقیده وایمان کامل که هما نطوریکه اجدادوپدران قهرمان وحماسه ساز آن هادر برابر مداخلات ، حملات و تجاوزات استعمار انگلیس از خود شجاعت وقهرمانی نشان‌داده‌بزرگترین قدرت استعماری جهان رابه زانوی ادب نشانده بودند خودنیز اجیران زرخرید ارتجاع و امپریالیزم را که از خارج کشور تمویل وتسلیح می‌گردند و جهت اجرای اعمال خرابکارانه‌به‌کشور آزاد وانقلابی ماعزام‌میشوندبه زودی هرچه تمامترمحوو نابود سازند بااستقبال گرم وپرشورازمصوبه شورای

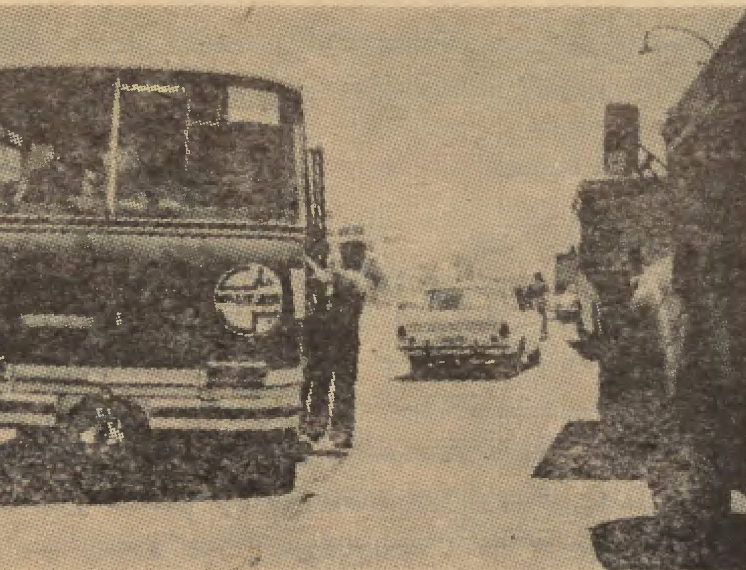
رسالت جوانان

اصلا حات وقتی در یك جامعــه صورت میگیرد که اولتر از همه خود را اصلاح نموده باشیم و با مقررات جامعه و خواستها و نیاز های‌جامعه به دیده احترام بنگریم .

امروز ما عادت داریم که انتقــاد کنیــم ، ولی آیــا یکبار بـــه‌خود متو جه شده ایم که چه مــی کنیم، مثــلا بار هار سانه های گروهــی روز نامه‌ها ، جراید ،مجلات ،رادیو، تلویزیون وغیره‌وغیره‌درمورد وقایع و حادثات ترا فیکی سخن ها گفتــه اند ، اما با تمام این ها کمتر شنیده شده است .

شما در عکس کودکان و نوجوا ـ نان را مشا هده میکنید که با وجود بار ها اخطار ترافیك باز هم خودـ سرانه و لجو جانه در پایدان موتر ازدحام را به راه انداخته و با اینکه موتر در حرکت است از دستگیــر موتر خود را آویزان نموده اند . این

بزرگ در قبال وطن و ج
دارند . قانون شکن نباش
اجتماعی را مرعات نمایند
وقتی جوان یا جوانان
ازقانون و مقررات و نظ
می زنند بر خلاف توقع ج
است آنها دست به این
زنند چطور کودکــان و
سخن هاو گفته های جو
مورد قانون و نظم اجتماع
خوشبختانه امروز جــو
رسالت عظیم‌و تاریخی
ملتفت این نکته گر د ید
جوانان ما از هر وقت
قا نون و نظم اجتما عی
اگر یك جوان‌رسا لتمن
که کودکی و یا نو جوانی
سالخو رده‌یی خلاف مقرر
میکند باجبین گشاده و
رفتاری که سرمایه اخلاق
نیك یك جوان شمرده میش



به این شکل‌آویزان شدن دره‌وتر یا خطرات جانی ندارد ؟

حــرکــات که ناشی از ندا نستن قوانین ترافیکی محسوب میشــود بعضا باعث حاد ثات دلـــخرا شی ترافیکی میشود که خانواده های را در ماتم وسوگ می نشانند به خاطر جلو گیری از این نوع حادثات و به

مقابل تفهیم نماید کــه
خلاف قانون است و همه
حرکت شان ممکن خطرا
مالی نصیب آنها گردد با
موضوع که تمرد از قانون
بزر گترین خیانت محسو



سوول این کارها کیست شما یا دختر تان؟

ك اولین قدم های را که بر میدارد و حر کات‌را . آن را از خانواده اش‌فرا ، و این قانون طبیعـــت

نواده توقع دارد که نـو ران خانواده دارای فـلان باشد ، باید اولتر ازهمه اعضای خانواده به رفتار و کـردار خود متوجه باشند ، زیرا قرارقانون طبیعت کودکان و جوانان که خود از دامان خانواده تربیه و پرورش می یابند ازرفتار و کردار والدین خویش می آموزند .

چندی قبل‌در یك خانواده ، مادر که به منزله رئیس و همـه کـاره خانه محسوب میشود بر دختر جوان خود قهر میشود و با عصبا نیـــت میگوید : من نمیدا نم از دست ایـن دختر حرف ناشنو و بی تربیت چه کنم ، هر قدر میگویم که در مسایل **خانه بامن همکاری نمایدکو چکترین** تاثیری بر او نداشته و د ا یـــما

بقیه در صفحه ٤٦

اندیشه‌های جوانان

ی کوهی

چشم و چراغ فـــردای اند،جوانان وقتی رسالت . را در قبال وظایـــف و های اجتما عی درك کرده نخست تیوری انقلابی این تیوری و دانشش را ردم قرار دهند .

سل جوان ما در قبـــال بی افغا نستان آنقـــدر ه‌کو چکترین تخطی از ان گناه‌بزرگ‌محسوب میگردد. برجوانان ماست تاپیوند های خـــود راباءردم مستحکم نمایند. به مردم‌پیام روزرا دهد وبه نیازهای مردم پاسخ‌وحدود امکانات آنرا فراهم آورند .

* * *

محمد حبیب محب زاده :

تاریخ شاهد است که کشور ما همیشه در طول زمانه شاهد فراز و نشیب ها بوده و مردم این خطه بـا- ستانی با روح آزاده که در خـــون و رگ آن ها نهفته است از ناموس و آزادی وطن حراست نموده انـــد امروز که وطن به ایثار و از خـــود گذری جوانان نیاز دارد به جوانـــان است تا در راه آزادی کشور از هیچ گونه قربانی دریغ نه ورزند .

* * *

محمد جان:

جلب و احضار قسمی سر بازان کـه‌ازطرف شـــو ر ا ی و ز یــران تصویب گردیده ، به همه جوا نـان و کسا نیکه شامل این مصو به مـی میگردند لازم می افتد که با روحیـه وطن پرستی و از خود گذری در راه دفاع از وطن و دست آورد هــــای انقلاب ثور از هیچگو نه قر با نی دریغ نه ورزند .







جوانان وروابط خانوادگی

رخداد های زندگی بعضا به موقع میدهد که به زند گیش مخ صا به زندگی خانواد گیش فکر و آن را به صورت واقعی ارزیا نماید . به مشکلات خانوا دگی که ناشی از عدم مسوو لیت اعـ خانواده مخصوصا زن وشوهر باشد فکر کند ودرمورد راه های آن و طـر ق جلـو گـ اختلاف های خانوادگی چاره ب یشند .

این مشکلات چگونه‌در بین‌خا ها راه می یابد و علت اسا س در چه است .

وقتی این مشکل را از دوجهت بهتر است بگویم از دونگاه کنیم یکی از نگاه زن و دیگـر چشم یك مرد خواهیم دید که ه خود را حق به جانب میدانند مسایل زندگی و روابط خانواد ابراز نظر نموده و هر یـك د شان را مسوول میدارند .

زن در این باره میگوید : هر که زن و شوهرنسبت بیکدیگر داشته باشند ، باز هم بیم آن م که شوهر دنبال زن دیگر بگر بوی عشق و عـلاقه پیدا کند امر نه از لحاظ این است که م ضعیف و بی اراده هستند و یا خیانت به همسر درو جود آنان شده است ، بلکه از این جهت که مردان بغلط عقیده مندند ک بر زنان رحجان و بر تری دارن برای اثبات این امر دلیل وبر اقامه نمیکنند بلکه به بعضی مـ کهنه و خرافی که از گذشته هـ میراث مانده اشاره می نمایند خوشبختانه امروز از این مسا کمتر دیده میشود .

یکی از این مسایل کهنه و خ برتری و قوت مرد را نسبت بـ نشان میدهد. این مـردان مغـ

از شگفتی های
جهان

از سویت یونین

میتود جدید تداوی مرض
دیابت(شکر)

مرض شکر یکمرض استقلابی بوده که درآن نظم استقلاب مواد قندی برهم میخورد .

دانشمندان طب در طول سالیان متمادی درپی دریافت طرق بهتر تداوی این مرض بوده‌اند چنانچه به موفقیت های هم دست یافته باآنهم باوجود این همه تلاشهای که نموده بودند تا۔ اکنون موفق نگردیده اند تا طریقه یا ادویه را ایجاد کنند که با استفاده ازآن بتوانند این بیماری که هنوز هم سیر مزمن دارد بصورت مطلق تداوی کرده وبیمار مصاب به مرض کاملا شفایاب گردد .

مگر در این اواخر اطبای اتحادشوروی میتود جدید ی را ایجاد نموده واز میتود مزبور که بنام او کسیجنیشن مبالغوی (اشباع حجرات عضویت توسط او کسیجن تحت فشار بلند) یاد میگردد در تداوی مریضان مصاب به‌مرض شکر استفاده میکنند .

در این طریقه تداوی یک‌کورس
است از :

اشباع نمودن‌حجرات‌عضویت‌ت
تحت فشار بلند از ده تا پانز
ساعت میباشد .

تحقیقات نشان داده است مر
میتود جدید تداوی میشوند بر
استقلاب مواد قندی عضویت شا
میشود استقلاب مواد چربی وپرو
شان نیز بصورت فوق العاده اص
و همچنـــا ن د ر سیستـــم ت
انرژی عضویت شان هم آهنگی
وبرای بیخوابی ، درد مبهم اطرا
نیز مفید ثابت شده ودیابت (
عادتی را نیز اصلاح می‌کند .

از صوفیه پر س

ترجمه : محمد انعام رؤفی

سپاس وقدردانی ازبنیانگذ ار
پوهنتون کلمنت اوهریدسکی

چندی قبل‌نودمین سالگرد پوهنتون‌کلمینت
هریدسکی صوفیه یعنی‌قدیمی ترین موسسه
لیمی وتربیتی بلغاریا باافتتاح آثار تاریخی
مینت او هریدی موسس پوهنتون مزبور
جلیل گردید .

کلمینت در تاریخ بلغاریا بحیث نزدیکترین
نکار «سریل» و(متودیوس) برادران سالو ـ

میگردد .

اگر اوراق تاریخ پوهنتون متذکره را ورق بزنیم خواهیم یافت که پوهنتون مزبور زمانی دراروپاحتی درجهان‌ازموقف بی‌نظیری برخوردار بود چنانچه حتی در هما نوقت یعنی زمانیکه اقلیت ناچیز مردم جهان از فیض سواد بر۔ خوردار بودند سالانه در حدود (۵۰۰) محصل

بلغاریا بر آن میبالد با سرودستهای برونزی روبالا کشیده شده‌ودومشعل برونزی در دست هایش که توسط موصوف بخاطر آگاهی مردم

بلغاریا روشن گردیده بیانگر بز
اوو افتخار پوهنتون که‌توسطوی‌ت
مباشد .



...وردن جگر فشار های روحی
...وعصبی تا نرا تقلیل دهید

ن از دانشمندا ن در سال
موفق بهاخذ جوایز شدند
مدیو ن جگر میدانند . چه
س کم خو نی(پرنیشتل)را
ن بار در تاریخ طبا بت به
ویتا مین بی- دوازد ه)
جگر به مریض مدا وانمودند
هم در غذا های روز مر ه
را علاو ه کنید نیـز
جایزه می شو ید. جایز ه
ستن و خورد ن یك چنین
د ، مکمل و خیلی عا لی،
از ویتا مین ها، موا دمعدنی
به علاو ه چیز های مفید
برا ی و قا یه صحـت
موجود میباشد . شوا هد
است که جگر انسـا ن
ابر دشمن کشند همبریك
ت رو حی و عصبی)وقایه

مختلف فشار هـا و
ت ، حساسیت در برا بر
گو ش خرا ش، استعمال
ز هر دار در غذا ها ،
ز کشند ه که از انجـن
خارج شده هوا را آلـوده
هنگا میکه هر صبح ا ز
ب بیدار و دو بار ه سر-
لای بالشس موقع شب می
حتما در طو ل روز د ر
مور محو له احسا سـس
میکنید پس بیایید ایـن
ا با خورد ن جگر برطر ف

درسا ل (۱۹۴۰) داکتر بنیامین ایر شو ف برای اولین باردریافت که با خورد ن جگر میتوا ن (فشار های روانی) را بر طر ف نمود . داکتر موصو ف اکنو نپرو فیسور محقق بیو شیمی میباشد که بیش از (یکصد و هفتاد) مطا لعا ت وتحقیقا ت علمی را در سـا حا ت بیوشیمی انجا م داد ه است . در بر خی از این تحقیقا ت کهدر قسمت مواد غذا یی انجا م داد ه به ایـن حقیقت پی برد که خورد ن جگرتازه ویا پو در آ ن به قسم تا بلیـت انسا ن را در برابر فشـار ها ی روانی محافظه میکند .

اگر جگر بتواند انسا ن را د ر برابر فلج ساز ی سلو ل ها،ناشی از تشعشعا ت و قایه نماید مساله تشو شا ت روا نی و عصبی رابا خورد ن آ ن میتوا ن حل شده تلقی نمود .

اینکه آیا این نیرو ی قدر تمنددر جگر چه خواهد بود ؟ کس نمیداند اما داکتر ایر شو ف فر ضیـۀ علمی خودرا در مورد چنین بیا ن میدارد ... بعلاو ه مواد غذا یـی شنا خته شد ه ، مواد غذا یی دیگری

طبیب دیگر به نا م داکتـر راـ نیو ویچ از این مواد غذایی شنا خته نشد ه جگر استفا د ه نمود ه ادویۀ از جگر به نا م عصار ه جگـر ساخت که به وسیله آ ن توانسـت (یکصد و بیست و هفت) نفر راکه مبتلا به مرض شکر (دیابت)همراه بایکنو ع اختلال عصبی بودتداو ی کند . بعد از تطبیق دوا ی مذکو ر از و ضع صحی (یکصد وبیست) نفر از مریضا ن رو به بهبود ی گذاشت .

داکتر را نیو ویچ عقید ه دارد که در جگر کدا م مواد شنا خته شد ه دیگر و جود نداشته که در تداو ی مریضا ن فو ق نقشی بارز ی راایفا کرده باشد بلکه آن عبا ر ت ازوجود دو ویتا مین : «(ب-ششس) و(ب- دوازد ه) است که همیشهدر طبابت برای تداو ی اختلا لات عصبی وکم خو نی از آن ها استفا د ه به عمل می آید و موصو ف در طبا بت در اثر تجر به مقا دیر خیلی کو چـك دو و یتا مین فو ق را در عصا ر ه جگر پیدا کرد و ا عـجاز غذایـیو دارو یی جگر را نا شی از و جود دو ویتا مین مذکور خواند .

داکتر دیگر ی جگر را و سیلـه تداو ی در چهل مورد بالا یمریضانی که مبتلا به مرض (اولسر ، عضلات ساق ها) بودند قرار داد .بعضی از مریضا نی که برای (ده) سا ل از تداو ی صر ف نظر کرده بودند با پیچید ن دا که ای که در محلو ل عصار ه جگر » به کلی اشبا ع شده بود در نقا ط مر ض زد ه بعد ازمدت کو تا ه کا ملا شفا یا فتند .

همچنان از«عصار ه جگر » د ر تداو ی زخم های دیر مانده نا شی از جرا حی ، سو ختگی وامرا ضـ جلد ی مانند آگز یما ، بیر ه وغیره نیز استفا د ه مینمایند . در یکی از راپور ها چنین آمده : شخصی

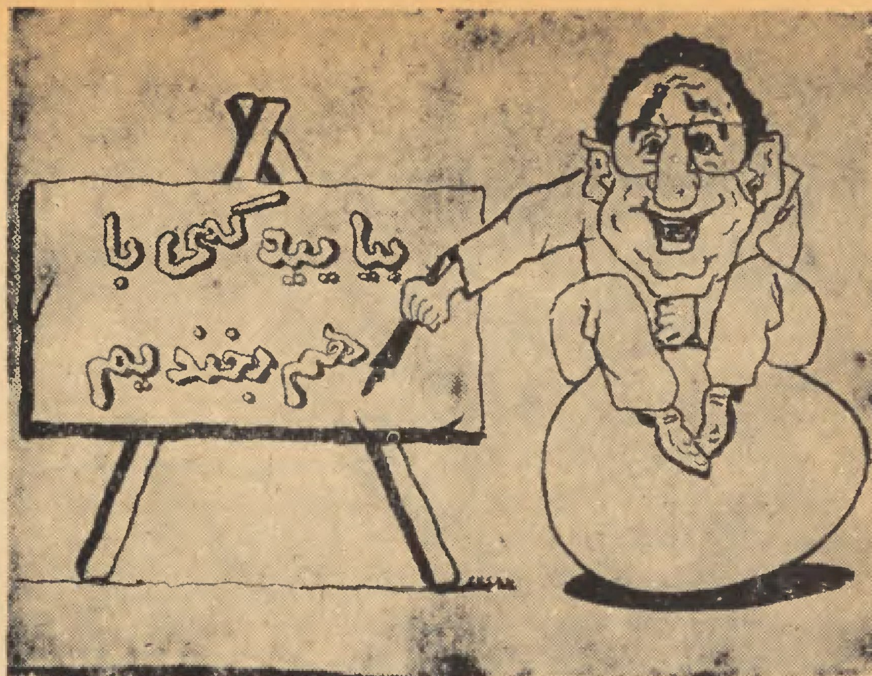
که از تکلیف بیر ه رنج می بر
چها ر ما ه تحت تداو ی مخصو
بیره قرار داشت ناکا م شـ
باگر فتن (دوازد ه) تابلیت جگ
سه تابلیت ملتی و یتا مین در
برای یك هفته بیر ه های مریض
به بهبود ی گذ اشت .

جگر منبع ویتا مین های «آ»و«

تجار ب ثابت سا خته که در
ویتا مین ها ی (ب-یك) ،(ب-د
«ب-ششس» و « ب-دوازد ه »
وافر و جود دارد . همچنا نویتا
(ث) در هر ذر ۀ جگر موجود مـ
باشد . و قتی که از مواد معد
حرف میز نیم ، آنها را مثلا آه
فاسفور س ، پتا شیم و مسس
برای قلب مفید اند ، در جگـ
یافته می توانیم .

تجر به این واقعیت را رو ش
ساخت که (سی) نو ع غذا ی
ازجمله (چهل و هفت) نو ع ،
سا ل (۱۹۶۶)به مقا یسه سا
(۱۹۴۲) از داشتن مسس فقیربو
که این فقدا ن در گرا ف امرا ضـ
قلبی سا ل (۱۹۶۷) سیر صعود
قابل ملاحظه ای را نشا ن میده
تجر به نشا ن داد ه که فقدا ن
کمی مسس د ر غذا باعث بلند ر
کولو سترو ل در خو ن گردید
موجب سکته های قلبی میگردد.
شما میتوانید با افزو د ن جگر
خورا ك روز مر ه تا ن کمبـ
مسس را در و جود تلا فی نمود
بلند ر فتن سطح کو لو سترو
درخون جلو گیری نمائید.

مسس هم مانند و یتا مین (ث)
ذره ، ذر ه ای جگر و جود دا
طور مثا ل جگر هفتاد مر تبـ



چگونه صرفه‌جوئی کرد

آقای مك تاریش بتازگی زن گرفته ،برای گذرا ندن ماه عسل رفته‌بود در تمام مدت مسافرت لحظه ای از اندرز دادن به زنش غافل نمانده و مخصوصا همه را هنما ییها و اندرزهایش پیرامون این نکته دور میزد که چگونه میتوان بیشتر صرفه‌جویی کرد .

در آخر ین روز سفر زن سری تکان داد و گفت :

عزیز م حالا میتوانم به تو اطمینان بدهم که کاملا یاد گرفته ام چگونه میتوان صرفه جو یی کرد وجلوی‌مخارج بیهوده را گرفت .

تو بمن خوب یاد دادی که چگونه باید از پول استفاده کرد.

ـ آخر ! به‌توتبریك می‌گویم.

ـمتشکرم . حالا ممکن است چندشلینگ پوك بمن بدهی ؟



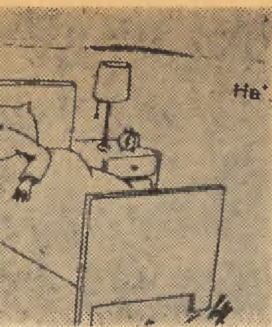
حال من بدتر است از شما

دو مادر که به تازگی شانزدهمین سالگر تولد پسر ودختر خـــود را جشن گرفته بودند. در باره فرزندان خود صحبت می کردند . او لی‌آهی کشید و گفت :

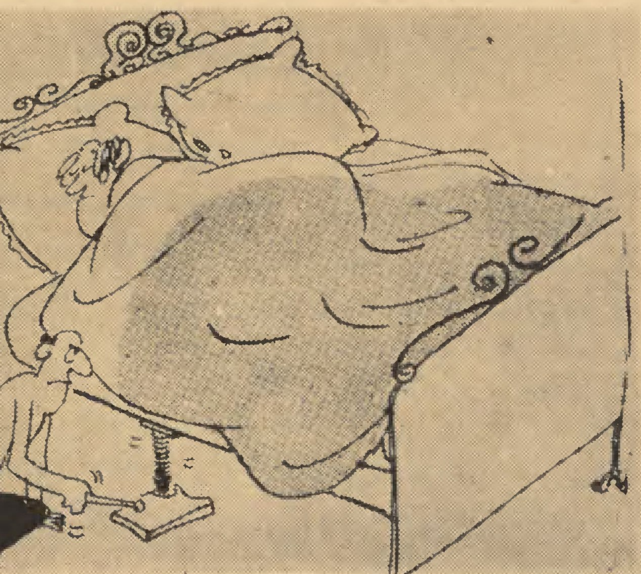
ـپسرم مرا می خواهد بکلی ناامید بسازد .هر حر فی که به او میز نم جواب میدهد !نی!

دومی آه عمیق تری کشید و گفت :

ـ وضع من‌هم بدتر از شما است . د خترم ب[illegible] که از او می خوا هد ج[illegible] بلی .



بدون ش[illegible]



بدون شرح

قبر پدرت است

در گورستان مردی در کنار قبری نشسته بود و گریه کنان تکرار می کرد:

ـ نی ، تو نباید میمردی ... تـو باید زنده میما ندی ... تو نبایـد میمردی .

یکی از رهگذران دلش سو خت. پیش رفت و گفت :



چه مریضی داشت

رست بعداز مدتها یك دیگررادیدند . یکی از آنها قیا فه ای
اراحت افسرده داشت. دوستش گفت :
ل بدی افتاده است؟ این‌چه قیافه ای است که تو گرفته ای؟
ه سو زناك کشیدو گفت :
فته می شود که پسرم‌مرده‌است.
ستی ؟ چه مریضی داشت؟
فقط کمی ریزش کرده بود؟پس این که اینقدر ها مهم نیست.

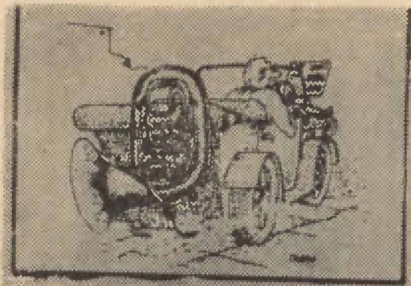


در عالم مستی

دو نفر مست در سالون ایستگاه راه آهن نشسته بودند . زن بسیار چاق داخل سالون شد و به طرف ترازوی اتو ما تیك رفت وسکه ای در آن انداخت و روی ترازو ایستاد. اما ترازو خراب بود و عقر به آن‌و زن را فقط ۳۲ کیلو نشان داد.

یکی از مست ها چند بار چشم هایش را مالید و به صفحه ترازو خیره شد ، بعد نکا هی به هیکل عظیم زن اندا خت و با بازوبه‌پهلوی رفیقش زد و گفت :

ـجانم چا قی را دیدی.؟ بین آن خا لی است هیچ چیزی نیس !



بدون شرح



بدون شرح

داستان مستان

شب‌تاریک ی بو د . مردی

از رستوران پایان شد و به
قدم بر میدا شت در یکی از خ

های خلوت کلیدی را از جیب
بر آورد و به طرف یکی از پای

آهنی چراغ برق رفت و به
سعی کرد کلید را در قفل دری

که معمولا در پا یین تیر های
هست فرو کند . مدتی تلاشی

موفق نشد بالاخره‌پاسبان‌سر
به شوخی به‌او گفت :

ـبرادر چه میکنی ؟ می بی
هیچکسی در خانه نیست .

مردمست با انگشت چراغ ر
داد و گفت :

ـ چرا آنجا را نگاه‌کنی‌حت
نفر است طبقه بالا روشن اس



ترجمه و تنظیم از میرحسام‌الدین برومند

ناتو، دشمن بزرگ بشریت

تجارت بین المللی اسلحه که بوسیلهٔ
ور های «ناتو» براه انداخته شده است
لما در مللی که آنجا صلح حکمفرماست،
ید ناآرامی میکند ٠ گسترش مسابقات
یحاتی، که مظهر جنگ افروزی کشور های
وست بدستیاری کشور های کاپیتالیستی
تاروز فزونی گرفته است ٠ تصمیم اتحاد
روی وسایر کشور های سوسیالیستی مبنی
عقاد یك کونونسیون بین المللی در مورد
ارسال اسلحه ، مخصوصا منع آن از کشور
که ، آنجا مورد حملات امپریالیستی قرار
. و همچنان جلو گیری از صدور اسلحه
تمامی رژیم های را سیستی وکلونیالیستی
از حد تصور نافــع و در خور ستایش
است . معذالك مطالبات و درخـواست
پیهم نیروهای صلحجو وترقی پسند
رین روش های مغلق و نظامی کشورهای
یالیستی گردیده و پیوسته «ناتو» و ـ
ستگانش با مقاومت تلخ و سر سختانـــهٔ
ر های مترقی روبروگردیده است٠ بدیهی
ن که در تجارب وارسال اسلحه اضلاع
ه امریکا پیشی وسبقت خویش را حفظ
ه و جمهوری فدرال آلمان که در ساختمان
رکیب کشور های ناتو میخواهد خودش
وازی باقوس صعودی امریکا قرار دهد
نان قوس صعودی خودرا در قسمت تولید
سال وسایل تسلیحاتی می‌پیماید ٠ خاصتا
ل اسلحه وسایر وسایل ومواد نظامی

گسیل میگردد که درسی سال اخیر جنگ ، فقر ، هلاکت ونا آرامی همواره آنجا زبانه میکشیده است که در مجموع کشور های جهان سوم اسلحه بیشتری دریافت داشته اند ٠ نظر به گزارش های تازه منابع امریکایی ٠ کنترول سلاح ، انحصار و صدور اسلحـه و سایر لوازم نظامی از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۷ هشت برابر گردیده است که این باری خطرناك بوسیله آلمان فدرال بشدت دنبال میشودو نظر به گزارشات منتشر شدهٔ رسمی صـادرات اسلحه درسال ۱۹۷۹ به ارزش بیش از (۱۰۵) میلیارد مارك آلمانی بالا رفته است ٠ درسال ۱۹۷۷ وزیرو قت آلمان فدرال صدور وسایل تسلیحاتی را بـه بیش از (۱،۹۲۵) میلیارد مارك آلمانی بیان داشته بود ٠ براساس سنجش های سیاسته داران آلمان فدرال درسال ۱۹۷۸ (۲،۵) میلیارد مارك آلمانی که در واقـع یك میلان قوی نظر به یك نشریهٔ ۱۹۸۰ فرانکفورت

خوانده شده است ، بطور جدی این مصرف قوس صعودی اش را پیموده است ٠ نشریهٔ دیگری بنام «فورس» دریکی از شماره های اول سال جاری نگاشت که : جمهوری فدرال آلمان درسا لیان ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ ارسال اسلحه رابه قیمت (۵،۹۳) میلیارد مارك آلمانی ازدیاد بخشیده است که در سالیان ۱۹۷۶ ـ ۱۹۷۸ صدور اسلحه از انبار خانه هاو فابریکه های تولید اسلحهٔ آلمان فدرال به ٦٩ کشور جهانی صورتگرفته است که قیمت دریافت شده از بابت آن ونفعی که از بابت فروش آن برداشته (۴،۰۷۸) ملیارد مارك آلمانی خوانده شده است. واز سایر کشور های کوچك (۱،۸٦) ملیارد شرکت‌های انحصاری و تولید اسلحه آلمان فدرال چون کوروس مافای، هکلی، کوخ، بدین تازه‌گی ها (٤٠٠٠) وسیلهٔ دفاعی آتش برافروزکه که یك وسیلهٔ کاملا جدیداست به تایلندارسال داشته اند ٠ همچنان از ین وسیله در اختیار رژیم خونخوار پنوچت نیز گذاشته شده است و همچنان وسایل تسلیحاتی دیگری چـون ماشین های جنگی ، موتور های دیزلی برای زره پوش ها قایق های سریع السیر نیز بدین تازگی ها ساخته شده وبرای دامن‌زدن جنگ به کشور های دیگر فرستاده شده است صدور اسلحه به کشور هائیکه آنجا علاقمندی وتمایل به‌امپریالیزم‌زیاداست وبیشتربانیروهای طرفدار پیشرفت وترقی اجتماعی در جدل‌اند، از طرف آلمان فدرال بیشتر صورت میگیرد که مثلا میشود از صدور اسلحه به چلی اسرائیل ، رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی السالوادور وامثال آن نامبرد موج اعتراضات همگام بااین روش بلند شده است چنانچه درخود آلمان فدرال همین چندی قبل پروتست کارمندان کار خانهٔ تولید قایــق های تحت ـ البحری «کیل» بخاطردیکتاتوری پنوچت‌سروصدا راه انداخته وارسال اسلحه بوسیلهٔ آلمان

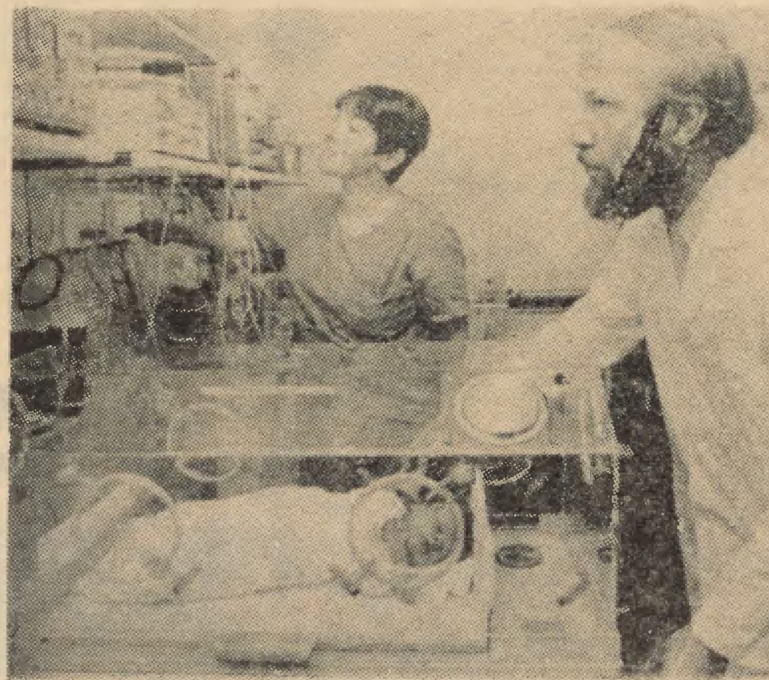
فدرال رابدان کشور ، تقبیح ونک
چه مردمان بیدفاع بوسیله وس
بیحد شکنجه می گـردند . همچن
شانرا علیه رژیم را سیستی اف
به کمك آلمان فدرال وسلاح
«ناتو» بخاطر تقویهٔ رژیم اپر تاید
همت می گمارند ، برملا ساختند .
در کنار سایر کشور های «
کنونی آلمان فدرال در آتش ا
در کشور های جهان‌سوم‌یك رول
رادارا‌ست ، ودرکشور های عقبمان
«کاپ هون» واقع‌درامریکایی جنوب
های شرق نزدیك دربسا مناطق
ویاهم در مرداب هاو باطلاق های
اسلحه ها ، تفنگچه ها، راکت ها
جنگی جرمنی ، انسانرا بشدت ب
حیرت می اندازد . بقول «هیر نبرگ
محاسبات بین سال های (۱۹۷۳
هفتاد فیصد صدور وسایل تسلی
فدرال رادرکشورهای جهان سوم تش
که ٤٦ فیصد این وسایل اغلبا در
شرق نزدیك وآسیای وسطی
صدور ۲۷ فیصد آن به افریقاو
به امریکای لاتین نمیتوان ازیاد ب
«الفاجت » وقایق های سریع ال
های تیپ جدید «ام.بی.بی» مدرنتر
نظامی آلمان فدرال درسال گذش
رسانه های گروهی المان فدرال رو
ساختن کشور های دیگر رابوسیله
«درواه یی بسـوی بدبختی» لقب د
«آلمان فدرال بایستی بخاطر سیاس
مخاصمانه و دامن زدن فشار وستم
جنگ طلبانه ، خویش را نکـوهش
چه روش آلمان فدرال ابداً انسانی
بخواست بشریت مترقی نیست »
این مطلب ایست که اخیراً یا
مترقی آلمان بدست نشر سپرده اس



...بت مدرن و تقرب تعداد تلفات نوزادان به صفر

... زنان شفاخانه مرکزی «هانریش ...سوبکاو» ، سال ۱۹۸۰ یکسال ...دنی بحساب می‌آید چه از بدو ...کلینیک تاالحال مجموعا (۷۷۲۵۰) ... دیده بجهان گشوده است که ...ذشته این کلینیک شاهد تولد ...د بود . مسوول کلینیک متذکره ... نوزدان واینکه این کلینیک‌حتی ... هم ندارد ، مودر نیزه ساختن ...ش تدابیراساسی برای جلوگیری

از بروز خطرات احتمالی، تجهیزساختن سالون هاو اتاق های ولادت باوسایل مدرن طبی، ورزیده ساختن دکتوران ونرس ها را، همه‌و همه عواملی شمرد در جهت فعالیت های شگفت انگیز کلینیك . چنانچه در تصویر می‌بینم که کودك نوزادباچه مواظبت و مراقبت دقیق دکتوران چیز فهم وورزیده پس از تولد مورد معاینات جدی قرار گرفته است تازمینهٔ رشد بهتر و صحی تراو فراهم آمده وبدون هیچنوع نقصان رشد یابد .



...ودکان کلینیک بامدرنترین وسایل تست میگردند .

ده هزار میلیون دالر خواهد بود که در حصهٔ کشور های در حال رشد این چار چند بیشتر است که زیاد بیرحمانه میباشد . بهمین دلیل سطح پائین تادیات اضافی برای تکنالوژی به ارزش ۲۰۰۰ میلیون دالر بسیار احتمالی بنظر می‌آید .

کشور های غربی وشرکت های بین المللی باوصف‌اطمینان های مکرر در مورد تمایل شان‌پیرامون تجارت عادلانه ازسیاست‌تبعیضانهٔ خویش درساحه تجارت‌خارجی دست برنگرفته، نفع هنگفت دریافت میدارند سالانه سی هزار میلیون دالر از حجم کلی تجارت خارجی برای رفع موانع تعرفوی به مصرف میرسد .

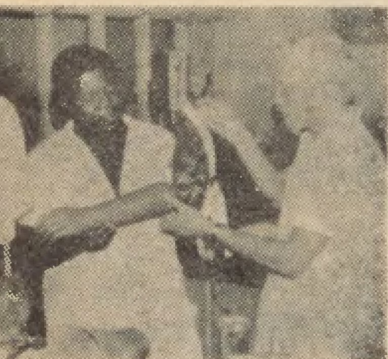
کشور های در حال رشد غیر صادر کنندهٔ نفت ، چهارده فیصد تجارت جهانی رادر بر-میگیرند در حالیکه خسارات شان ناشی از محدودیت های تعرفوی تخمینا به۴۲۰۰میلیون دالر میرسد . خسارات هنگفت کشور های در حال رشد نیز در نتیجه وضع تعرفه ها ی بلند که بخاطر تامین صادرات شان از طرف صاحبان کشتی های باربر کشور های در حال رشد تحمیل میگردد ، وارد میشود . تنها اروپای غربی از درك انتقال سامان آلات۹۶۰ میلیون دالر کشور های‌درحال رشد رابه‌غارت میبرد در حالیکه کشتی های امریکایی وجاپانی اموال زیاد را انتقال میدهند . این احصائیه باید کم از کم دو چند باشد وبه ۱۹۰۰میل... دالر خواهد رسید .

بینظمی پولی در غرب شدیداً می... تادیات رادر کشور های در حال رشد ... گردانیده است کشور های تازه به اس... رسیده . در سال های ۱۹۷۰ در نتیجه تغ... نرخ مبادلات اسعار از طرف کشور هـ... امپریالیستی ۵۸۰ ملیون دالر خساره ... شدند . علاوه بر آن ،یك قسمت قروض‌ک... های در حال رشد که باید به اسعاری دو... پرداخته میشد که ارزش شان در برابر ... امریکایی بین سال های ۱۹۷۱و ۱۹۷۳ ... رفته ، به صورت اتوما تیك به ۵۰۰۰ م... دالر افزایش یافت . در سال ۱۹۷۸ ذ... خصوصی پولی ساکنین کشور های‌آسی... و امریکای لاتین دربانك های تجارتی ... به (۷۰۰۰۰) میلیون دالر تخمین شده اس... در عین زمان اوسط سود در مارکیت قر... خصوصی به هشت فیصد بالغ گردیده اس... بدینترتیب باسه فیصد فرق ،(۲۱۰۰) م... دالر نفع آن بانك است که برفخایر شخ... بعضی از ساکنین کشور های در حال ر... فعالیت دارد . این همان قیمتی است که ... تجار کشور های در حال رشد برای شم... درکلوپ بانکداران بین المللی بپردازند .

بخاطر صحت انگولایی ها

از سال ۱۹۷۶ بدینسو دکتوران متخصص، ماشین ولوازم اورتوپیدی و فزیوتراپی از تمامی کشور های‌مترقی جهان درلواندامصروف خدمتگزاری اند . درین کشور ماهانه ۱۵ تا۲۰ بازو وپای مصنوعی در وجود اشخاصیکه با اشکال وباهم عوامل متعددست هاوپاهایشانرا از دست داده ،نصب‌وجابجا میگردد . این‌بازو هاو پاهای مصنوعی جدیداً ساخته شده واز پاها و بازو های اصلی تفاوت چندانی ندارندو بظاهر چون اعضای اصلی بدن مینماید .

اخیراً هفده جوان انگولایی که فاقد دست وپابودند ، بانصب بازو ها و پاهای‌مصنوعی صحتیاب گردیده بکاروزندگی شان بطور عادی وبسان انسان های تنومند وصحتمند ، ا... میدهند .



یك انگولایی تحت طبابت .

...ستعمار نو ،دشمن سرسخت کشور های درحال رشد

... تجارت شرکت های انحصاری ... به استناد راپور های تازه ازسال ...۱۹۷ معادل ۱۲۴۲۰۰ میلیون دالر ...رهای در حال رشد ستانیده اندکه

دالر متضرر میشوند . به اساس گفته های متخصصین‌بانك‌جهانی‌وسازمان همکاری اقتصادی درسه سال گذشته قروض کشور های در حال رشد از بابت همچو مفاد گیری های کمر شکن

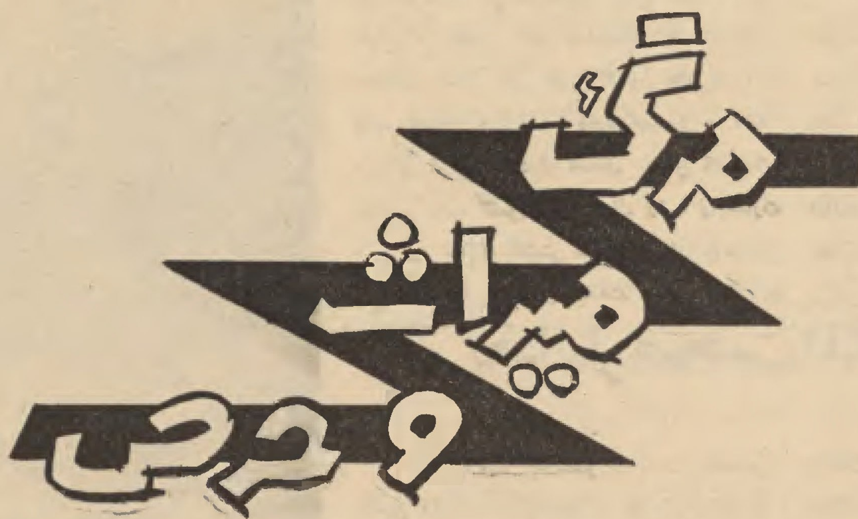
برای ویتنامی های کوچك

برای شما برگزیده ایم :

هر هفته یکداستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات لهستان

ولادیسلاو ایستانیسلاو ریمونت
برنده جایزه نوبل



دیسلا واستا نیسلا و ریمو نت نو یسندهبه شهرت رسیده ومحبوب کشور لهستان که
ال ۱۹۲٤ جایزه نوبل به او تعلق‌گرفت‌در سال ۱۸٦۷ مـتولد گشت و در ۱۹۲۵
ست .

ان کودکی او در تنهایی و فقر در یکی‌از مزارع لهستان تحت سلطه رو سیه دوران
گذشت ، فقر موجب گردید که نتواند تحصیلا تش را ادامه د هد تقریبا سال های‌اوایل
اش در پی کسب نان به آوارگی درشهرهای لهستان گذشت در ۱۸۹۳ متو جه‌استعدادش
سندگی شد و به کـــار قصه نو یسی‌پرداخت که از همان آ غاز مورد تو جه مجلات
رار گرفت .

کار او کتابـــی است بنام « دهقانـان» که در آن فقر و بد بختی رو ستا نشینـــان
ں بخوبی تصویر شده است «کمیـدین»«ارض مـوعـد» و « خـواب بیننده» از آثـار
دیگر او هستند که در سال های‌آخرعمرش به نگارش آ مده است« مرگ، میراث و

نیمه باز و کبود و لبهای تر کیده‌اش بیرون
می افتاد .

دخترش فریاد زد :

– بتو میگویم ، بر خیز !

دختر کوچك باناله تکرار کرد :

«بابه کلان !»

بازیر پیراهنی و پیش بندی که به روی
سینه اش بسته بود ، سر پنجه پا ایستاده
بود تاچهره پیر مرد را دیده بتواند :

«بابه کلان »

چشمهای آ بی او پر از اشك بود و چهره

– گمشو سگ لعـــنتی ، گمشو
گم میشی ، لاشه سگ !؟»

باکفش تلی چو بی خود ، چنان ل
سگ زد که حیوان روی زمین غلطی
کشان به طرف در بسته خزید .

دخترك هق‌هق کنان نزدیك بخار
بود و با دست های کو چکش بینی و
خودرا می مالید .

زن با خشونت بیخ گوش پیر مر
نجوا کرد :

– بابا تا اعصابم را خـراب نساخ

...وش باتو صحبت میکنم ، بر خیز

...ر وردگار بزرگ ، ای خدای‌بخشنده!
...ش که از اضطراب و عرق تر بــود
... ناگهانی منقبض شد ، دخترش با
...دی لحاف پر را از روی او کنــار
... ستش را دور کمر پیر مرد انداخت
...یتی فراوان او را از بستر بیــرون
...طو ریکه فقط سر و شانه ها یش‌روی
... ، او مانند یك تکه‌ی چوب بی‌حرکت
... چوبی خشك .
...اری ز یر لب تکرار کرد :
...ش ، جناب کشیش .
...ش با تمسخری آ شکار جواب داد :
... کشیش بیاورم ، تو مثل یك سگ
...وك دانی جان بد هی .
...ش پیر مرد را گرفت اما و قتی دید
...ش با شتاب از پشت پنجره گذشت،
...و را به زمین انداخت و با لحاف
...او را پو شاند ، یکنفر به طرف خانه
... قت کمی داشت که پای بیمار را
...کشد ، با چهره یی که از عصبانیت
... بود ، لحاف را با خشونت روی او
...ب کرد ، زن د هقان همسایه وارد

اتاق شد .

– حمد بر مسیح .

زن جوابداد :

– تاابد الاباد .

باید گمانی از گوشه چشم زن د هقان را نگریستن گرفت .

– چطوری، خوبی ؟

– شکر خدا ، میگذرد ، ودر حا لیکه‌برف‌را از کفش خود میتکاند پر سید :

– حال پیر مرد چطوره ، خوبه ؟

– به ، چطور میتانه خوب باشــه ، آخــرین نفس عایش است .

– همسایه این طور نگو ، همسایه !

روی پیر مرد خم شده بود ، پیر مردنالید: « کشیش »

– ای وای خدایا ، مرا نمی شنــا سد ، کشیش می‌خواهد ، در حال مرگه کارش تمامه، کسی را عقب عالی جناب فرستادی ؟

– مگر من کسی را داشتم که بفرستم ؟

– اما تو که نمی خواهی یکنفر مسیحی‌بدون مراسم مذهبی بمیره ؟

– نمیتانم تنهایش بگذارم و بروم . شاید هم حالش خوب شود .

– گمان نمی‌کنم ، و ضعش خیلی خرابه ، ببین باچه مشکلی نفس میکشه ؟

– بلی همین طور است ، پس خوا هش میکنم تو این کار را انجام د هی و بری عقب کشیش .

– خیلی خوب ، و قت تنگ است ، پس من ر فتم .

پیشبندش را محکمتر دور گر دنش گــره زد :

– خدا حافظ « آ نت کوا » .

– خدا به همرا هت .

وقتی که زن همسایه بیرون رفت، آنت‌کوا شروع به مر تب کردن اتاق کرد ، اتاق را گردگری و جارو کرد ، خاکستر های اتاق را دور ریخت ، ظرفها را شست و کنار هم چید، گاه‌گاه بر میگشت و نگاه نفرت باری به پیرمرد می انداخت ، تف میکرد ، مشتهایش را گره میکرد و سرش را بابیچارگی مایو سانه یــی بالا میبرد و با خود گپ میزد :

– بانزده جریب ز مین ، خوك ها، سه‌تاگاو، اسباب و لوازم خانه ، آن همه لبا سهــا ، حتی نصف اینها هم ثروت بزرگی است، خدای من .

مثل این بود که اندیشیدن در باره ایــن همه ثروت نیروی تازه‌یی به او داد ، ظرف‌ها

را با سر و صدا جابه جا کرد و ادامه ...
– آن همه مرغ ، آن همه گوساله و آ...
وسایل وابزار کشت و کار همه را بر...
لاحشه گذاشت ، انشاء الله که با نکبت...
انشاء الله کرم ها در گور ریزه ریزه‌ات...
برای اینکه در حق من این همه ظلم ...
برای اینکه و ضع من از یتیمان‌هم بدتر...
لبریز از خشم بطرف بستر بیمار د و...
وفریاد کشید:
– بر خیز !
وقتی پیر مرد حرکتی نکرد ، با مشت ...
او را تهدید کرد و باز بیخ گــوشش ف...
کشید :
– برای این اینجا آمدی ک نزد من ...
ومجبورم کنی خرج‌وکفن و دفنت را بد...
یك طاقه شال برایت بخرم ، این آ رزو ...
به گور ببری ، اگر جولینا جانت اینقدر...
عزیز است ، بهتره عجله کنی و نزد او ...
مگــر مقــدر مــن بــوده کــه ســر ...
پیش من بماني ، عزیز دانه‌تو جو لینا س...
وقتی صدای زنگ دروازه بلنــد ش...
سخنش را ناتمام گذاشت و کشیش با ...
آب مقدس وارد شد .



جوانان و روابط ...

عقیده اند که زن فقط برای
ذت مردان آفریده شده است
ر سخت و دشوار است که
چنین مردانی را تغییر داد و
فهماند که زنان فقط برای
عشقبا زی آفریده نشده اند
ه مقاصد بهتر و عالیتری آنان
آمده اند .

ین رو هر زن شوهر دار عاقل
ده ای که مایل بخو شبختی
یی میباشدخوب است با آینه
خویشتن را بنگرد و نوا قص
ای خود را در نظر بگیرد و
خو درا نسبت به شوهری که

ست او را از دست ندهد وبه
وسعا دت با وی زندگی کند،
سنجد .

زن چنین کند و بداند تمایل
ت شوهرش چه چیز است به
میتواند فقط شوهر ش رابرای
هدارد و نگذارد عشق و علاقه
ی دیگرئ در قلبش رخنه کند
ن دراین وظیفه قصور کندو
باین موضوع ندهد ، باید
که زن دیگری را پیدا خواهد
در زیر بعضی از اشتبا هاتی
غلب زنان مرتکب آن میگردند
ن است شوهر به اثر همین
هات اعتنایی به همسر خود
و علاقمند بزنان دیگر
یاد آوری میکنیم .

مرد و هم چنین هر طفلی می
ه چه وظایفی دارد و یاد آوری
ایف و تکرار آن نتیجه کلی
، زیرا مردان چون کود کان
خت و لجوج هستند و مرد
ایل است وظایف خود رانسبت
واده خویش انجام دهد و از
زن نباید مرتب به شوهرخود
که این وظایف را انجام دهد،
ن امر بر شوهر گران آمده و
است با علاقه ایکه به انجام آن
دارد ، شانه از زیر آن

شوهر دار است بکار برد .

اگر زن این امر را فرامو ش کند کاخ سعادت زنا شوی خود زده است و چیزی نخواهد گذشت که شوهر برای اطفای کامل حس شهوت با زن د یگری ارتباط پیدا نماید و از راه راست منحرف شود .

عدم تفاهم :

زن کاملا متوجه این نکته باشدکه مرد عقیده مند است که جنس مرداز جنس زن بهتر و بالا تر است این طرز تفکر که مال خیلی قدیم است و امروز خریداری ندارد و همین مسایل بود که بین زن و مرد عدم تفاهم را ایجاد میکرد بسیاری اززن ها با اینکه میدانند شوهرشان به‌چه چیز های عشق و علاقه دارند دراین باره بی‌جهت باآنها ضدیت ومخالفت میکنند ، مثلا اگر مرد علاقه به مطالعه داشته باشند زن همه اش از زیادی کتب و مجلا تیکه شوهر ش دارد ناله میکند و آنها را به اینطرف و آن طرف میافگند و یا عشق به ورزش و یا جمع آوری اشیای عتیقه داشته باشد . از وی می خواهد به مسایل دیگری توجه نماید .

زن فهمیده نباید شوهرش راوادار کند از چیز هاییکه مورد اعلاقه اش میباشد دست بر دارد ، زیرا این امر سبب میشود که زن زیرك و فهمیده دیگری که پی به اخلاق ورو حیات شوهرش برده است ،او را از دست وی بر باید بلی ،زنان زیرك مترصد اولین فرضی هستندتا چنین شوهران ناراضی را بدام بیافگنند .

اگر زن کا ملا برو حیات‌و اخلاق شوهر پی ببرد و بداندکه او به چه چیز ها عشق و علاقه دارد و طبق دلخواه او عمل نماید ، هرگز شوهر ش احساس تنها یی و عدم خو شبختی نمی نماید و ابدا حاضر نمیشود زن خود را ترك گوید و با زن دیگر دوست و آشنا شود ورابطه پیدا کند .

حسادت:

حسادت کور کورانه اسلحه در هم شکننده‌ای برای کاخ سعادت زنا ـ شویی محسوب میشود ، و اصولا این غیرت بی جا و کور کورانه بر اثر اوهام و خیلات دست میدهد. مثلا اگر زنی دید که شوهر ش با بعضی از خانمهای شیك آشنا یی پیدا کرده است دستخوش و هم و خیال گردیده و از روی ترس و نگرانی دست به کار های نابخردانه میزند .

نتیجه آزما یشهای علمی اینست که پایه حس حسادت بر روی ترس

گذارده شده است و اصولا
متکبر و خود خواه که بیش
را دوست میدارند ، وبه د
محبت ندارند دستخوش ح
شوند .

این چنین اشخا صی برای
هستند مورد عشق و علاق
قرار گیرند تا شخصیت آ
گردد و اگرمورد علاقه شخص
نظر شان قرار نگر فتند اح
شکست می نمایند اگر چه
میشوند که قلبشان زخم
است ، ولی در حقیقت صد
شخصیت و پر ستیژآنان و
است .

حسادت به طوریکه بعضی
میکنند ، دلیل عشق ومحب
وضعف و شدت آن نمی رس
فردی نسبت به فرد دیگر
اندازه علاقه دارد . بلکه م
شخصی که دراین مورد
خود نشان داده است تا ح
خود خواه است .

زنهای هستند که تظاهر ب
چندین مرد که شفیته آنه
می نمایند اگر یکی از آن
دختری علاقه پیدا کرده و
آن بر گرداند بر انگیخته
ناسزا میگویند ، این امر نا
لحاظ است که آن مرد را د
میدارند ، بلکه از آن جهت
دختری آنها را شکست دا

حسادت بی‌جا وکور کو
گترین عامل عناد ولجباز
همین امر سبب میشود که
رادرآغوش زن دیگری بیا
غرغر زن و اتهما ماتی که بر
می آورد آسوده شود در هر
شوهر گناهکار باشد و چ
نداشته باشد ، برای اینکه
و سرز نش و بدر فتاری
رهایی یابد ، مرتکب این
بزرگ میگردد .

اشـــك:

اشك و گریه زن به طور
است بزر گترین اسلحه او
میرود ، ولـــی دانشمنـ

بقیه صفحه ۳۷

مسوول...

درس های را بهانه قرار داده و از همکاری با من شانه خالی میکند با اینکه دختر جوان است و این کار ها که من برایش میگویم به درد آینده‌ـ اش می خورد ولی با آنهم کوچکترین توجهی نمیکند نمیدانم با این دختر حرف ناشنو چه کنم .

خانم محترم !

شما که مسوو لیت عام و تمـام دختر تان رابعهده داشتید ودارید آیا فکر نمی کنید که دیگر حرف ای

در کار های منزل با شما همکـاری نما ید، امروز به این مشکل دچار نمی بودید و دختر جوان تان را بی تربیت وحرف‌ناشنونمی گفتیدشاید شما حق به جانب باشید که دختر تان در کار های منزل با شماهمکاری ندارد ولی آیا واقعا مشکل او راکه درس های مکتب او است درك مـی نمایید آیا از دختر تان توقـع ندارید که در امتحا نات درجه خوب داشته باشد . پس وقتی دختر تان موضوع مشکل درسی ها را با شما در میان میگذارد شما نباید عصبا نی شوید

:دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی‌تعلیم وتربیه

میرا نگهت دستگیر زاده

قدهٔ حقارت چیست؟

عقده همیشه بد است؟

عقده حقارت یك مرض بدون تداوی است؟

یا باور دارید هیچ انسانی بدون عقده نیست؟

ناسی عقده عبارت ازیك اندیشه از اندیشه ها ست که توسط ند عاطفه ای بهم پیوسته اند. یزی را به شدت احساس نمایم سروکار داریم. به عباره دیگر عام عبارت ازیکدسته ذهنیت‌های که باشی معین یا فعالیت معین بوده وقسماغیر شعوری می‌باشد سلوك فرد را متاثر میسازد. س عقده عبارت از وسوسه مبالغه ترس ها وتنفرات اغراق آمیز فاده میکند •

دانست‌که ذهن هر کدام‌ما انباشته وهریك‌ما از بلوطفولیت پیوسته در تماس هستیم و آنهارا به درذهن خود جمع آوری‌می‌نمایم ی گفته می‌توانیم بیشتر اوقات

مسایل ممکن است با خونسردی مورد بحث قرار گیرند. اما اگر یك دسته ازشاگردان را در نظر بگیریم که راجع‌به‌امتیازات مکاتب شان باهم داخل مباحثه اندویا صحبت چند نفر تاجر رادر مورد حرفه تجارت مورد دقت قرار دهیم به ملاحظه میرسد که اوضاع به کلی فرق میکند وبحث دیگر جنبه عادی ندارد. بلکه احساس ما بیدرنگ روی دایره می‌ریزد ونه تنها افکار مارا تقویت میکند بلکه نه‌آنها تسلط نیز حاصل میدارد • مشاهده خواهم‌نمود که چه سان در این گونه موارد در بحث گرم می‌شویم و می‌کوشیم حتی المقدور مثبت‌ترین وموثر ترین سخن را بر زبان آریم ماندانسته طوری رفتار می‌نمایم که گویی شدت ایمان

تضاد، همبستگی و علیت به هم می‌پیوندد•

حالانکه تفکر غیر عقلانی افکار را وسیله احساسات و عواطف که بنابر تجربیات زندگی قبلی شخص به صور مختلف حاصل شده‌اند به هم متصل می‌کند • بنابر ین معنی تفکر غیر عقلانی تفکر عاطفه‌ای یا عقده ای است•

هر گاه روش ما نسبت به عقیده یا موضوع بیش از حد تابع عواطف باشد بدین‌نتیجه واصل می‌گردیم که یکی از عقده های ما به گردش آمده است •

فرق بین این دو نوع فکر روشن است و نتیجه هر کدام ارزش خاصی دارد بدین معنی که یکی منطقی ودیگری عاطفه ای است.

بااین هم می‌کوشیم تانتایج عاطفه ای را به عنوان نتائج‌منطقی قلمدادکنیم‌به‌خود به‌قبولانیم که باثر تفکر عاقلانه و منطقی به این نتیجه رسیده ایم. و حال آنکه چنین نیست. خوشبختانه بشر بیشس از پیشس‌ازین اقدام یعنی قالب زدن احساسات

داکتری را می شناسم که سخت دلبسته خر سال ترین فرزندش «زمری» است محال اس صحبتی پیشس آید که او دامنه آنرا به سخن آن کودك‌یعنی «زمری» نکشاند. یکروز ب او سر گرم گفتگو درباره وظایف قسمت ج مغز وتاثیر آن به عقل بودیم وتبادل افکا مادرین خصوص جریان داشت که نا گهان آق دکتور سخنان مارا قطع کرده گفت درس است سخنان شما مرا به یاد گفته های چ روز پیشس زمری انداخت وبعد باشور وهیج خاصی شروع به سخن پردازی درباره زمر نمود که اگر ما در نخستین فرصت توجها رابه‌جای دیگر جلب نمی‌کردیم ممکن ساعت در باب سخنان زمری به ادامه سخن می‌نشس او فریفته عقده خود شده و عواطف چن بر مغزش چیره شده بود که نزد خود به ای ایمان است که بین وظایف قسمت جلو وسخنان زمری ارتباط نزدیك وجود دارد. بلاخره عقده را میتوان از مداومت وابه شگفت انگیزش شناخت به این معنی ک پیوسته اصرار دارد تادر خود آگاه ماراه یا تا به حدیکه جلوگیری از آن به مثابه جلو گیری از تنفس است •

اکنون می‌توانیم به طور اجمال مشخصا عقده را تعریف نمایم : عقده عمومیت دار عواطف را تحریك می‌کندبه سهولت به تدا های‌ذهن می‌پیوندد ودر خود نمائی اصراردا باید دانست که عقده ها زمانی بدو زما هم خوب اند • عقده خوب آن است که مف وسود بخشس باشد هرگاه پیشرفت جهان‌تن بسته به اصل خشك علیت وتفکر عاقلانه ب بزودی جهانیان دچار وضع تاسف انگیزی می‌شدند •

فکر عاطفه ای‌باوجود غیرمنطقی بودنشس‌شو وحرارت خاصی داردکه‌آتش به جان می‌انداز و تمدن را جلو می برد. عقده بد اث نامطلوب دارد ودر محیط او انعکاس مضر می‌بخشد تبعیض، زور گوئی و آزار مردم شعبات فرعی عقده های بداست •در تظاهرا ملایم عقده بدکمترزیان‌آوراست ولی‌درتظاهرا شدید بدبختی، بدبینی ویاس وبلا های دیگری را موجب‌می‌گردد که از پیشرفت بش جلو گیری می‌نماید • روانشناسان عقده‌ها زیادی را اهم ازبد و خوب می‌شناسند چو عقده شخصیت ظاهری، عقده اجتماعی، عقد جنسی و غیره که عقده حقارت هم یکی از آنها ست •

یان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکای

بازتاب هنر

با همه کوششهای دامنه‌داری که جهت شناخت مسایل‌هنری بعمل آمده است با آنهم این مباحث بسنده نبوده و هر آن ایجاب آنرا نموده که این کاوشها گسترده‌تر بعمل آید و درمعرفی پدیده‌ها قناعت اکثریت، ذوق‌مندان فراهم گردد.

زندگی اجتماعی ما در عصرحاضر تغییر زیاد نموده و این تحول موجب تحول در وضع خواننده ونویسنده روزگار ما گردیده است ، اگر بتاریخ بشر نظر اندازی کنیم به صراحت ملاحظه کرده می‌توانیم که بشر جهت شناخت پدیده‌ها تلاشهای ذهنی فراوانی

به خرج داده اند و کماکان توانسته است در باره پدیده‌های ماحول لشس تصوراتی داشته باشد

اما چه خوبست که در هر دوران تکامل اجتماعی ما باسطح عالی‌تر تکامل مواجه باشیم.

نگارنده مبحث کنونی علاقمند است تا در باره شناخت هنر و مسایل مربوط به آن از دیدگاه فلسفه معاصر مطالبی ارائه دارد.

در باره تعریف هنر در گذشته‌ها سخنان بسیار گفته اند ، ولی تا آنجا که ملاحظه شده در تعریف‌های مذکور ، اتحاد نظر کلی موجود نبوده و بیشتر توجه به کیفیت کلمات بوده نه ذکرموضوع چنانکه عدهٔ عقیده بر آن داشتند که پدیده‌های اجتماعی چون‌هنر فلسفه نجوم و غیره تعریف وشناخت معین و ثابت ندارند به

طوری که پدیده‌های فوق‌را نزدیک بهم شمرده و به تفکیک آنان اهمیت نمی‌گذاشتند ، چنانچه در اروپا در سده‌های میانه برای

انسان دانستند و آنرا «تعالی» «وآلایش» غرایز مختلف غریزه جنسی شمردند و بهر جهت برای خصلتی راز مانند قایل شدند.

چنانکه یکی از تیوریسن‌های معاصر چنین ابراز نظر میکند که: «لذا سودمند می شمریم که تحت عنوان « در باره بعضی مسایل هنر » شرحی اجمالی تدارك ببینیم و آنرا مدخلی بر گفتار محتمل بعدی قرار دهیم که اگر زمانه و فرصت امکان پدید آورد در آن گفتار به مسایل معاصر تکامل هنری در کشور مان بپذیریم ، بحث کلی در باره عمده‌ترین تحولات و اصطلاحات استه‌تیك و هنر از دیدگاه مارکسیستی از آنجا سودمنداست که در دوران رژیم‌های قبلی هنرمندان واندیشه‌وران ماناچار بیشتر با تیوری استه‌تیك

متداول در غرب سروکار داشته اند و ظاهرا دید و برخورد مارکسیستی نسبت به این مسایل از قلمرو و بررسی‌های آن دوره مانده است به علاوه بابیان این مباحث نگارنده پایه فلسفی و علمی خودرا به هنگام نقد مشخص آثار ادبی معاصر روشن می‌سازد.

به تایید اندیشه فوق اضافه میکنم که جای شك نیست ،انواع فعالیت‌های انسانی همه درخدمت بشریت است و جهت تسلط واستفاده و شناخت انسان‌ازمحیط پیرامونش و مهارکردن‌مشکلات ونابسامانی‌ها در حرکت است ولی هر عملکرد بذات خود جهات مشخصه را اختیار میکند و در پروسه و پیشرفت خصوصیت‌های را تبارز میدهد که مختص‌به آن عمل و انگیزه است جهان

امروز پیشرفت های
در ساحات مختلف
است و ما شاهد شگ
توجه در ساحات
هستیم که نتیجه ز
انسان است.

علوم اجتماعی و
که نوعی فعالیت ه
بشناسد و منشا و
مطالعه کرده و پیر
تشریحات لازم را ا
واضح است که این
شناخت عینی بوده
واقعیت های فلسفی ا
است.

امروز با دستیاری
علمی دانشمندان مو
اساسی و فلسفی پدی
اند طرز دید و قضاو
نشریه ها عینی بود
دیالکتیکی دارد.

علم معاصر هنر
میکند (هنر از انوا
انسانی است که من
واقعیت جهان خارج
یا جامعه) در چهره
(تصاویر هنری) اس

در تعریف فوق ب
یاکرکتر (قهرمان
فشاری به عمل آمد
حقیقت فقط همین تص
است که آثار هنری
وما از اینجا گفته می
مشخص هنر فقط تص
کرکتر سازی هنر
کرکترسازی اثر
خویشس را از دست
دیگری در می آید
کرکتر میگویند که
که نویسنده ، شخ

آوای ملکوتی

صدای میشنوم ....

آوای زندگی بخشی درگوشم طنین می اندازد

از شکوه و هیبتش وجودم می‌لرزد واز مهر بی دریغش قلبم آگنده میگردد.

صدای آسمانی ایست ، انگاراز ژرف آسمان و پهنای گیتی وفضای نامحدود به گوشم می‌رسد و مرا با اشتیاق به‌شنیدن ومهر ورزیدن میخواند.

این آوای سحر آفرین پر ا زصفا و صمیمیت ، مرا هر دم به دیار آشنای محبت می کشاند ، به‌من نیرو می بخشد و میل به زندگی کردنم را بیشتر میسازد وزندگی ام را مانند فروغ سحر

میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکا

د ت های ز یا دی بـــه
ر ی می پر دازند .
ا ست که تصو یـــــر
ید ه میشود و ایجـــا د
ر مند میگو یند. هنر مند
ی که در آثار خود تصویر
ن سا خته بتوا ند تما م
ر هنر ی خا لی ازتصویر
ست این تصو یر ها را
ر شعر ، مو سیقی، تیاتر
ی ، مجسمه ، دیزا یـــن
مشاهده کرد .
. خصو صیا ت اثر هنری
ز مسایل عمد ه بحـــث
ل میدهد تو ضیحـــا ت
میداریم واین توضیحا ت
مفید شمرد ه بحـــث
با ل خواهیم کرد شکل و
در اثر هنری دو طر ف
، در تعیین یکدیگر تا ثیر
د.
ن هنر ی یعنی باز تا ب
نو ع طبیعت در زند گی
انسا ن و منا سبـــا ت
کل استه تیك در یـــك
اثر هنری .

شکل هنر ی ساز ما ن درو نی
وساخت مشخص اثر هنری استآ ن
را با کمك وسایل خاص تصویر ی
وبیانی به منظور تجلی و مجســـم
ساختن مضمو ن ایجاد میکنند .

شکل هنر ی اثر هنر ی بسیار
گو نه گو ن است و دارا ی عنا صر
مرکبه مختلفی است ، مهمتر یـــن
عنا صر مر کبه شکل عبار تست از
سوژه یا واقعه (بافت داستا نی)
ز بـــا ن هنر ی ، تصـــو یـــر
وبیا ن مانند سخن ، و زن، قیافه
هم آهنگی صو تی ، رنگ ، خط ،
رسم ، سایه ، بعد، ساخت (تکتو-
نیك) صحنه آرا یی ، مونتا ژو غیره
وغیره .

آفرینشس هنر ی ، تخیل هنر ی
الها م هنر ی ، قریحه هنر ی ،نبوغ
هنر ی نیز مسا یلی هستند که‌لازم
به تو ضیح دارند و اجزا ی یـــك
اثر هنر ی را تشکیل میدهند،ایجاد
یك اثر هنر ی یك آفرینشس و یایك
خلاقیت است ، خلا قیت دارا ی
انوا ع مختلف است مانندخلا قیت
فـــنـــی ، خلا قیـــت علمی
خلاقیت هنری .

تمثیل هنر ی ، استعداد، ایجا د
تصاویر نوین حسی یا فکر یاست
در ضمیر ، بر بنیاد تاثیرا تـــی
که انسا ن از واقعیت کسب کرد ه
وپسس در آ ن تغییر و تبدیل ها ی
پدید می آو رد .

ویژه گی های دیگر ی نیزدرمورد
آثار هنری وجود دارد کـــــه
در حقیقت همه آ ن باز تا بهستی
وواقعیت و بیا ن و شیو ه ادرا ك
را ارتقا و پر هیز ی مجســـــم
میسازند .

نقشس اجتما عی هنر نیز یکی از
مسایلی است که خط تعیین کننده
وفا صل را برای هنر ایجاد نموده
است ، این نقشس شا مل‌موضوعات
مختلف از قبیل رابطه هنر باخلق
مسا له طبقا تی هنر ، مسا لـــه
(هنربرای هنر) و غیر ه می‌باشد.

در عصر کنو نی که عینیـــت و
واقعیت جهت مهمی را اختیارکرد ه
است تو جه به واقعیت هنر ی و
خلقی بوده، هنربیشتر کسب‌اهمیت
نمود ه پیو ند های متقا بل بیـــن
هنر و مرد م در این سخن نهفتـــه
است و این خواست خوا ه به‌شک
مستقیم یا غیر مستقیم باید تجا
کند .

مرد می بود ن هنر ووا قعی
هنری رسالت تا ریخی دارد، هنر
مندا ن واقعیت گرا قهر ما ن ها
خودرا از میان مرد م می گیر ند
بیشتر تو جه به هنر ریا لیستیک
دارند یعنی هنر مند میکو شد
بیشتر کار هنر یشس بر اسا
واقعیت های عینی استوار با شد
اشکا ل (شکل گرا یی و طبیع
گرایی) هنر وا قعی با ید بتواند
مرد م رخنه کند و از مرد م دو
نماند تو جه به مسا له مرد مـــ
بود ن هنر در حقیقت رسالت ه
وهنر مند را در جا معه مشخصـ
میکند .

در شرایط انقلا بات دموکرا تی
خلقی بو دن هنر بیشتر از پـ
در خور تو جه است و پیشرو ی
این سا حه ز مینه نشو و نمـ
انقلاب کلتور ی سالم را مهیـ
سا خته و جلو هنر به ابتـــذ ا
کشید ه بورژواز ی گر فته مـ
شود .

...ول

هفتاد، هشتاد سال پیش، گاهی‌بیچاره آدم هم مورد معاملات قـرارمیگرفت وکار پول را انجام میداد.

پو ل » اصلا یو نانی‌است
«اوبو لوس » یو نانی‌آمده
یم اسم واحد و زن و نا م
د ه است . و لی تاریـــخ
، قد یمی تر است. پو ل
ز فلز و مسکو ك نبو د ه
شکلها و صورت هـــای
ر آمد ه تا باین شکـــل
سیده ا ست . در بعضی
ی بیکا نه بمزد «سالر »
و این کلمه اصلا لا تینی
به معنی نمك بوده چو نکه
ند یم مزد کار گرا ن رابا
بوده به معاو ضه اجنا س متوسل
می شده اند یعنی جنسی میدادند و
جنسی دیگر در عو ض می گرفتند
مثلا گند م میدادند و پشم و پنبه
دریافت میدا شتند و حتی هـــما ن
طور که هنوز هم در بعضی ممالـــك
مـــتمـــد ن د ر مـــو ا رد بسیار
معمو ل است بکار گر و فـــلا ح
بجا ی مزد و حقو ق جنسس میدادند
کم‌کم با وسعت یا فتن دا منه‌معاملات
احتیا ج به یك و سیله عملـــــی
تر ی محسو س گردید و مردم بـــه
وسایل مختلف توسل جستند وهر
قدیم که اجداد آلمان های امرو زی
هستند اغلب در موقع تنبیـــــه و
سیاست کسی که مرتکب جنا یتی
شده بود عد ه ای گا و وگو سفنداز
او میگر فتند .

در جا های دیگر وسیله معا ملات
اجناس دیگر ی از قبیل کهـ ربا و
عاج و گرد طلا و چیز های دیگر از
این قبیل بوده است . مخفی نماند
که تا هفتاد ،هشتاد سا ل پیشس
خود آد م هم چه بسا اتفا ق مـــی
افتاد که وسیله‌معا ملات قرارمیگرفت
یعنی بند ه فرو شا ن یا اشخا صی
گردید از آ ن آمد ه در اصل لو
کو چکی بود ه از آهن و بجای پ
روا ج داشته است . در توا ر
مسطور است که وقتی لشکر
بفر ما ندهی ژو ل سزا ر بر قو
بر یتانیك ها (اجداد انگلیسس‌ه
کنو نی) دست یا فت معلو م شد
در میا ن آنها نیز و سیله‌معا ملا
لو له های کو چکی بود ه از آهـــ
یا از مسس . در همین عهد حا
نیز در کمپو چیا پو لشا ن لو
های لوز ی شکلی‌است از آهن. ر
رفته عا دت بر آن جار ی شد

بقیه صفحه ۴۷

...عقده حقارت...

ر سعوری می‌باشد پیدایش عقده حقارت
اکثر روانشناسان در دوره طفولیت جستجو
نمایند عقیده دارند که علت پیدایش عقده
ارت را رفتار خشن‌وبی رحمانه ایست کـه
مورد بعضی کودکان اعمال می‌گردد آنان
طرف والدین ودر مجموع از طرف اقوام
قارب به نظر حقارت دیده میشود اطفالی‌که
موقع طفولیت لت وکوب میشوند بدون
ك در ردیف خطر ناك ترین دشمنان جامعه
ار خواهند گرفت یکی دیگر از روانشناسان
کتر ماك دوگال در باره می‌گوید «تقریباتمام
فال بدون استثنا بیش از تنبیه و خشونت
تشویق وبرانگیختن حس‌اعتماد به نفس
تیاج دارد چه بسیاری از اطفا ل در اثر
ان شوق ومحرك ازاستعداد خلاقه خودبی‌خبر
نده‌اند وفقط یك تذکر کوچك باعث ظاهر
ستن‌آن‌شده است علایم‌عمده‌وغیر عمده‌می باشد
زمره علایم غیر عمده می‌توان چنین ابراز
ار کرد : علایم غیر عمده مولود روش های
بیتی غلط دوران طفولیت است که‌به ترتیب
توان از مشخصات آن اســم گرفت .
۱ـ فعالیت های بی آرام که هیچ نــوع
ف اساسی و مثبت ندارد .
۲ـ فرار از مردم و اجتماع.
۳ ـ حساسیت و شکسته نفسی .
۴ ـ منفی بودن .
۵ـ کم حرفی .
۶ـ خرده‌گیری وبدبینی افراطی .
۱ـ فعالیت های بی آرام نشانه ایــن
ست که شخص احساس نارسائی وکمبودی
نماید و برای جبران آن بیش از دیگران
اجرای‌وظیفه می‌پردازد و وظیفه بیش از
گران انجام‌می‌دهد.تمام فعالیت هاومجاهدات
هدف نتیجه این عقده می باشد .
۲ـ گریز از اجتمــاع بیشتر زائیده ایــن
ست که شخص در ایام کودکی مورد تحقیر
قرار گرفته که‌در نتیجه میان‌جمع ودر حضور
دم نسبت به خود احساس حقارت نموده و
خود را بی ارزشی می داند .
۳ـ حساسیت زیاد وشکسته نفسی ، علت
ن است که شخص از یك خاطره نفرت‌انگیز
ج می‌برد .
۴ـ منفی بودن : این خصوصیت رامی توان

خاطرات گذشته می باشد قرار ذیل است :

۱ـ ترس ـدرین حالت روحی ، کشمکش روحی انسان به درجهٔ می‌رسدکه دیگر اعصاب تاب تحمل آنرا ندارد ومقاومت تمام نیروها به انتها می‌رسد .

۲ـ فرار از زندگی : در دنیای امروزی که فقدان دلبستگی های عاطفی موجودیت عقده حقارت وماجراجوئی وغیره حاکم است بعضی از انسانهامبتلا به عقده دست به قمار زدن ، شراب نوشی ، پناه بردن به مخدرات وغیره می‌زنند تااز ین راه عقده های خویش رابه فراموشی سپارند .

بر علاوه علایمی که ذکر گردید مشخصات فوق نیز در زمره علایم عقده حقارت شامـل است .

۱ـ فقدان آرامش در مجالس .
۲ـ انتقاد کردن بی جا از دیگران
۳ـ ترس از پذیرش انتقاد
۴ـ اجتناب از پند واندرز دادن
۵ـ میل به جبران بیشتر ولاف زدن .
۶ـ موجودیت حس حسادت .

این را باید دانست که عقده حقارت درد بی درمانی نیست وبرای رفع این درد‌راه های گوناگون وجود داردکه مهمترین اش روانکاوی است یعنی تجزیه وتحلیل‌افکار درونی اشخاص برای این کار به وسیله خواب مصنوعــی مصاحبه ورجوع به سابقه بیمار، تعبیروتفسیر رؤیا هااقدام میشود برای رفع نقیصه جسمی وبدنی باید استعداد وشایستگی هائیکه در نهاد ما پنهان اند ظاهر ساخته شوند تادر نظر خود ودیگران باعـــث جبران کمبودش گردد .

اگر شخصی در طفولیت تحقیر شده و آنرا خاطرات تلخ طفولیت رنج می‌دهد باید کاری کند که مورد ستایش و تمجید قرار بگیرد هرـ چند وصول به این هدف دور باشد ویا به‌طول انجامد. ولی‌بالاخره‌نتیجه‌خودراداده وجای‌شخص را میان اجتماع واطرافیانش باز خواهد کرد.

برای غلبه براحساس حقارت باید هدف نیك انتخاب شود ودر راه رسیدن آن موانع و هراس دردل راه داده نشود اکثرا همینکه به مانع برخوردمی نمایند ویااندکی دررسیدن به هدف به موانع بر می‌خورند نا امید شده واحساس حقارت بر آنها غلبه می‌نماید ، در حالیکه سعی و مجاهدت درراه وصول به‌یك هدف طبیعی‌وواقعی هرگزمنتج به‌ناامیدی‌نمیشود

زیرا چنین هدفی چه‌به‌مرحله ع
همان‌کوشش‌که صرف‌آن شده
وبهترین وسیله ونحوه ئی ا
کسیکه هدف ناممکن رادر
خود قرار میدهد اگر در اثر
نماید احساس حقارت اش
خواهد نهاد برای مبارزه
باید خود پسندی و بدبینی
روان شناسان موارد ذیل را
عقده حقارت توصیه می نماین
۱ـ شخص باید از وجود
آگاه باشد .
۲ـ سعی نماید تا علل
دریابد .
۳ـ بکوشد تالیاقت خودر
توانایی اش را به اثبات بر
۴ـ به دیگران بدبین نباش
۵ـ به خصلت های پسندی
۶ـ قیودات اجتماعی را
۷ـ کودکان رابابد به سخ
وکار واداشت تا ازاحساس
تردید رهائی یابند .

بقیه صفحه ۲۰

من هم یك...

ایالت وا شنگتن که (شصت و شش) فیصد نفو س آنرا سیا ه پوست تشکیل میدهد در آشو ب های تابستا ن گذ شته شهر ها ی دیگر حصه نگر فته بود و لی بـه مجرد شنید ن قتل کنگ دور هـم جمع شد ه و جمعیت غم ز د ه و غضب آلود را که سخت ازاحساسات بخود می پیچیدند متشکل ساختند مرد م زیر تاثیر بیانیه (چارمیکال) رهبر جنبش قدر ت سیا هــــان قرار گر فته بودند .

چار میکا ل فر یاد بــر آو ر د «بخا نه های تا ن برو ید و تفنگ های خودرا بگیر ید سفیدپوستا ن به کشتن شما می آیند » من نمی خواهم خو ن سیا هان بروی‌کو چه ها بریزد بخانه های خود برو یــد وتفنگ های خودرا بدست خودآماده

در هفته بعد از قتل کنگـــــك (یکصد و شصت) شهر و قصبــه امریکا در آتش نا آرا می مــــی سو خت و در حدو د (هفتادوسه) هزار نفر عسکر و قوا ی گا ردملی در سرا سر کشور به خد مـــت گرفته شد ه بود درین ما جـــر ا (بیست‌و چار) هزار نفر محبو س وصرف (چهل‌و سه) نفر کشته شد و چنا ن می نمود که با و جود تحریك یك عد ه ر هبرا ن سیــا ه پوست امریکا از یك جنگ سراسری نژاد ی نجا ت یافته بود .

در اکثر شهر ها ما مورین عالی رتبه شخصا برای بر چیدن‌آشو ب در محضر عا م ظا هر می شدنـــد شاروا ل های (نیو یــار ك) و (کلیو لند) در محلات آشو ب زده بقد م ز د ن می پردا ختند وتاثر شانرا ازین جر م به سیاه‌پوستان اظهار میکردند و جوانا ن ر اتشویق می نمودند به آشو ب پایا ن‌دهند .

قتل و دفن شو هرش
مطبو عا تی تشکیل داد
«امیدوار م شما دو
ستایشگرا ن کنگ با
رویا های اوسهـم بگیر
گفت روز دو شنبه یك
مراسم تدفین کنگ با
کلان خود به ممفیس
بود م تا در مار ش خا
شو هر م پلان آنرا قب
چیده بود حصه گیرد.
عظیم طور ی که کنگ
دریك فضا ی صلح آ
گرفته بود . کور تیا
لباس سیا ه به تن کر
انبو ه عظیم مار ش ک
گفت ... چند نفر دیگ
خودرا از دست بدهد
یك اجتما ع صلح‌آمیز
بتوا نیم و بـــر ای ر
هد فمهم چقد ر و قت

بقیه صفحه ۱۱

...خون من فدایت

...آن شب فاصله همه چیز خودرا ازدست
...پدر ، مادر ، خواهر و کاشانه یی راکه
...ز ندگی داشت .
...صبح فر دا فاصله در همان رو ستا در
...کی از خویشاوندان خود زندگی میکرد.

* * *

... گذشت وانقلاب وارد مر حله نوین‌خود
... در واژه های زندان ها گشوده گردید
... محبوس سیاسی آزاد گشتند و به‌میان
... های خود بر گشتند ، مختار برا در
...هم‌دراین‌میان بود که به زودی بـرای
... ظایف تازه حزبی و دو لتی خود عازم
...ردید و چون از آنچه برای خانواده او
...تیده بودآگاهی یافت . مصرانه‌خواست
...هرش نزد او رود تا هم به درس خود
...د و هم درد و غصه‌اش را از یاد برد
...فاصله در راه هرات بود ، همراه بـا
...ی دیگر و غرق در اندیشه های‌خود.

* * *

...ه کوچك همه چیز رابه برادر بازگفت،
...ی او گریست واز غصه مرگ پدر ودرد
...دن مادر سخن ها گفت ، قلب‌کوچکش
... درد بود، درد هایی که روی هم انبار
...ند و راه فرار می جستند و اکنون‌این
...افته بودند .
...ا آنها چنین کردند ، چرا مادرش ر ا
...ه پدرش را در خو نش غو طه و ر
...د و خانهٔ شان را طعمه آ تش‌ساختند؟
... باز بانی ساده به بیان علت هـــا
... تا آنجا که فاصله سو گند خورد انتقام
... تاپایان ز ندگی با ضد انقلاب‌بجنگد،
...عیین شده بود .
... روز با عضویت حزب درآمـــد و
...رانیز دو باره دنبال کرد .
... او قاطعانه و آشتی ناپذیـر بود ،
... اسلحه گرفت و در مبارزات بـا ضد
... هرات سهمی موثر گرفت ، هنـــوز
...ورود او به این شهر نگذشته بود که
...سنا برای همه بود .

* * *

...سالبا فان در آن صبح آ خرین روزهای
...در آتش جنگ میسوخت ، عده‌یی از
... انقلاب که در این رو ستا جا یگزین

آخرین لحظات ز ندگی اش ، قیافه مادرش در حالیکه در خون خود شناور بود ، منظره خانهٔ شان که آ تش آنرا در کام خود فروبرده بود پیش چشمانش میرقصید و وقتی لحظه‌یی از فیر کردن باز می ایستاد دو ران کو دکی‌اش به یادش می آمد ، گریه های شبانگاهی مادرش که به خاطر قرض هایی که هیچ و قت مجال پرداخت شدن را نمی یافت اشك می ریخت ، وقامت خمیده پدر سالخورده اش که از نماز صبح تا شام روی ز مینی کار میکردکه‌هرگز از او نبود و حتی نیم محصول آن هم به‌خودش تعلق‌نمی گرفت . اشك در چشمش لانه میکرد وخودش رابه یاد می آورد که چگونه در پنـــج سالگی مجبور بود باآن دست های کوچك‌وبی رمقش در زمین ار باب به [illegible]پردازدتاشاید محصول بیشتر گردد ودر همین حال بود که فیر می‌کرد ، بی پروا فیر می کرد ، بی ترس وهراس در سنگر جا به جا می شد و هر گز به مرگ نمی اندیشید .

* * *

ودر آن با مداد ، در آن سپیده دم روز ۲۲ حوت سال ۱۳۵۹ هم همین طور بود ، محـل مبارزه قریه شالبافان هرات بود واوهم چنا ن می جنگید ، تا اینکه در تیر رس دشمن قرار گرفت مرمی یی فیر شد و درست در قلب او نشست قلبی که به خاطر مردم و به خاطـــر پیروزی می تپید و چه حیف شد که این قلب، این‌قلب حساس از حرکت باز ایستاد، روحش شاد باد فاصله دختری که هنوز شانزد همین بهارزندگی را ندیده گل ز ندگی اش پژمرده وبرای همیشه پژمرد . او د ختری بودحماسه آفرین و زندگی او خود حماسه یی بود شور انگیز .

بقیه صفحه ٤٦

جوانان وروابط خانوادگی

و این احساس در نفس او تاثیر بسزایی دارد و او را ازخو یشتن متنفر و بیزار میکند و به طور یکه علم روان شناسی ثابت کرده است هر يك از ماسعی و کوشش داریم گناه را بگردن دیگری گذاریم و اگر شوهر اندیشه را در این باره زیاد ادامه دهد احساس نفرت بزوجه‌خود می نماید ، زیرا زن مایل است بـا فرو ریختن اشك شوهر را مقصـر قلمداد کند .

بعضی ها را عقیده بر این است که‌اگر زن باخوش رفتاری با خنده و عشوه بجای بد رفتاری و گریه و زاری در خواستی از شوهر نماید ، زود تر خوا ستش قبول میشود ، بدون آنکه تاثر وانفعالی بطر فیـن دست دهد و در این حالت شوهر از ته دل و در کمال رضایت خواهشات او را بر آورده خواهد سا خت .

محرومیت از نوازش :

علت بیشتر زنا شوی های که با ...

اظهار محبت و نوازش از طرف مادر فقط نسبت به طفل میشود و پــدر طفل را فراموش میکند .

زن دانا و فهمیده با ید پس‌از وضع حمل شوهر خودرا ازمحبت‌و نوازش محروم نکند.

مرد همیشه منتظر آن است کـه زوجه اش نسبت به وی علاقمنـــد باشد و اظهار محبت باو کند و از حیث جنسی رضا یتش را بدسـت آورد .

طبعا اگر شوهر محبت کافـی از جانب زوجه ندید و رضایت جنسی او بدست نیامد به انحراف کشانیده میشود .

کمی ذوق:

بسیاری از زنان عادت بر ایـــن دارند که قدر و قیمت شوهر خود را کم کنند و در باره تنبلی و بـــی اعتنایی اوداد سخن میدهند واشتبا- هات شوهر را برای هر کس تعریف میکنند. و مثـلا میگو یند اگر یـك روز خانه راترك گفته و آنرا بدست ...

... بشنود .
ممکن است در موقع ک...
روی خود خواهی و نادانی...
اشتبا هات یا کار های خ...
شوهر را برای دیگران ...
همگی و حتی شوهر بنای...
بگذارند ولی شوهر کینه‌...
خواهد گرفت .
پس زن‌دانا و فهمیده با...
شوهر را نزد دیگران مر...
از کوچك کردن وی بپرهی...
سعادت زندگی زنا شوی آ...
بماند .
و نا گفته نباید گذشت...
مساله اگر از طرف شوهر...
زن بکارگرفته میشود، مرد...
عام و تمام دارد .
پس بهترین روش و ی...
خوشبختی در زندگی خانو...
همانا داشتن روحیه متقابل...
محبت ، یك رنگی و ... م...

بقیه صفحه ۱۳

مساله محو تهد...

طی این جنگ عا شق زند...
حیا ت بوده ایم . خو شی م...
بود که می توانستیم نور...
را به چشما ن يك مجرو ح...
باز گر دانیم . ا یـن یـك...
انکار ناپذیر است که مرد...
شورو ی‌از صلح بشد ت د...
ومی نمایند . چه صلح بح...
گنجینه گرا نبها نزد همه م...
ملل صلحدو ست و تر قی...
قابل قدر است .
ما دکتورا ن يك و ظیفه...
راپیش می بریم که عبار ت...
علیه مرگ و تحدید حیات...
است .
ما باید حقیقت را در م...
عواقب ممکنه جنگ ذرو ی...
کنیم و صدا ی خو یشس ر...
بلند در دفاع از صلح برو...
بمرد م جهان بشنوانیم .

ه ۷

...می آموزیم و کار میکنیم...

وصد نفر کودک ونوجوان
ه های مختلف کشو ر و
ای دیگر از فعالیت ها ی
پیشس آ هنگا ن افغانستان
تو جه جد ی حـــز ب
یك خلق افغا نستان‌ودولت
ی دموکرا تیك افغانستا ن
س پیشس آهنگی در کشور
کر فته است .

رسالیکه گذشت بچه تعداد
پسر ز حمتکشا ن‌افغانستان
ما ن پیشس آ هنگا ن افغا۔
جذب شده اند و بچـــه
از آن ها به ساز مـــا ن
تیك جوانا ن افغا نستا ن
ود ه اند ؟

ما ل گذ شته بیشس ازبیست
ار کود ك و نو جوا ن د ر
ا و جو قه های پیشس‌آهنگی
ردید ه و آنانیکه ســـن
را تکمیل نمود ه اند بـــه
های سازمانـد مـــو کراتیك
ی افغا نستا ن معر فی شده

س آهنگا ن افغا نستـــا ن‌در
ن مربو ط خود برای چه‌مدتی
ر بیه گر فته می شو نـــد
ز طی چه مرا حلی می توانند
ت ساز ما ن دموکرا تیـــك
ن۔افغانستا ن را حا صـــل

از ما ن پیشس آ هنگـــا ن
ستا ن در بین کود کـــا ن و
نا ن دارا ی سن ده تا پانز ده
کار می کند ، هر پیشـــس
بعد ا ز تکمیل سن پانزد ه
و گذ شتا نـد ن دو ر ه

ها وجوقه های پیشس آهنگی تنظـیم پرورش و تر بیت سالم نماید . هر کود ك ونو جوا ن بین سن د ه تا پانزد ه سالگی که علاقه منـــد شمو ل در ساز ما ن پیشـــس آهنگا ن افغانستا ن بود ه حا ضر باشد در دسته های پیشس آهنگـی تنظیم گردد میتواند با یاد نمود ن سو گند رسمی ساز مان پیشـــس آهنگا ن افغانستا ن در حضـو ر رفقا ی جو قه اش عضو یـــت ساز مان پیشس آ هنگا ن افغانستان راکسب نماید .

۔نظر به سا ل گذشته چـــه تغییرا تی در کار و فعالیت‌سازمان پیشس آهنگا ن افغانستا ن رو نمـا گردید ه است ؟

۔در سالیکه گذ شت پس ا ز تشکیل رسمی ساز ما ن پیشس ۔ آهنگان افغا نستان که ما درمیـان کمیت نا چیز ی از کود کـــا ن و نوجوانا ن کا ر می نمودیم و لـــی اکنو ن در مرکز و تمام ولا یـــا ت کشور شورا های قو ی و مستحکم پیشس آهنگی موجود اند که‌در میا ن کمیت قابل ملاحظه ای از کود کان ونوجوانا ن با کیفیت بهتر کار مــا جریا ن دارد . شورا های رهبر ی پیشس آهنگا ن تجر به و معلو ما ت بیشتر ی در کار با اطفا ل ونـــو جوانا ن کسب نمود ه اند . کارموثر ومفید ی در امر تر بیت‌و پرور ش کودکا ن و نو جوانا ن درسازما ن پیشس آهنگا ن افغانستا ن صور ت گرفته و روز تا رو ز گستر شـــ می یابد .



بقیه صفحه ۲۵

فریاد کودك...

فریاد خفه شده ی همه اطفـ
جوامع از انکشا ف بدور نگهد
شده است که به ساز ما ن
گو ناگو ن هو شدار میدهند
هو شدار بر اینکه اگر تا مینـ
صحی بیشس ا زاین باشد ، ا
مادرا نی در دورا ن بار دا ر
شیر دهی از غذا ی بهتر بهر
گردند، اگر پیشگیر ی امرا ض
سار ی در سطح ملی میسر ش
اگر جا معه بتواند همه ی زد
ها ی استثمار گرانه را بدور
وتعلیم و تر بیه را تعمیم دهد
خانوا ده به مرکز پرو رش
بدل‌گردد، اگر قوانین تازه،
سالار ی را جا یگزین هر ن
سالا ر منشی دیگر گرداند ،
تجاو یز ی گر فته شود که
وجدا یی و یا اختلا فا ت‌ه
زن و شو هر روا ن کود ك
گون پرو رش ندهد و اگر
دشوار ی ها و نیاز مندی های
را نادید ه نگیرد بدو ن شك
با فا جعه ها یی از این مانند
بیشس از چهل در صد کود
پیشس از سن مکتب بمیرند
نیز بیمار گو ن ، بیسواد ،
ومایوس بار آیند رو برو ن
بود و آنو قت اطفا ل صحـ
امروز مردا ن نیرو مند فر د
بود که روز ن های تاز ه ی
رابرو ی تود ه های میلیو
محرو م خواهند گشود .

«سیمینا ر ملی در مورد
قانو ن در افغانستا ن » که
سه روز از پانزد ه تا هف
سنبله به ابتکا ر وزار ت
به‌همکاری اداره یو نیسف

ك زنا ن و جوانا ن وسره
ر تالار رياست طب‌وقايوى
ند مويد ى است بر ايـــن
سرا هم آور ى ز مينه هاى
ى بهبود ز ندگى كود ك
ن بار در كشور ما بـــه
ى و عميق به طر ح مى‌آيد
نشانده اين واقعيـــت
داير كنندگا ن سيمينا ر
شنا خت عوا مل‌دشوارى
گى طفل خوا هان آنند كه
ود آور ى شرايط وضوابطى
شكلات فايق آيند وتامينات
در سا حه ها ى زندگى
به كود ك تدار ك ببينند.
ه سيمينار كو تا ه مد ت
شس از چند جلسه دايـــر
و از اين رو ى امكـــا ن
نى در اخذ تصميم و توصيه
ور ى آ ن و جود داشتـــه
كيفيت نكا تى بسيـــا ر
به طر ح و تحليل آمد كه
سخنرا نى هاى صـــر ف
و اكتفا نگردد و پيشنها د
طر ح آمد ه هر يك بـــه
جدا گا نه مورد بررســى
و دقيق تر قرار گيـــرد
ا وساز ما ن هاى شر كت
آ ن نيز هريك در بخشس
را هم آور ى ز مينه ها ى
عمل كرد بر تو صيه هـــا
و همكار ى چند جانبه‌نيز
حفظ گردد بدو ن شـــك
گرو پ ها ى جدا گا نـــه
ا عى طفل ، صحت طفل ،
تخدا م طفل و تعليم‌وتربيه
ينا ر طفل و قانو ن به‌طرح

بقيه صفحه ١٩

زندگانی سیاسی ...

زد وده نمـى شود . سر ا نـجـام كو ششس‌هاى مذبو حا نه حسودا ن بى ثمر مى ماند . در تاريخ نمو نه هاى فراوا ن در دست است كـــه دشمن متفـكران و اند يـشمندان، شايستگى ،لياقت و دانشس شا ن بود ه است به گفته مولا ناجلال ـ الدين دشمن طا وو س آمد پراو..» فصل چها ر و پنجم كتا ب به رو ز هاى از نظر افتاد گى على شيـــر اختصا ص يا فته ، روز ها يى كه رابطه اش با كار هاى دو لتى‌تقريبا قطع ميشود. اما چه فرق مى كند او تنها دولت مرد . نيست اوشاعر محقق ، دانشمند و نو يسنده‌است در روز هاى دور ى از دربار اند ك ترين خستگى و ملال به او دست‌نمى دهد .

همچنا ن به مطالعه ، تحقيـــق وآفرينشس آثار ى مى پر دازد وشعر مى سرايد بسيار ى از شعر ها ى شاعران متقدم را جواب مى گو يـد و آنهـا را پد يد مى آ و رد ه‌مانند ليلى و مجنو ن ، شيرين و فر ها د حيرت الا برار ،كه پا سخى است مخزن الا سرار نظا مى را، آخرين بخشس كتا ب جستجو يى است در آخرين سا ل ها ى زندگا نى مير على شير نوا يى كه با و جود همه حساد ت ها ، تو طئه ها و كـار شكنى ها ى گرو هى از حسودا ن كار خودرا همچنا ن با متا نت‌دنبال كرده است دچا ر ترديد نشـــد ه تا توا نسته به يار ى تهى دستا ن شتا فته . بر معلو ما ت ، تجر به ودانشس خود افزو د ه به كار ها ى اجتما عى و خير يه پردا خته است در غنا مند ى ز با ن وادبيا ت‌تر كى ودر ى كو ششس ها يى فراوا نى به خرچ داد ه است اينكه ما نا م او را پس از گذ شت سد ه‌ها گرا مى گرا مى مى داريم و اين گرا ميداشت را سزا وار است كه چراغى فراراه توده ها افرو خته است كتـــا ب زندگا نى سياسى على شير نوا يى دارا ى ضميمه اى از فهر ست نا م هاى مردا ن ، ز نا ن ، اماكـــن، موسسا ت ، قبايل و زبا ن هاست كه كو ششس آيخا ن بيانى با ايـن ارتباط قابل تذكر است . اگر از چند مورد غلطى طبا عتى كتا ب كه اند ك شمار است بگذ اريم . قطع صحا فت ، و چا پ كتا ب قابـــل پذير ش است . و همچنا ن ترجمهٔ اين كتا ب روا ن و قابل استفا د ه است فقط باين ياد آور ى كه واژه هاى عر بى به فراوا نى بكـــا ر گرفته شده است .

د ۲۱ مخ پاتى

غلاشوی‌مغزونه..

پانگه وال لويديز ذهنيتونه پـه دغه برخه كى په كلى تو گه مختلف دى . او نوى استعمار چيان خپلـــو پر نسيبو نو ته پوره وفادار دى : هغوى د هغو ستونزو اوخنډونو څخه بهره بردارى او گټه اخلى ، چى‌دودى په حال كى هيوادو نه ورسره مخامخ دى ، كوم وخت چى د لوړ مهارت لرونكى افريقا يان او آسيا يـــى

دى . د ملگرو ملتونو احصا ئيى څرگنده وى چى له ۴۰۰۰۰۰ څخه زياتو لايقو او مستعدو متخصصا نو د ۱۹۶۱ـ۱۹۷۶ كلو نو په موده كى دودى په حال كى هيوادو نو څخه مهاجرت او كوچ كړى وى. امپريا ـ لستى قوتونو د غه ښه وبلله،بيله دى چى د هغوى په ښوونه او روزنه باندى پيسى مصرف كړى ، دسمند ـ رو نو څخه د هغى خوا متخصصا ن استخدام او په كار واچوى .

په لويديز كپيتا لستى سيستم‌كى داسى نما يندگى‌شته‌دى چى د هغوى

راځى د مثال په تو گه هندو
په نظر كى ونيسو .د هند ۰۰
ډاكټران د باندى په خارج كى
كوى . په داسى حال كى چى پ
دهند د سختى اړتياله‌كبله‌په ك
سيمو كى چى شمير يى په سل
۸۰ ته رسيږى د هرو لسو ز
لپاره يو اځى يو تن ډاكټر لر
كه چيرى دغه رقم د بريتا نيا
انډول‌شى ، نو هلته د هرو
اوسيدونكو لپاره يو تن ډاكټر
بو خت دى.هند همدا رنگه دس
او تكنا لوجى په مهمو څانگو
دريسرچ يا څيړنى د كار كوو
متخصصينو د كموا لى سره
دى. په داسى حال كى چى د
په شاو خوا كى ريا ضى پوهـ
فزيك پوهان كيميا‌پوهان او بي
جستان يى د امريكى متحده ا
دفيدرالى آلمان جمهوريت، بر
اوداسى نورو لو يد يځو هيو
ته تللى دى .

په پنځو تيرو كلونو كى
كال كى د طب فارغ التحصيل
سلو كى ۷۰ له پاكستان څخ
دى. په سر يلانكا ،فيلپين او
نورو آسيا يى هيوادونوكى هم
او حالت په همدغه شكل دى

هغه اخلاقى او اقتصادى ـ
ياكمزورتيا چى له دغه كبله
په حال كى هيوادو نو لپاره ر
ده ډيره لويه اوپراخه ده ،دمط
راپور و نو له مخى د مغزو
واِلى يا په بله ژبه د مغزو نو غ
همدا اوس د غو هيوادو نو
مليونه ډالره خساره يا تاوان ر
دى .

ددغو پيسو شمير په مجم
ډول په بى سارى توگه د هغو
دشمير څخه ډير زيات دى ، ك
دنوموړو هيوادو نو په وسيله
شوى متخصصين او كار پو ه
بيا خپلو كورو تو ته استوى .

بقیه صفحه ۲۹

استادمیرزا ترسون...

در آغوش و طن‌فضل‌وکمال نو به نو یابم .
جهان داند که بی ظلم واسارت من‌جهان دارم.
سرود این دل‌شاد مراهیچ انتهایی نیست ،
بوصف کشور آزاد صدها داستان دارم .
زمین تاجیکان گل کرد، باغ تاجیکان گل کرد ،
دل خرم ، سر سبز ازبهار تاجیکان دارم .
به قانون نامه خود پرتیه باخط زر بنوشت ،
حقوق خلقها را بین چه‌بخت جاودان دارم .

تره چندری

به آب و رنگ نو بیدل چوآمد در جهان نظم ،
زرو حسن دگر آموخت‌باغ و بوستان نظم .
سخن میراند سر بسته‌نهان می داشت معنی را،
به مثل دانهٔ گوهر که پنهان‌است در دریا ،
نه مفتی بود، نه ملا نه‌بیتو فق روحانی ،
فقط میکرد بر دنیا نگه باچشم انسانی .
ثنا بر کامدی گویان سرودی از مدن خوانان ،
به تار نظم خود آورده عشق پاك این یاران .
برقص کامدی شیدا ، به‌آواز مدن مفتون ،
نوشت این نامه عشاق‌شاعر با دل پر خون
بمثل کامدی در حسن و در صنعت جهانگیری ،
توای رقاصه دوران تره‌جندای ـتره چندری .
دل تاجیك و هند و چون‌دو شمع انجمن افروخت ،
به داغ این دو شمع انجمن‌افروز بیدل سوخت .
چو دیدم در دیار توخزان بوستانی را ،
نمودم جستجو از کامدی‌تو نبشسته غباری را،
در آن از کامدی جستم‌نشان یادکاری را ،
بوقت رقص موزونت ، به‌چشمان پر افسونت ،
کبوتر در هوا ، آهو بصحرا گشته مجنونت ،
بوقت چرخ گردانت‌بگرد پای پیچانت ،
نماید جلوه در چشمم پرطاوس بدامانت ،
بزیر عنبری زلف سیاهست چون قمر دیدم ،
در آن از آفتاب کامدی‌گویا اثر دیدم .
اگر خورشید بود کامدی‌تو مانند مه بدری ،
بروی آسمان خود تره‌چندری ـ تره چندری ،
غزل میگفت و در می سفت‌حافظ ـ شاعر شیراز،
سخن را داده در وصف شماجادو گران پرداز .
دل تاجیك و ایرانی‌محبتگاه حافظ شد ،
سرود عاشقان همصحبت‌دلخواه حافظ شد .
دل و جان را فدا کردا وبرای‌چشم جادویی ،
بزلفان سمن بویی ، بخال‌و خط هندویی ،
«اگر آن ترك شیرازی بدست آرد دل ما را ،
بخال هندویش بخشم‌سمر قند و بخارا را ».
بگو ماه نو هند و چسان‌چون ذره پیدا شد ،
همان خالی که داری در میان‌ابرو ان خود ؟

مگر خود زهره و چون‌مشتری همشیره داری؟
مگر در خانهٔ ابروی خودگنج نهان داری ؟
که مثل مار زلفان به‌گردش پاسبان داری ؟
مرم از دوست چون آهوبمن سر دلت را گو
تره چندری ـتره چندری،تو ای با زیگر هندو
اگر با رقص بر خیزی ،هوای فارم انگیزی
زباغ صنعت خلقت به گردخویش گل ریزی
به جنبش موج دریایی ،به لرزش ریگ صحرایی
هنر مندو هنر پیشه زسرتا ناخن پایی
سبك چون پر نیانی تو،به از آب روانی تو
بکف در گرانی تو ، به‌تن‌جانی تو ، جانی تو
مترس از شعله های‌او لین صبح آزادی
ملرز از باد دهشتناك‌طوفان مثل شمشادی
امید و آرزوی خلق خودرا در دلت جا کن
دل پر حسرت آن را به‌مثل غنچه ای وا کن
تو ای فرزند محبوب دیارو کشور بی بخت
سیه چشم و سیه ابرو ،سیه مو ،دختر سر سخت.

بقیه صفحه ۹

دیگرفریادزن...

راه حزب و راه انقلاب ، راه رهایی زنان ، یاد داشت مدیر مسوول ، در راه ایفای تعهدات بمردم ، خطوط اساسی فعالیت های سازمان دموکراتیك زنان افغانستان ، کلا راز تگین بنیان گذار روز جهانی زن ، گرامی باد خاطره نخستین کنفرانس سرتاسری زنان افغانستان ، بنځه د سولی په خدمت کی ، شهید زنده است ، امروز برای بشریت داعیه جدیتری از صلح و جود ندارد ، گزارش فعالیت های کمیته ملی به پیشواز کنفرانس جهانی زن و هشتمین کنگره فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان ، فدراسیون دموکراتیك بین‌المللی زنان ، مدافع راستین حقوق سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی زنان جهان ، حل مساله زن‌در اتحاد شوروی ، استثمار و بهره کشی بیرحمانه زنان در جهان آزاد ، په پر مختایی هیواد و کی دښځو مبارزی ، زنان قهرمان فلسطین میرزمند ، شعری از مشیری ، صفحات شعر ، یك

خور دار از زیبایی بود
دیزاین و تزیین صفحات
بکار گرفته شود .
هفتگی نامه ژوندون
نشرات مجله زنان افغ
را به دکتور اناهیتا را
بنیان گذار سازمان دمو
زنان افغانستان ، کری
منشی سازمان ، هیات ت
عظیم شهبال مدیر مسوو
وتمام خانواده ها و زنا
کشور تهنیت میگوید و
است مجله زنان افغان
راه تحقق آرمان های س
در راه بر آوردن نیاز
فرهنگی زنان کشور و
دهی به خوانند گانش
از این باشد و با است
روی اهداف نشراتی خو
فرهنگی خودرا به عنوان
وسیله ارتباط جمعی در
دشوار کنونی به ایفا گی
تا آنجا در ارضای ذوق
وبرآوری نیاز های دا
موفق باشد که دیگر مج
کهنه خارجی راهی در
خانواده های ما نداشت
آغاز نشرات ما هنا
افغانستان را گامی در

ا انقلاب، مردم، وطن...

درین لحظا ت که بـــر
ده اکثریت مردم وار د
ین از انقلاب ملی و دمو ـ
بیر ثور می شویم .دورا ن
از و حا کمیت امین ودار
حدو د ش این مستکبرین
ه خلق وو طن به پایا ن
هه ملی پدر وطن بـــه
ب دموکرا تیك خلـــق
با اتکا به اراد هاکثریت
ه های مرد م کشور وبه
ی آزاد ی بخشس افغا ـ
طر دفا ع از دستآو رد
ب کبیر و پر جلال ثـور
کمه را بدست گر فت .
ایمان راسخ داریم کـــه
ز عهد ه دشوار ی ها ی
بدر خواهد آمد . »
دا در راه عملی تشکیل
وطن گا م های عملی و
کی پی دیگر بر داشت که
ترین منبع تجلی قد ر ت
ا ن و تمام ملیت ها و
کن سر زمین و احد ما
د ، که بر این مسا لهدر
رسمی حز بی ودو لتی
است . مثلا مادر اصول
مهور ی دمو کرا تیـــك
که بعد از پـــیرو ز ی
ن انقلاب به تصو یـــب
نحیث قانو ن اسا ســی
لت جمهور ی دموکراتیك
شنا خته شده و مر عی
ت می خوانیم که :
حمت کشا ن در جمهور ی
افغانستا ن متکی بـــر
ع ملی پدر وطن اســـت
ر گرا ن ، دهقانا ن،کسبه
کو چیا ن ،روشنفکر ا ن
وانا ن و نمایند گـــا ن
ی ها و اقوا م دموکراتیك
ت و ساز ما ن هـــا ی
سیاسی کشور راتحت

سازند ، تشکیل و کار تـــدا ر ك
جبهه نیرو مند را رسما آغاز نمود،
که بالاخر ه نتیجه ثمربخشس ایـــن
تدارك تشکیل کنگر ه جبهه ملی
پدر وطن درسا ل جار ی گردید .
بدین گو نه و ظایف عمده جبهه ملی
پدر وطن و خطو ط کلی وظا یف آن
که عبار ت از تحکیم حا کمیـــت
زحمت کشا ن در جمهور ی دمو ـ
کرا تیك افغانستا ن و متحدساختن
همه نیرو ها ی ملی وو طن پرست
کشور در امر شگوفا یی افغانستان
واعمار جا معه نوین است . تعییـــن
وتثبیت گردید. بـد ین تـر تیـــب
«جبهه که مولود انقلاب ثـــور و
مخصو صا مر حله نو ین تکا ملی
آنست خود به عا مل تعمیق و رشد
بیشتر آن مبد ل میگردد . »
ولی باید درنـ ظر داشت کـــه
وحد ت تمام نیرو ها ی وطنپرست
که بزرگترین ضا من گستر شـــ
وپیروز ی نها یی وکامل انقلاب است
کار آسان و ساده یی نیست ،زیرا
میدانیم که ارتجاع و امپر یالیزم قرن
ها در سر زمین ما حکومت کرده و
تسلط داشته اند درین مدت تاتوا ـ
نسته اند در میان مردم ما تخم نفاق
بد بینی و عدم اعتماد بههمدیگر را
پاشته اند ،لذا کار متحد ساختـــن
همیشه مردم ، کار آسانی نیست و
نمیتواند خود بخودی صورتگیرد.
ببرك کار مل منشی عمومی کمیتـــه
مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شـــورای
انقلابی ج.د.ا در بیانیهیی اساســی
شان در کنگره موسسجبهه ملی پدر
وطن درین مورد فرمودند که :(...
اما این وحدت ، وحدت غیر آگاها نه
و خود به خودی نه بلکه در نتیجه
همکاری حکومت مردهی ونمام وطن ـ
پرستان افغانستان بدورحزب ودولت
انقلابی پایه گذاری میشود. ما بالای
درس های تاریخ خویش و تجـــارب
عظیم تاریخی مبارزات مردم افغانستان

سمن مبارزات آزادی بخش و ضد
امپر یالیستی نیرو های وطنپر ست
کشور با طرح و حل مسله اتحـــاد
نیرو های ملی ودمو کراتیك آرما ن
هـ ی توده های عظیم را منعکس می
سازد ...)
جبهه ملی پدر وطن درین مرحلـــه
تاریخی کشور ما ، مرحلهی که بر
حق نقطه چرخش و سر نوشت ساز
کشور است و انقلاب ملی و دمو ـ
کراتیك ماو دولت جمهوری دموکرا ـ
تیك افغا نستان و بالا خـــره انسان
رزمنده سر زمین ما همراه با ما در
وطن افتخار آفرین ما افغا نستـــان
ازاد و سر بلند مورد حمــــلات و
تجاوز نیروهای اهریمنی واستعمار
امپر یالیزم و هژمو نیسم بین المللی
و عناصر خود فروختهی وابستـــه
بهفیو دالیزم قرار گرفتهاستدارای
اهمیت تاریخی بس سترگ وعـــظیم
است .
شمهی ازین ارزشمندی ها را میتوان
چنین جمع بندی نمود :
اولتر از همه آنکه این جبهه باعث
متحد گردیدن تمام مردم ما و پایان
بخشیدن به سیاست های استعماری
که در گذشته میان مردم ما نفاق و
بی اعتمادی را خلق کرده بودند ،
می گردد .
دوم ـ در اثر متحد شدن تمـــام
اقشار و طبقات انقلابی در یك صف
واحد و بالاخره دراثر مبارزهمشترك
ایشان شعور طبقا تی و سیـــا سی
مردم ما بلند رفته و بدین ترتیـــب
جبهـــه برای کل ملت به بهتر یـــن
آموز شگاه سیاسی مبدل میشود .
سوم ـ جبهه ملی پدر وطن پایه
های اجتماعی انقلاب را گستر ش
داده و به خصایل تودهی انقلاب هر
چه بیشتر می افزا ید .
چهارم ـ در اثر وجود این جبهه
برای فرد،فرد مردم ماامکان مبارزهی
فعال با ضد انقلاب و همچنان امکان
سهمگیری هرچه بیشتر در امرسا ـ
ختمان جامعه نوین میسر می گردد.

می کنند که انقلاب از ایشان و دول
جمهوری دمو کراتیك افغا نستان د
خدمت آنهاست .
هشتم ـ با همکار ی همگانی د
بهت شگو فانی کشور ـزمینه ها
مادی و تخنیکی گذار به جامعه نوی
فراهم میگردد .
چنین است برخی از ارزشمند
های جبهه ملی پدر وطن و همچنا
صد ها ارزشمندی دیگر . ولـــی
نقطه نظر سیاسی بیش از همه ارز
شمندی مسله دراین استکه تشکی
جبهه وسیع ملی پدر وطن جوابقا
کنندهی ازنیرو مندی انقلاب گسترش
آن در بین تود هها، باز گشتشرا
عادی زندگی در کشور و شکســـ
قطعی و کامل ضد انقلاب است.
در مدت کمی که از تشکیل جبه
وسیع ملی پدر وطن می گذرد مـــ
شاهد پیروز های شگرف نیرو ها
انقلاب و از هم پاشیدن و نابـــود
باندیست های ضد انقلاب بوده ای
انقلاب بیش از پیش در میان تـــو
ها گستر ش می یابد و با گسترش
نفوذ انقلاب ضدانقلاب محکوم بهس
نوشت محتوم خود یـــعنـــی زوال
نابودی می گردد.
اگر مابه پروسه انقلاب و مخصو
صا بعداز پیروزی مرحله نوینانقلا
نظر اندازیم و باز اگر از فـــراز
نشیب هایی که به صورت طبیعـ
انقلاب با خود دارد بگذاریـــم ، د
مجموع اوضاع به نفع انقلاب تغی
یافته و ضد انقلاب یا تار و مـــ
گردیده و یا مجبور به عقب نیش
همیشگی شده ا ست. حـــالا کـــ
پروسهی تکامل بزر گترین دســـ
آورد مرحلهی نوین انقلاب (جبههم
پدر وطن) در حال اکمال است ،
ایمان راسخ داریم که دیری نخواه
گذشت که ضد انقلاب به سر نو
شت محتوم تاریخی خود محکـــو
خواهد گردید و آنگاه این مردم دل

شماره (۳۵ـ ۳۶)
سال ۳۳
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغانی











